



خانه تکانی در تیم ملی فوتبال لازم بود، اما...

هنوز هم معیارها سطحی
و قضاوتها شخصی است!



پیکان جوانان ۶۵

ペイカン. ジャワナン

عکس چهره رنگ «دو»
www.javanan56.com

واترپلو: ایران و چهارباخت

چک ها جام ایران را با خود برد

یادداشت‌های هفته

فرامرز تهرانی رفیع

مسئله چراغ قرمز و مربی تیم فوتبال

مربی ایرلندی فوتبال ایران در زمانی کمتر از ۲۴ ساعت بعد از شکست درجام ایران شاید بخاطر آنکه بازرنگی خاص خود ابعاد ناکامی روش غلط خود را در بازیهای جام ایران محدود کند با سیاستی تازه تیم ملی فوتبال را برای اردوی آسنادگی در بازیهای مقدماتی المپیک معرفی کرد!

این شناسایی گرچه با تحولات همراه است و نسل تازه فوتبال دران بینی از حد تصور به بازی گرفته شده ولی بیشتر از آنکه با روشن بینی همراه باشد با شناسایی و برای بوجود آوردن موجی نو بوده است.

موجی که درگیر دوار رویدادها و گفتگوهای تازه درباره آن ابعاد شکست درجام ایران گسترش پیدا نکند! درحالی که بهر شکل شکست درجام ایران تحت تاثیر هر مسئله روز دیگر بعنوان یک نمودار ناموفق درکارنامه مربی گرافیتیت فدراسیون فوتبال فدراسیونهای ما دست مژد میگرد باقی خواهد ماند. جام ایران را در سال نخست با تیمهایی برتران تر در تهران فوتبال ما فتح کرد ولی در این دوره درمعیارضعیف تر، ماحام را از دست دادیم و تنها قدرت و نهامت جوانان با تیم امید که کمتر امید و جوانان بودند و گروهی از آن جمع را در گذشته درکارمیلی داشته ایم خالی شادی هائی زودگذر بود. قبل از بازیهای جام مفسرین و مطبوعات نوع گزینش اوفارل را مردود دانستند و یادآور شدند که با این انتخاب و تدارک نتیجه مطلوب گرفته نخواهد شد ولی مربی ایرلندی الاصل درمصحاح تلویزیونی از روشن بینی خود و دستیارانش صحبت کرد و از فتح جام بوسیله تیم «الف» و تلاش برای هم اهنگ کردن تیم «ب» صحبت کرد ولی با حذف تیم الف موجودیت خود را درهستی «ب» جستجو کرد که در بازی سرنوشت نیز موفق نبود.

و حالا بعد از این شکست برنامه ای تازه تدارک دیده است. این روش کار مرا بیاد حوادث فراوان میاندازد. حوادثی که نظیر آنرا چند روز پیش دوستان باژگو میکرد.

میگفت: مسئله ما شهرداری جاله بزرگی سریع گذا بود که هرچه تلاش کردیم مامورین حراقی غلامت یا چراغی مقابل آن نگذاشتند و استدلالشان این بود که....

مگر راسته ها کور هستند. جاله به این بزرگی را که دو تا ماشین هم توش جا میگیرد هر کوری می بیند!

و عجیب این که طول ۲ تب سه ماشین درهمین جاله افتاد، اتوبت آمدند و چراغهای رنگارنگ و توارکنی را شروع کردند.

مربی تیم فوتبال هم تصایح مفسرین را پذیرفت و حالا که درجاه افتاده و جام را از دست داده با این گزینش میخواهد برگی تازه بزین بزند. ابتدا به بنیم برترنگیگان از کدام گروه هستند و بعد تفسیر کنیم.

ناصر حجازی - بهرام مودت - جمشید رافغر

پرویز زاهدی

جام ایران و یک تجربه تلخ

است - خواجه دربند نقش ایوان است» فراموش کردیم که قدرت تیم ملی بر قدرت تیمهای باشگاهی تکیه دارد و اگر دیدیم که در این جام دو تیم ملی ما، بویژه آنها که بنام ملی «الف» وارد میدان شدند، از پا نشتند، دلیل نزول تیمهای سرشناس باشگاههای پایتخت بود که بیشترین تعداد را در تیم الف سهم برده بودند.

شاید برخی به مخالفت با این عقیده کشورهایی را نام ببرند که تیمهای باشگاهی نیرومند ندارند. مسابقات باشگاهی منظمی ندارند. از نظر کیفی و کمی کمبودهای فراوان دارند ولی با استخدام یک مربی خارجی تیم ملی خود را با پیشرفتهای سریع و روزافزونی روبرو کرده اند و من در پاسخ آنها باید بگویم که آنها همه فوتبال سازمانی و بنیانی خود را رها کرده اند و تنها به تیم ملی خود و یک برداشت زود گذر و سطحی چسبیده اند و ما نیز در سالهای دورتر چنین افتخاراتی را در سطح ملی داشته ایم و از همه بهتر به مثال کشهائی در جام جهانی لندن میپردازیم که پس از ماهها کوشش و تشکیل اردوهای یک از شش ماه طولانی تر بود. در جام جهانی لندن به معجزه گرایی پرداختند ولی از آن پس که تیم ملی را مدتی رها کردند، حتی از مقابل تیمهای آسیایی، به آن پیروزیهای درخشان رسیدند.

خلاصه کنم در کشور ما که فدراسیون فوتبال، در پی پیشرفتهای ارامنی در زمینه خلق کلاسهائی آموزشی، مسابقات ۱۳ تا ۱۸ ساله ها، جوانان است، مسابقات باشگاهی منظم در کشور دارد. در پی تشکیل دسته دوم ایران است. میکوشد تا مربیان و داوران را با اعزام به کلاسهائی آموزشی در خارج، با دانستنیهائی فوتبال مدرن و روز مره در جهان آشنا کند. استخدام مربی خارجی که فقط در زمانهای کوتاه باید بازیکنانی را در اختیار بگیرد و اندیشه ای با بردن سطح فوتبال ملی از این راه درست نیست. پس چه باید کرد.

۱ - نخست اینکه باید یک کمیته یا سازمان دائمی که در آن چند تن از مربیان باشگاهها نماینده فدراسیون و چند تن از آگاهان و دست اندرکاران حضور می یابند. برای تیمهای ملی انتخاب کرد. ایشان در طول سال بر احوال بازیکنان باید نظارت مستقیم داشته باشند و گزارشهای آنان در پرونده ای شخصی بازیکنانی که لیاقت پوشیدن بیراهن تیم های ملی را می یابند درج شود.

۲ - جام ایران جز اتلاف وقت و خستگی چیزی در بر ندارد. بجای آن میتوان دیدارهای دو جانبه در سطح ملی را در تقویم فدراسیون جهانی گنجاند.

۳ - جوانگرایی خوب است، اما تدریجی باید باشد. یکباره تیمی را درگرون کردن که بهکم اجبار است. نشان میدهد که درست بر احوال تیم ملی واقف نبوده ایم و مرضی را میماند که بوقت احتضار به دکتر برسانیم.

۴ - گرد مربی خارجی را قلم بکشیم و اگر نیازی بود از کسی استخدام کنیم که چون کرامر، مربیان باشگاهها را آموزشی تازه بدهد.

۵ - فدراسیون فوتبال میتواند، چنانکه قبلا هم در این اندیشه بوده تعداد مربی خارجی را استخدام کند و در زمانی معین، ۲ تا ۴ ساله که زمان بهره گیری از کار یک مربی است، آنها را به باشگاهها بپسارد و نیمی از حقوق آنها را خود بپردازد. هم که خرج تر از استخدام یک مربی گرافیتیونی چون اوفارل خواهد بود و هم بر فایده تر از این.

۶ - بهنگام دیدارهای ملی، مربی تیمی که استخوانبندی تیم ملی را میسازد، مربی تیم ملی باشد و مربی باشگاه دیگر که سهم عمده در اردوی تیم ملی دارد بعنوان کمک در کنار مربی تیم ملی باشد.

ایا بدین گونه موفق تر خواهیم بود؟

از جام ایران، جز یک تجربه ی تلخ، چه چیز برای ما باقی ماند؟ آیا سود کلاسی عاید فوتبال شد تا آنرا صرف برپا نگهداری تیمهای سازنده که کار بنیانی ما را بهعهده دارند، کند؟ آیا در این میدان هدفی راستین و برنامه ای اصولی را دنبال کردیم تا یک استخوان بندی محکم برای تیم ملی بشناسیم؟ آیا جام را حفظ کردیم تا به قهرمانی دوباره ای، مدتی از شوق بر سر پا بند نباشیم؟ آیا بقدر پولی که خرج تیم ملی میکنیم، حاصلی متناسب برای ما بجا مانده است؟ آیا اوفارل میتواند بگوید که در این یکسال تیم ملی را صاحب یک «فکر» تازه کرده و آیا میتواند ادعا کند که کارنامه ی درخشانی داشته است؟

پاسخ همه ی این سئوالها در عین تاسف منفی است و شاید هم من بعنوان یک ورزشی نویس خیلی بدبینم که نمیتوانم معادله ای بین آنچه فدراسیون فوتبال با استخدام اوفارل در طلب آن بوده است، و آنچه حالا در دست داریم، پیدا کنم.

از دیدگاه بود یا نبود جام ایران و هزینه ای که برگردن فوتبال ما میگذارد، در میگذرد که نه یکبار، چند بار من و همکارانم بر کم ارزشی آن در زمان کنونی قلم زده ایم. از ضعف مدیریت و اشتباهات مکرر و لجابت سر مربی تیم ملی هم، انقدر گفته و نوشته شده که دیگر جای بحث مجددی باقی نمیماند و فقط اشاره میکنم به اقرار آشکار اوفارل پس از شکست تیم ملی «الف» و «ب» پیروزی تیم «ب» در دوره ی نیمه نهایی که در جواب یک خبرنگار، میگوید: تیم «الف» حرف مرا گوش نمیکرد که باخت و تیم «ب» حرف گوش کن بود و برد. او با این اقرار ثابت کرد که در رهبری تیم ملی نه اقتدار و مدیریت کافی داشته و نه دور اندیشی لازم را و من اضافه میکنم که در تیم «ب» هم نمیتواند ادعا کند که گوشهای پظاهر شنوای جوانتهای که طالب ورود به تیم ملی بوده اند و در آرزوی پوشیدن بیراهن رنگ ریز ایران میسوخته اند، بی حکمت نبوده است و کاش جوانتهای در آن روز آخر حرف گوش کن نبودند و با جرات و نهامت خود بجنگ تیم چک میرفتند و از بیم شکست و بنا بر توصیه ی مربی در زمین خود اردو نمیزدند و دو دستی برای سلامت دروازه ی تیم خود دعا نمیکردند و مثل آن ده پانزده دقیقه آخر، از همان فقایق نخستین می جنگیدند و اگر شکست میخوردند سر بلندتر میماندند.

از موضوع اصلی دور ماندم: اوفارل حتی نتوانست جستجوگر یک استخوانبندی واقعی برای تیم ملی باشد و بهر کیفیت و تقدیر، حتی در این کمتر از یک ماه، باید بحال او و تیم ملی دعا کنیم که در بازیهای مقدماتی المپیک سربلند باقی بمانیم.

در آغاز این نوشته، اشاره کردم که از جام ایران، جز یک تجربه ی تلخ، چه چیز برای ما باقی ماند؟ و میخواهم بر آن اضافه کنم کاش از این تجربه ی مرده ای آینده ی خود را شناخته باشیم و اشتباهات خود را تکرار نکنیم.

یکی از اشتباهات که بارها در کشور ما و در هر فدراسیونی که آمده است و رفته است تکرار شده استخدام یک مربی خارجی، ازران قیمت یا گران قیمت، به شکل مبادله، بطریق روابط ورزشی، یا هر دلیل دیگر بوده است. ایشان که میخواهد در کشور ما موفق نبوده اند و بهنگام رفتن تاسف خورده اند که چیزی بیادگار باقی نتهاده اند، بعضی کوتاه مدت چون تو و بعضی چون اوفارل دراز مدت در استخدام فدراسیون فوتبال بوده اند. دلایل مختلف اثر وجودشان در سطح ملی ناچیز بوده است. گاهی آنان را دعوت کرده ایم تا سر پوشی بر شکستهای احتمالی باشند و گاهی بنبرد، در پی بالا بردن کیفیت فوتبال ملی کوشیده ایم، اما نتیجه ی هر دو این خواسته ها صفر بوده است. زیرا که بنابر مصداق «خانه از پای بست ویران

یادآوری

بهرام بهاروند

در حال حاضر در همین تیم ملی خلاصه شده و این بزرگترین خطر است. فردا، یکماه یا یکسال دیگر این آنها اگر دیگر نتوانستند بازی کنند و همه چیز را کنار گذاشتند آنوقت واترپلو چه خواهد کرد؟ آیا باید نامش را بهراموندی سیرد؟ این حرف از آنجاست که بشوئنه‌ای در این ورزش نادریم. فدراسیون تمام توجه‌اش در کادر واترپلو را بروی این تیم معطوف کرده و دیگر همه چیز را بهراموندی سپرده است. نه سازندگی، نه تحریر، فقط و فقط نظارت و حمایت و خلاصه کردن تمام مسائل در یک تیم، رویه تحلیل. و حالا که راه را به اشتباه آمده‌اید، بایست تا بیشتر دیر نشده در جبران آنجه انجام گرفته باشید. برای این ورزش بشوئنه‌ای سازید تا بناگاه همه چیز از بین نرود با شرایطی که پیش آمده تمام مسائل به وجود یک تیم بستگی دارد و با نبود آن وضعیت درگروگن خواهد شد. اگر از همین حالا دست بکار شوید میتوان روزنه امیدی داشت، سازندگی را آغاز کنید و بشوئنه‌ای مطمئن برای این ورزش دوستداشتنی بوجود آورید. اگر پیش از این بیعون همین راه ادامه بدهید، آخرش به سیاهی غم انگیزی ختم خواهد شد. از همین حالا کار را برای آینده سازی شروع کنید. چرا که فردا خیلی دیر است و در بازی آسیائی آینده، جای تیم واترپلو ایران با مدال طلا خیلی خالی خواهد بود!

پس از بازیهای آسیائی موجودیتش را حفظ نماید، یافتن شانس حضور در مسابقات جهانی «کالی» بعنوان نماینده آسیا بخاطر تصاحب مدال طلای بازیهای آسیائی بود و این در واقع ستونی بحساب میآمد تا تیم را استوار نگاهدارد و اگر چنین برنامه‌ای نبود روشن نیست چه پیش می‌آمد؟ مسابقات جهانی هم از اوایل هفته پیش شروع شد و دور مقدماتی آن با ۳ شکست سنگین برای ایران مقابل آسیائی - شوروی و آمریکا پایان رسید. و البته جز اینهم نایبست انتظار داشت و ناکامیها چیز غیر منتظره‌ای نبود. ولی اینجا منظور صحبت از جوانی نیست ایران و مسائل مربوط به آن نیست و آنچه دلیل نوشتن این یادداشت است شاید بتوان به آن عنوان هندار و با یادآوری داد. همانطور که گفتیم، آنچه موجودیت تیم واترپلو و در واقع تمام سرمایه واترپلو را پس از بازیهای آسیائی حفظ کرد تا نامی از این ورزش نباشد، همان مسئله شرکت در مسابقات جهانی بود که بازیکنان بخاطر وجود هدف و دلگرمی بکارشان ادامه میدادند و حالا این مسئله هم تمام شده است. شاید این تیم تا المپیک آینده هم باقی بماند و در توتوری که از بیروزی گذشته سوسو میزند بتوان کلمه «واترپلو» را دید ولی راستی به چه خواهد شد؟ در حال حاضر واترپلو را خطری بزرگ تهدید میکند، خطری که از بین رفتن این تیم واهیت زایشش شکل خواهد گرفت. چه موجودیت واترپلو

شورو غوغائی که تیم ملی واترپلو ایران در بازیهای آسیائی تهران برپا کرد و آن روزهای داغ و هیجان انگیز در سالن سروسشیده مجموعه آریامهر که دیدارهای تیم ایران با بردهای سینه و جمعی انبوه پشت آن برگزار میشد و بالاخره فتح مدال طلای رنگ به نشانه حکومت بر واترپلو آسیا. در سایه درخشش مردان شجاع تیم ایران، همه و همه میتوانست مقعدهای دلپذیر و پرشکو باشند برزولای تازه برای این ورزش در دیار ما. و بهترین موقعیت پیش آمده برای سود بردن از توجه جلب شده مردم به واترپلو، تا به کمک این شانس در راه توسعه و تعمیق این ورزش نکشید. پس از بازیهای آسیائی اصل ترین شکل کار این میتوانست باشد که با ترتیب تورنمنت‌های چند جانبه و مسابقات مختلف استیای و علاقه مردم به واترپلو را همچنان بیدار نگاهدارد و حسنا با تشکیل کلاسهای تلمیاتی و برنامه های دیگر در این زمینه، در رواج آن نکشید. اما انتظار نشد و از این شرایط کمترین بهره گیری بعمل نیامد، تنلی فدراسیون را با دلایل دیگر، بهر سورت مانع از انجام چنین برنامه‌ای گردید و شاید هم اصلا فکری برای اینکار نداشت! ضمن اینکه تا این دوران نیز موجودیت جمعی محدود و محدود نام این ورزش را سرا نگاهداشت، زمان با بی تفاوتی پشت سرگذاشته شد و واترپلو با همان تعداد میره های مختصری که تیم ایران را تشکیل میدادند، پراش ادامه داد. با حساب اینکه آنچه سبب میگردید تا این جمع

حسین حساری

تیمهای ملی کشتی آزاد و فرنگی جوانان ایران در نیمه دوم مردماه راهی بلغارستان میشوند تا در کنار بزرگان جوان کشتی جهان در عرصه رقابت موجودیت خود را بنمایش گذارند. تشکیل تیم های جوان در هر رشته ورزشی نشانه روشن بینی مسئولان آن فدراسیون است که تنها به زمان حال دلخوش نکرده‌اند و با زرف بگری در زمان قدرت ویکه تاز از فکر فردا و فرداهای دیگر غافل نشده‌اند. در زمانی است که در دیار ما ورزش پایه فراوانی شده، مسئولی گناه این کار را بگردن گذشتگان، گذشتگان انرا بای محدودیت سازمان تربیت بدنی و کمبود بودجه و سرانجام سازمان تربیت بدنی این فراموشی را بحساب مسئولین تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش در ورزش آموزشگاهها میگذارند، راستی کدامیک در این مورد کوتاهی کرده‌اند؟

فدرمسلم اینکه در ورزش ما اگر یک ارتباط دائمی بین دستگاههای مختلف آموزشی و تربیت بدنی و... برقرار نباشد نمی توان شاهد موفقیت را در اغوش کشید. چرا که مثلا وزارت آموزش و پرورش اگر با تمام قوا زیربنای ورزش جامعه را بشکلی نیکو پایه ریزی کند و نواحستان و قهرمانان مستعد را تحویل باشگاهها و فدراسیونها دهد، اگر بهمان گونه از دستاوردها آموزشگاهها مراقبت و پشتیبانی ننهد، همه تلاش آموزش و پرورش بی نمر از میان میرود. بهمین گونه دستگاههای مختلف که اگر یکدیگر را در راه بارورسند هدفها پاری نکنند هیچگاه شاهد مقصود را رویت نخواهند کرد. فدراسیون کشتی برای نخستین بار به طبقه بندی کشتی گران همت کرد و جوانان و بزرگسالان را از هم تفکیک نمود و برای هر گروه سازمانی جداگانه معین کرد.

این کاری بود سستیده که گذشتگان هیچگاه توجهی که فدراسیون کنونی به این مسئله مبذول داشت نشان ندادند و اگر هم تیمی جوان تشکیل شد، خیلی زود و بطل مختلف آن تیم متشکل از هم

کشتی و مسئله جوانان

سوی مهدیون که کشتی از زمان بجلو گام برداشت از سه تن دیگر نشانی دیده نمیشود. بیراحمدیان که یک شیرازی بود اصلا از کشتی دست کشید، اسمعیلی نیز راه خود را نیمه کاره گذارد و مردانی مازندرانی چنگیده نیز تا حد یک کشتی گدر ضعیف باثین آمده، آیا بعد از درخشتن در مسابقات جهانی توکیو بایستی سروسست این فائین به اینجا میکشید؟ قدر مسلم اینکه بی توجهی ها، نبودن تلاش برای گروه اتی جوانان و از همه مهم تر فراموشی مسئولین فدراسیون و بی توجهی به حفظ آنها سبب این وضع صاف است و بی این شکل می بینیم که تنها با اعزام تیمهای جوان بخارج از کشور و مسابقات جهانی بهدف نمی رسیم و این عدم موفقیت و نبود بشوئنه بخاطر دلایل یادشده و کم کاری دستگاههای دیگر است. در همان مسابقات زان تیم های بزرگ دنیا نیز جوانان خود را بعیدان فرستاده بودند، برخی موفق و گروهی ناموفق فرستادند. به اسامی گروه حاضر در توکیو توجه کنید، حسن عسلی اوف از بلغارستان که بعقام دوم رسید (مقام عالی از قهرمان ۲۸ کیلو جهان است)، چونک مونگ از کره جنوبی (مقام فعلی او قهرمان ۶۲ کیلو آسیا)، اسماعیل ایلیف از بلغارستان که با سنکست از علی اسماعیلی صاحب عنوان قهرمان دوم ۷۵ کیلو شد (قهرمان اروپا در ۸۲ کیلو) و دهها نام آشنای دیگر که طول این زمان مورد مراقبت قرار گرفتند و نمره حفظ آنها فروغ کنونی است. و حالا این هندارست بمسئولین فدراسیون کشتی در همین مورد که در این اندیشه نباشند که با اعزام تیمهای جوان مسئولین خود را تمام و کمال انجام داده‌اند، زیرا باید برنامه های بعد از بازگشت را از هم اکنون پیش بینی کنند و کاری کنند که این جوانان که سرمایه های آینده کشتی ایران میباشند، هوارا مورد نظر و توجه باشند که مراقبت از آنها متضمن آینده‌ای روشن در این ورزش خواهد بود، به امید آن روز.

گست. بعنوان مثال در سال ۱۹۷۳ با انجام مسابقات جوانان تیمهای ملی آزاد و فرنگی سی از طی مبارزاتی انتخاب شدند ولسی علیرغم تلاش فدراسیون کشتی بخاطر مخالفت سازمان تربیت بدنی با اعزام قهرمانان بمسابقات جهانی این تیم متلاشی و آن همه تلاش بی نتیجه ماند. غرض از این یادآوری همان مسئله ارتباط بود که اگر خواسته فدراسیونها یا مخالفت سازمان تربیت بدنی وورو شود، همه تلاشها بی نتیجه خواهد بود، خوشبختانه در این زمان فدراسیون فعلی حداقل در مورد تیم جوانان مشکلات گذشته را در پیش ندارد و با موافقت سازمان تربیت بدنی این تیم راهی بلغارستان خواهد شد. ولی مسئله مهم به بازگشت این تیم مربوط میگردد، چرا که در ورزش ما توجه به قهرمانان، همیشه در تنگناست و در شرایطی که دستگاههای مختلف به قهرمان نیازمند هستند خیلی خوب آثار را نر و خشک میکند و بر عکس وقتی کار از کار گذشت و مسئولین بعراود خود رسیدند، آنکه هیچ بنظر نمیاید همین قهرمانان و افتخار آفرینان هستند.

و ادامه این عادت سبب شده که کمتر مسئله بشوئنه و ایجاد آن مد نظر قرار گیرد. بخاطر دارم در سال ۱۹۷۱ که تیم ایران بمسابقات جهانی جوانان به توکیو رفت، در جمع ۱۲ کشور شرکت کننده کشتی گران جوان ایرانی با سه مدال طلا - یک نقره بالاتر از تیم های شوروی - آمریکا - ژاپن - مغولستان بعقام دوم جهان رسیدند، ولی استفاده ای که ما باید از آن بیروزی و از آن درخشش خبره کننده جوانان میکردیم حاصل نشد و همراه با گذشت زمان ستارگان بیروز نیز از یاد رفتند.

جبار مهدیق - علی اسماعیلی - اسدالله بیراحمدیان و بچی مردانی بردگان مدالهای طلا و نقره جوانان جهان را میشناسید و میدانیس سی از گذشت ۴ سال چه میکنند؟

حسین جباری

اعتراف

«گفتی، باور کردم - تکرار کردی، یقین کردم - و قسم خوردی، فهمیدم که حتما باید باور کنم».

گفتی که در دژ تسخیر ناپذیر استادبوم داودیه، خبرنگار جماعت حق ندارد، پرسه بزند. دردل گفتم، شاید حق با توست، که گرچه آزادی قلم را از فوتبال نویسی ها پیرامون تدارک تیم های ملی - گرفته‌ای، ولی میخوای، در کمال آرامش، اندیشه های بکر و بدیع و تازه‌ای را در باغ خاطرت بکاری و با دستی پر توش و توان، گام به جام ایران نهی، و ما را سرافراز سازی، اما دیدم که سخت اشتباه کرده‌ام. نه روی کار تو میشود حساب کرد، نه روی حرف تو، نه روی ژست های متفکرانه و اندیشمندانه تو، و نه... تکرار کردی که تیم ملی الف با کلکسیون ستارگان فوتبال ما، فاتح جام خواهد شد. یقین کردم که این بار دیگر راست میگوینی ولسی آمدید، در برابر تیم باشگاهی کلاس اسکپورت کاری کردید، که آدمی را به اشتباه می انداخت: «کنند، شما بیروز به ایران آمده‌اید، زندگی انراشانی و دستمزد روپایی در سال گذشته بر مضایر بر مخلفاتی مانند پاداش، گفتگوری تلفنی با لندن و ایرلند به خرج ایران به کسی دیگر میداند»!

و اما، قسم خوردی، که تیم ملی الف، حرف نشنو، خودس، یعنی باغی شما! - بود که کار دست من داد و همین خودسری باعث شکست تلخ ستارگان بزرگ فوتبال ما شد، در حالیکه بچه های تیم ملی «ب» مطیع و سرزیر و حرف شنو هستند، و همین باعث پیروزی آنها بر شکست دهنده تیم ملی الف - شورویهای زیر ۲۳ ساله - شد. این را شما یکی، دو روز پیش از فینال با روزنامه ها در میان نهاید، درست همان روز پیروزی «ب» ها مقابل روس ها، و اتفاقا، غرضی نوبستند از نوشتن این یادداشت همین نکته بود که به آن رسیدیم: «مطیع بودن و سرزیر بودن و حرف شنو بودن تیم ملی «ب»، حرف شنو نبودن تیم ملی «الف» اگر این جملات را با اندکی تعمق بشکافیم، نتیجه میگیریم، که اوفارل از یک عیب و نقطه ضعف بزرگ دوران میریگری خویش پرده برمیدارد، و یعنی: «نبود - و یا حداقل، ضعف مدیریت و رهبری او، در اداره تیم های ملی».

بازیکنی که خارج از میدان، یکبار، دوبار مربی خود را با «بله گفتن» می فریبد و بعضی ورود بعیدان دانسته و خواسته خود را اجرا میکند، در واقع بزرگترین دهنه کجی را به او میکند که قادر به مهار و کنترل او نیست. اگر اوفارل مدیریت قاطع و اصولی نداشته باشد، چگونه خواهد توانست، در دیدارهای المپیک، دستورات خود را مویمو و نکته به نکته در میدان پیاده کند، و انهم بوسیله مردانی که تیمی از آنها از تیم ملی الف - یعنی حرف نشنو - تشکیل می‌یابد، و تیمی از تیم «ب» که برخلاف گفتار و پندار مردخارجی فوتبال ایران چندان هم مطیع و دستور بگیر نیستند، بپارون نمیکند، فینال جام ایران را بیاد آورید که مثلث نظری، دستچردی و حاجی رحیمی بود، در حضور بیش از ۸۰ هزار تماشاگر، به دستورات رهبر تیم ترم هم خرد نکردند و بعد از ۷۰ دقیقه ناکامی با دستور مربی، طول دقایق آخر اگرچه بی ثمر بود ولی هراتجه خود میخواستند، انجام دادند، و شاید هم حق با آنها بود که نارسایی‌ها به ضعفهایی دیگر را اطمینان ما کرده بودند که با آرایش رهبر خود اعتقاد نداشتند. بهرحال، مرد «۳۶۰» هزارتومانی ایرلندی با این اعتراف بسی تاسف بار، از آن اعتماد و اطمینان ما به دانش و پیشش کم کرد، تا به بنیم، گذشت زمان، چه چیزهای تازه‌ای را بنمایش میکذارد.



عبدالبکی خلیفه مدافع مستقیم خود درگیر شده است.

دستچری دوبار دروازه مصریها را فرو ریخت. این پس از یک دو نفوذ اوست که با



ذوالفقارنسب و قشقایی را بهتر به ما شناسانید. این روسی همان «کوزنن» است که تیم الف را از جام بیرون کرد.

این هر دو سفیدپوش از بهترین بازیکنان تیم ایران بودند. یک سروکله بهتر از آنچه که انتظارش را داشتیم. این جام حداقل



سمج ایران شده. میناسیان مثل اینکه داور این مسابقه‌ی سرعت بین ایرانی و روسی است!

گوزایف، گوش راست شوروی، این بار از جناح چپ سر در آورده و گرفتار قشقایی مدافع



حمید شهبازی زنده گل پیروزی ایران در مقابل روس ها، در این صحنه با ژوپیکف مدافع تیمانی شوروی بهم اوخته اند؛ میناسیان دورتر به این برخورد ها مینگرده.



اوغانسیان، مرد شماره یک تیم امید شوروی و رهبر خط حمله ای آنان بود. او را قشقای، مدافع ایرانی از کار انداخت. این یکی از دلایل پیروزی بود.



بودند و همچون صخره ای از خارا محکم. از راست: قشقای، اللهوردی، ذوالفقارنسب و دینورزاده

این چهار مدافع تیم «ب» ایران کاملاً سربلند از جام بیرون آمدند، گرچه دینورزاده کمتر از انتظار بود، اما دیگران بخوبی پایدار

خانه تکانی لازم بود، اما...

هنوز هم معیارها سطح

سازمان تیم ملی و ثبات

حاج رحیمی پور (پرسپولیس)، ناصر نورایی (هما)، محمد دستجردی (پرسپولیس) و حسن روشن (تاج).

چه شد؟

از دروازه بان شروع میکنیم؛ در حال حاضر خوشبختانه از این حیث غنی هستیم و بهین خاطر بود که وقتی صحبت از دعوت به اردوی تیم ملی برای جام ایران شد نوشتیم که رشیدی اگر بدلیل بی انضباطی از باشگاه تاج جدا شده است بر رهبران تیم ملی و فدراسیون فوتبالست که او را برای محترم شمردن مقررات و نظام باشگاهی نمی باید دعوت میکردند. اما نه تنها این سخن بگوئی کسی ترفه، حتی یک برگ فوکی رضایت نامه باشگاه تاج از رشیدی را به نشریات ارائه دادند تا دلیل انتخاب او را موجه سازند. اما همین کسانی که از او پشتیبانی میکردند، حال پراحتی او را کنار نهاده اند در حالیکه رشیدی، یکی از دو دروازه بان مطمئن ما است که بارها در دیدارهای بین المللی حتی بیش از انتظار بوده است، او را چرا انتخاب کردند و چرا حالا کنار گذاشتند؟ یک سؤال تازه است که لابد جوابی هم از پیش برایش حاضر کرده اند و ما هنوز ندانیم.

انشاء الله و تعزیر غلط نکنند که ما هنوز هم معتقد هستیم انضباط باشگاهی و مقررات حاکم بر فوتبال ما و اخلاقی را فدای بیرونیهای، حتی بزرگ و استثنای بنامیم، اما چرا بدینگونه؟

به مدافعان انتخاب شده میرسیم؛ گزارانی واقعا یکی از شایسته ترین است، ذوالفقارنسب این را در جام ایران ثابت کرد. میرفرغایی و ناب آقا بارها در جام تخت جمشید این شایستگی را نشان داده اند. شقایبی و مهدی خیری که هر دو در سمت راست دفاع قرار دارند، موب این لطف و نظر کردگی بودند. اعتمادی هم سالیانست که باید دستش را میگرفتند به لیاقتش اعتماد میدادند. اما هرچه تلاش میکنیم نمیتوانیم برای تیم ملی انگشت روی بازیکانی بگذاریم که از دفاع کردن، فقط «نارژی» زیاد چست و خیز کردن دارند و دفع بی هدف توب را می شناسند.

دینورزاده، آله وردی و مسیح نیا این کمبودها را دارند و با تمام احترامی که به حسن اخلاقی و نیروی تمام تشندی و تعصب آنها داریم، جایی در تیم ملی کنونی با این خصوصیات برای آنان نمی بینیم.

یک سؤال با یک «اما» دیگر هم وجود دارد. جان ملکی و کارکچم را با آنکه بیش از جام ایران و در جام تخت جمشید کمتر از انتظار بودند به تیم ملی فرا خواندیم. با اصرار و در هر دو بازی تیم «الف»، آنها را که بر انشاه بودند، در میدان نگاهداشتیم و حتی از یاد بردیم که مهدی خیری را هم برای آزمایش در کنار زمین نشانده ایم. اما حالا آنها که ثابت بودند و کنار زمین مطمئن و مورد اعتماد طرد شده اند و مهدی خیری را نگاهداشته ایم. این چه معنی میدهد؟

جواب این را چه باید داد که بیشتر بازیکان انتخاب شده، در خط دفاع را مردانی تشکیل میدهند که تجربه شان در مرکز این جبهه بدست آمده و در «کنارها» بناید ضعیفترین دربین متها باشند. آیا تجربه تلخ کارگر جم را در سمت راست دفاع باین زودی از یاد برده ایم؟ یکبار دیگر به اسامی مدافعان دعوت شده نگاه میکنیم؛ دینورزاده که خود در تیم «ب» ایران کمبودهای را نشان داد تنها مدافع کناری چپ است و اگر بیشتر جسارت بخرح دهیم،

پیش داوری در مورد تیم «الف» درست از آب درآمد و در مقابل تیم امید شوروی، کاملاً معلوم بود که ساقهای ناتوان بازیکان با تجربه، که اوفارل عجیب تعمد داشت قدیمی ترها را در تیم بکنجاند، چطور با ساقهای خسته خود که پس از چهار روز استراحت، پیدان آمده بود، یارای ایستادگی و مقاومت نداشت. نوشته بودیم که جواترها خوب میدوند، جنگجو و دلیرند، تاب مسابقات متعدد و دیدارهای سخت را دارند. اما بی حضور بازیکانی با تجربه، نمیتوانند از همه این امتیازات سود ببرند و دیدیم که اگر در مقابل تیم شوروی، با سلاح شهادت و جنگدگی نظام محکم حریف را درهم ریختند، در دیدار اوج گول مکر و حیل و چله و حرفه ایهای با تجربه را خورده و «مفت» جام را از دست دادند. جامی را که قادر به حفظ آن بودیم و با تدبیری غلط، در یک بازی محتاطانه، که با کشتن روح جنگجوی تیم ایران توام بود، به یک باشگاه متوسط اروپایی که در رده بندی مسابقات باشگاهی کشورش مقام هفتم را داراست، سپردیم.

غرض از این یادآوری نه اینست که مانند جام را یک اصل مفروض در هر دوره بدانیم، اما دلیل هر شکست را جستجو کردن، نمیتواند انگیزه ای برای پیروزیهای بعدی دانست و اگر لعاجت اوفارل در آن روزها نبود و اگر احتمالا سیاست زیرکانه ای او برای فرار از مسئولیت، این ندانیم که جام ایران را از مونی برای شناخت مهره ها انتخاب کرده بود، امروز چنین «منقلب» و «مضطرب» و عاجز نبودیم که بعضی بازیکان خوب خود را فدای آن تدبیر نادرست کنیم.

این را قبل از ادامه ی مطلب بگوئیم و تاکید کنیم که موافق و پشتیبان دگرگونی در تیم ملی بوده و هستیم و به نیروی جوانان خود، که سالها از آنها دم زده ایم معتقدیم و نیاز یک تیم امید یا ملی «ب» را یادآوری کرده ایم، اما نمیتوانیم قبول کنیم که بی هیچ ضابطه، بدون یک سازمان واقعی برای تیم ملی و فقط با معیارهای سطحی و سلیقه های شخصی دست به چنین تحولاتی باید زد.

برای آنکه گویاتر مطلب را ادا کرده باشیم بازیکانی را که هفته ی پیش، فردای روز دیدار نهایی جام ایران اعلام شده است و به اردو میروند تا بنام تیم ملی، در بازیهای مقدماتی المپیک که در تهران برگزار میشود، شرکت کنند، نام میریم و بحث خود را در این باب و در مورد این گزینش ادامه میدهیم.

دروازه بانان: ناصر حجازی (تاج)، بهرام مودت (پرسپولیس)، حسین راغفر (راه آهن) مدافعان: حسین گزارانی (پاس)، حسن ناب آقا (هما)، بیژن ذوالفقارنسب (پرسپولیس)، مسیح مسیح نیا (ابومسلم)، جواد آله وردی (پرسپولیس)، مهدی خیری (هما)، علیرضا قشقای (برق شیراز)، محمود اعتمادی (پاکت ملی)، مهدی دینورزاده (پاس)، سهام الدین میرفرغایی (هما).

هافبکها: علی پروین (پرسپولیس)، علیرضا عزیزی (هما)، حسن نظری (تاج)، اسراهم قاسمیور (صنعت نفت)، مانیس میناسیان (پاس)، مهاجمان: رضا عادلخانی (تاج)، علیرضا خورشیدی (هما)، غلامحسین مظلومی (تاج).

جام ایران را با همه ی تلخی ها و شیرینی هایش پشت سر نهادیم و در میان بیم و امید روز سرنوشت، جام را به یک تیم باشگاهی اروپا که در هر دو دوره، فینالیست و رقیب تیمهای میزبان بوده است، مفت و ارزان واگذار کردیم.

ملی پوشان، بر ساقه و با تجربه ی فوتبال ما که یادگار قهرمانی بازیهای آسیایی تهران و بسیاری شان یادگار سالهای دورتر بودند و به گمان اوفارل بهترین ها، با نام تیم الف، زودتر از انگار، از جام رانده شدند و جواترها که اوفارل، عجلولانه پس از یک بیروزی نامنظر، از حرف شنوینا و اطاعت آنها صحبت کرده بود و با هزار غمزه، وجوش را در قهرمانی این تیم تحمیل میکرد، با یک بی تجربه ی مسلم و یک «خامی» محض، جام را از کف دادند و با آنکه مناسبیم از این شکست و ناکامی ملی که در یک تورنمنت داخلی اتفاق افتاد و هرگز انتظار چنین اتفاقی را ندانستیم، با اینهمه در تأثیر نوشته ها و گفته ها، می بینیم که گردانندگان فوتبال و رهبران تیم ملی دست به دگرگونیهای زده اند و تغییراتی را در تیم ملی، برای بازیهای مقدماتی المپیک مونترال جایز شمرده اند. با آنکه این دگرگونی، بدلیل بیداری بموقع رهبران تیم ملی است اما نمیتوانیم ساکت بشینیم و هیچ بگوئیم که این خانه تکانی ملی و جانشین ساختن تعدادی جوان بجای قدیمی ها، باز از روی احساس و رابطه ها بوده است، نه ضابطی که باید بکار برده میشد و نه از روی تعمق و تأمل کافی و میرساند که نه در جام ایران، که انتخاب کنندگان بر «دستخت» خود «به به» میگفتند و در اثبات درستی و باکی آن گزینش، با فشاری میکردند اصولی را که لازم بود رعایت کرده بودند و نه این بار که چهره ی شادمانی بخود گرفته اند و خود را ظاهراً با مفسران و منتقدان نزدیک و همصدا کرده اند. معیاری درست داشته اند و میرساند که فوتبال ما هرچه در زمینه ی بنیادی، توجه خود را به «ریشه» معطوف کرده است، هنوز در باب تیم ملی و سازمان تیم ملی، هدف و مفهوم را پیدا نکرده ایم و با بدان دست نیافته ایم.

بیش از آنکه در باره ی انتخابهای تازه حرفی بزنیم و مطلب را بشکافیم و بنویسیم که رهبران تیم ملی، در این برریشان احوالی، چه کج سلیقه یانهای داشته اند لازم میدانیم در احوال جام ایران، دو تیم «الف» و «ب» و تیمی که بنام ارتش ایران در مسابقات دور نهایی ارتش، به آلمان رفته بود، مطالعه ای اجمالی داشته باشیم و یکبار دیگر آنچه را که یکی از جام بعنوان همدار، بگوئی گردانندگان فوتبال رسانیده بودیم، تکرار کنیم، بدلائی که اینک ثابت شده، شاهد ناکامی دیگر تیم ملی، در بازیهای مقدماتی المپیک نباشیم.

روسفیدی یا روسیاهی؟

پیش از شروع جام، در یادداشتی زیر عنوان روسفیدی شیخ، خطاب به مربی تیم ملی نوشته بودیم که علیرغم اشتباهات فراوان در انتخاب بازیکان و از یادرفتن بسیاری که سزاوار پوشیدن پیراهن ملی، یا حضور در اردو بودند، نیکوتر اینست که اوفارل تیم الف را بعنوان قدرت واقعی فوتبال ما، از بهترین های اردو، چه با تجربه و چه جوان و کم تجربه در کنار هم قرار دهد. در آن یادداشت، اصرار داشتیم که تیم الف اگر بسان جام اول، فقط از با تجربه ها گلچین شده باشند، توانایی و یارایی مقابله با حرفان خود را نخواهند داشت و دیدیم که این



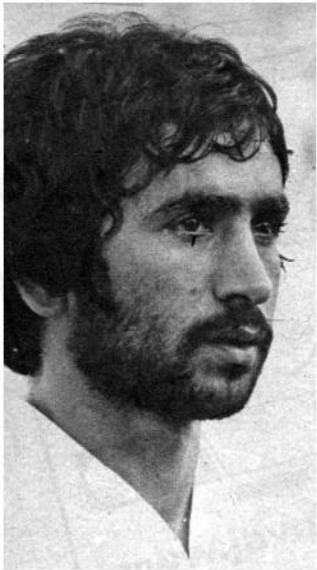
صفرایرانپاک



مسعود مزدھی



مجید حلوانی



ایرج دانانی فرد



آندرانیک اسکندریان



جاوید جهانگیری

وقضاوتهاشخصی است!

آن به بازی گرفته شده!

نایب آقا را هم که بیشتر مواقع یک مدافع خوب میانی بوده است تا یک مدافع کناری. جای او بگماریم. آیا این نمرسند که یک کسی دو پشت برده. از این بازیکن حمایت میکند در حالیکه اسکندریان در حال حاضر یکی از سزاوارترین است و حتی پیش از جام ایران هم از او یاد کرده بودیم ولی حسابی در تیم ملی ندارد.

مرد جنگجو

کمر بند تیم ملی و نیاز به یک مرد جنگجو علاوه بر اینها اگر قرار باشد در مرکز دفاع بازیکنانی جنگجو، مسلط در بازی زمین و هوایی داشته باشیم، آیا علوایی سزاواری این را ندانست که در جمع ۲۵ اردوشتین فعلی خوانده شود؟ آیا افشوری، مسیح نیا و دینورزاده در جمع جهات، بهتر از او هستند؟

جلوتر میرویم به خط میانی میرسیم. در این منطقه علی پروین، بی چون و چرا هنوز جای پای محکمی در تیم ملی دارد. اگر در پارکری و خنثی کردن یار مستقیم خبره گی ندارد، این کمبود را با جاگیری خوب، مهارت در حفظ توپ و پاسهای دقیق جبران میکند. او در واقع محور هر تیمی است که با لباس آن پیدان میروند اما از دیگران صحبت میکنیم: قاسمپور در این بازیها خوب بود، بویژه در دو دیدار نیمه نهایی و نهایی اندازه های تازه بدست ما داد و در حال حاضر هم خط میانی تیم ملی از نداری چند بازیکن شایسته میتالد. ظهور قاسمپور، بهمانند نظری جای امیدواری دارد. عزیز، همایی سیه چرده هم امتحان خود را چند سالی است که میدهد و همیشه یکی از بهترین های جام بوده است. اما اگر دقیقتر شویم، در همین منطقه هم قضاوتی سطحی انتخاب کنندگان را آشکارا می بینیم.

عزیزی را بیهانهای «خون دماغ» یا هر علت دیگر از بازی در تیم الف معاف کردند و حتی در دیدار نخستین که بمیدان آمد، هیچکس نبود که بگوید چرا یا او مثل غریبه ها عمل میکنند و او را فراموش کرده اند. حتی بجای او کارو و اعتمادی را که یکی دور از آمادگی و دیگری دور از تخصص بود در این جبهه گماردند. حالا عزیز یار ثابت است و کارو خارج از اردو! اما ایراد واقعی در انتخاب مردان میانی اینست که نظری، قاسمپور و مانیس میناسیان نمیتوانند با این اکثریت که در گروه هافبکها دارند، بار تیم ملی را بدوش بکنند و در حالیکه خصوصیات آدمی چون خورشیدی یا جاوید جهانگیری را باز یکی چون خورشیدی یا جاوید جهانگیری را در کنار داشته باشد می بینم که این جوانان را بی رحمت ممکن است مکمل حرکات تند و تیز و ردوبدهای کوتاه و سریع با او باشند. در جام ایران کاملاً مشهود بود که نظری از جنگ با حریف مستقیم خود ابا دارد. توان او برای یک تورنمنت کافی نیست و نظیر او میناسیان هم هرچه بیدارهای آخر میرسدیم روشن بود که سافهای ناتوان میشوند و به دلیلی دیگر ضعف بزرگ تیم ملی «ب» در خط میانی بود که با یا فاصله ای بسیار از مهاجمان قادر بغذیه و پشتیبانی آنها نبودند و یا فرصت میدادند که حریف صاحب توپ به آسانی تا محوطه پنالتی تیم ایران نفوذ کند. انطور که برمیآید مربی تیم ملی، یا انتخاب

کنندگان غافل از این بوده اند که در میانه می میدان نه پروین و نه عزیزی و نه دیگران که کمر بند تیم ملی «ب» را تشکیل میدادند بدرستی قادر به پارگری و جلوگیری از هجوم حریفان نیستند. در اینجا هم این ایراد باقی میماند که رهبران تیم ملی با اعتقاد به جوانان این دگرگونی را پسندیده اند یا کله کوزه های شکست تیم ملی را بر سر مردانی چون صادقی و امثال او شکسته اند! مگر آنکه قبول کنیم از مدافعی، کسی را برای این منظور برمیگزینیم و او را برای چنین هدفی بروش میدیم.

نگاهمان را به مردان یشتاز، در خط حمله برمیگردانیم. تغییرات در این جبهه نیز زیاد است و یاز جوانانرا اکثریت را نشان میدهند. اما حسن انتخاب در این جبهه بیشتر بچشم میخورد. یا این وجود، دانایی فرد که در آلمان همراه با تیم ارشدی ایران یکی از بهترین ها بود و ۲ گل از سه گل ایران را زده هیچ حساب نمیداد و دستچردی که هنوز کند است و در مقام مقایسه نمیتواند بهمانند دانایی فرد نفوذ کننده، برنسی و سازنده باشد. دوباره به اردو خوانده میشود.

شاید بعضی تصور کنند که ما قصد ایرادگیری داریم. اما محض اطلاع میگویم که اگر ۲۵ بازیکن به اردوی المیک دعوت شده اند و ۱۸ تن باید باقی ماندند هیچ ایرادی ندارد که بدور از لجبازی که یکبار زبانش را دیدیم، منصور رشیدی، حلوائی، اسکندریان، جاوید جهانگیری، ایرانباک، مسعود مزه و دانایی فرد را هم با نان اضافه کنیم و پس از دو هفته آنها را که بدور تیم نمیخورند خط بزنیم. این نه حب مارا به فراموش شدن گدازان میروند. نه بغض مارا به اردوستان کنونی. این تعصب و میل مارا به بیروزی در بازیهای مقدماتی المیک نشان میدهد که یکباره دیگر، در تهران شاهد آن خواهیم بود و هرگز نمی بخشیم آنها را که رهبری تیم ملی را بهمه دارند و با اشتباهات خود بیروزیهای ممکن را از دسترس تیم ملی دور میسازند غرور مردان ما را می شکنند.

قدرتهای تازه

نمیدانیم، اوفارل که بهنگام ورودش پیران گفته بود، از فوتبال ایران بی اطلاع است. حالا از فوتبال ما چه میداند و حریفان ما را در بازیهای مقدماتی المیک چگونه میشناسد، اما این را باید به او تفهیم کرد که تیم های کشورهای عربی که در گروه ایران قرار گرفته اند، خیلی وقت است که قدرت های نواخته می فوتبال آسیا شده اند و خیلی هم جدی، با تدارک مداوم سالیانه در پی حفظ این قدرت و اعتلای آن هستند. کوبت در سالهای نزدیک همه گاد در آسیا خطرناک بوده است و تیم ارشدی این کشور در آلمان نشان داد که از یک نیروی ضربت آگاه در خط حمله سود میبرد و در همه دیدارهایش کم و بیش صاحب گل بوده است. عربستان، گرچه هنوز قدرتی همطراز کوبت نشده است، اما از مدتهای پیش در سفرهای طولانی است و با دیدارهای خارجی کسب تجربه و آمادگی میکند.

عراق، صاحب بازیکنانی است که هیچگاه نمیشود اسان و بی تفاوت از آنها گذشت، از جام بین المللی جوانان، هنوز خاطره بازی سریع و زهردار آنها را پیاد داریم و در بازیهای آسیایی هم به نیروی آنان واقفیم، این هرسه تیم را

نمیشود دست کم گرفت. گرچه لبنان هم از فوتبال خوب بی بهره نیست اما در جام باشگاههای آسیا با نام «هومت من» فوتبالی را عرضه کرد و نشان داد که نباید ساده انگاشته شود. اما حرف اساسی اینست که تیمهای عربی چند امتیاز واحد دارند. سرعت در همه سطوح بویژه در خط حمله و تاکتیک روان و حساب شده که این را بدلیل مربیان بزرگی که در خدمت دارند و کوششی که در راه بدست آوردن قدرت میکنند، باید شناخت. و در مقابله با چنین تیمهایی از هم اکنون باید بازیکنانی را برگزید که علاوه بر سرعت و توانائی کافی، قادر به حفظ توپ، سرعت انتقال و میل به همکاری گروهی و تیمی داشته باشند.

باز هم تکرار میکنیم، دگرگونی تازه در تیم ملی را منتظرش بودیم و صمیمانه پشتیبان آن هستیم و باید بدین شیوه به روزی برسیم که برای هر دیدار ملی، نزدیک یا دور، بیراهن ملی برتن کسی ارشی نباشد و پیر یاجوان، آنکس که آماده تر و مناسب تر است برگزیده شود، اما این دریغ را هم داریم که هنوز سازمان واقعی برای تیم ملی نداریم، یکبار با تجربه ها، برای گریز از مسئولیت، بی توجه به حق واقعی جوانانرا، تیم ملی را درست در اختیار میگیرند و گاهی، چنان بر فرق با تجربه ها میکوبیم که دیگر برپا نمیخیزند. این دوگانگی در تصمیم را چگونه باید تغییر کرد؟

آخرین نکته که باقی میماند مربوط به فلیج خانی، کاپیتن تیم ملی، میشود. او را وقتی که در جام ایران، گویا با پای کشیده و عضله ناراحت، میخواست از اردو بیرون رود با اصرار در اردو نگاهداشتند. خنثی با آنکه در دیدار نخست معلوم بود که کمبودهایی دارد، در گوش راست او را بکار گرفتند و اگر پایش مصدوم بود هر دو نیمه نگاهداشتند. اگر پایش مصدوم بود چرا او را بیازی خواندند و گرنه، چرا او را در میانه میدان یا دفاع بکار نگرفتند و اگر بقول بعضی، در دفاع و در روز دیدار با شوروی یکی از بهترین ها بود، چرا حالا خنثی زدند؟

نوشدارو

این را جز دلیلی بر بی سیاستی، بی برنامهگی و ضعف مدیریت مربی تیم ملی نمیتوان شناخت؛ آیا شیخ فوتبال ایران! هنوز هم به قدرت خود و نحوه قدرت نمایی ای و لجبازی که مقابل دیگران نشان داده میباشد! آیا هنوز هم بیروزیهای بکسال اخیر را دلیلی سایه وجود مبارکتی بر تیم ملی میسازد؟ نمیدانیم که او عامل اصلی این دگرگونی و جوانگرایی در تیم ملی است یا فداسیون خود. راساً اقدام به این گزشتی کرده است، اما یک چیز مثل روز روشن است که بهرحال این دگرگونی لازم بود و دیر یا زود باید دستی از آستین بدریامد و چنین میکرد. این را در «اصل» و در «کل» می بینیم. حتی در نحوه گزشتن هم ایراد کمتر از بیش است. اما اشتباهاتی هم وجود دارد که کم و بیش آنها را اشاره کردیم و اگر تفاوتی را که در این دوگانگی و انتخاب و بی هدنی در هر دو زمان نداشتن یک معیار درست و ضوابط واقعی برای این انتخاب، انگشت نهاده ایم. بدان معناست که روزتر صاحب یک سازمان درست و همهگی برای تیم ملی باشیم و دیگر بار نوشدارویی از مرگ سهراب بکار نبریم.

بازیهای والیبال جام پاسارگاد ازشنبه آینده شروع میشود یک هفته، تا آغاز غوغای جام پاسارگاد

مهره هائی میباشند در فصل تازه بخدمت دخانیات در آمدند و از این جمع «امیرحیدری» یک بازیگر سازنده است که بخصوص در غیاب حسین تهرانی برای دخانیات ارزشمند و قابل بحث مینماید و دودوگوانی - محمودجانبی و نادریاکرو دیگران بازیگران شناخته شده دخانیات بشمار می آیند.

«هما» تیم پر قدرت تهرانی نیز به رقابت باردیگر مدعیان جام می اندیشد، علی کوهستانی تازه وارد هاست که از پرسپولیس به این تیم ملحق شده است.

ارژنگ مهاجر - ماشالله فرخ منش - محمودمحب - اسماعیل حبیبی نامهای قدیمی هاستند و آنچه همیشه برای هاست ضمن بخدمت داشتن مهره هائی بزرگ یک دشواری و کمبود بوده، مسئله کم تمرینی است که زیان آور نیز بوده و حالا بایدیدهمانها این دشواری را حل کرده اند یا هنوز با آن دست به گریبانند.

تهرانجوان تیم پنجم پایتخت جوان و بی ادعاست که با ترکیبی هماهنگ به بازیها می آید. تهرانجوان پس از آنکه یارانش دسته جمعی به دارائی رفتند در پی سود بردن از یاران تازه برای تدارک این تیم برآمد.

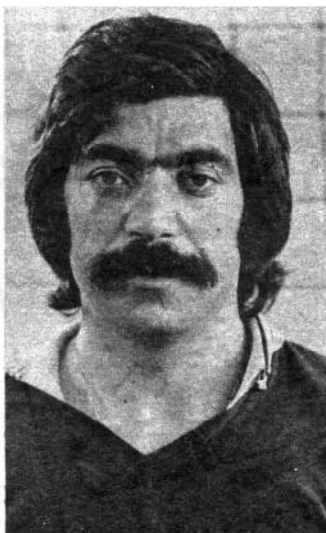
شهرستانیها

در جمع شهرستانیها «ناس رضایه» با بدالله کارگریته - ناصر منصوری - رحیم فارسی - محمود آفریدون اشتار مینماید و ایشان که در گورداد سفر به تهران، بازیهای ملی و ارژنی نامی شناخته شده یافته ناخصر تر از دیگرانند.

مشهدیها ضمن تمام موجودیت قابل بحثی که در گذشته داشته اند انجان شناخته شده نیستند بخصوص اینکه حالا مشهدیهائی چون نادریاکرو منوچهر اخشین هم در تهران توب میزند ولی بهر تقدیر در راه آهن مشهد حسن شمشیری و مهدی جوانشیر بازیگرانی شناخته شده ترند.

برگزاری دیده شده است میتوان نمایانگر یک والیبال خوب شهرستانی باشد.

دوب آهن اصفهان - گمرک اهواز - یاس همدان - برق شیراز شهرستانیهائی هستند که در پی یافتن بزرگی میبایند و نمایندگان شهرهائی میباشند که با والیبال نزدیکی دیرین و خاص دارند و ضمن فرو رفتن در درس یک برده غبارآلود حالا باز با جام پاسارگاد برای اوج گرفتن تلاش می کنند.



بدالله کارگریته: مرد پرتوان پاس رضایه



هوشنگ ملکلو: صید تازه پرسپولیس

اوردن بازیهای «جام پاسارگاد» تکانی دگرگون کننده به والیبال این سرزمین داد.

نگاهی به تیمها

بهرحال در فاصله یک هفته به شروع مسابقات برای شناخت تیمهای حاضر در جام نگاهی کوتاه به آنها می اندازیم. ضمن اینکه دگرگونیهای پدید آمده طول فصل اخیر در تیمهای تهرانی و ناآشنا بودن در حد کامل با شهرستانیها سبب میگردد مسئله چگونگی رقابتها و امیدوارهای پیش هنگام در پس هاله ای از ابهام قرار گیرد.

«تاج» که طول فصل پیش موفقترین چهره را در بازیهای باشگاهی ارائه کرد و در تمام مسابقات برگزاری یکه تازی خاص نشان داد، حال با اذیت دادن ۲ قطر پر توان و ملی پوشش در پای تور آن آسیب ناپذیری گذشته را ندارد.

مصطفی ذوقی و مهدی صابریو در کنار تازه آشنائی بنام «احمد بورکانشیان» ستونهای استواری تیم را تشکیل میدهند. ضمن اینکه در کنار مهره های ذخیره جوان خود جمعی از یاران تیمهای هم خانوادہ را بخدمت گرفته است ولی با این احوال «تاج» تمام آمیختن را در سیمای مرد بی آرام و ملی پوشش «ذوقی» جستجو میکند که از این پس کاری بزرگتر - در غیاب مردانی چون ملکلو، پرتوی و امیرحیدری دارد.

پرسپولیس اگر چه در گورداد نقل و انتقالات چند بار خود نظیر کوهستانی - موسیوند و اصغر زرافعی را از دست داد ولی با تصاحب هوشنگ ملکلو اسکر استثنائی والیبال ایران آس کرانها را صاحب شد.

پرسپولیس با پوشاندن پیراهن خود به تن ملکلو شکاری را صید کرد که قادر است در هر پیکاری یک ماجراجوی غیرقابل مهار باشد. ملکلو - میرفرخانی و نیکیان که روزگاری در کنار هم در تاج توب میزدند، حالا در کنار بازیگرانی مانند رضاجیت گر - مهدی رزاقی - جلال شاه حسینی و جمعی جوان دیگر تیمی پرتوان را شکل بخشیده اند.

دخانیات نام آشنا و بزرگ والیبال پایتخت این بار با قدرتی تازه بیدار میاید. پس از بازیهای «جام دنیای ورزش» که چهره جدید دخانیات در غیاب مهره هائی چون حسن کرد، فریبرز استخری و حسین تهرانی را شناساند، عزیز پرتوی تازه وارد دخانیات است.

امیرحیدری، منوچهر اخشین و حسین نوکی

تیمها در یک گروه بصورت دوره ای و رفت برگشت دیدارهای خود را برگزار میکنند که با این حساب در مسابقات دور نخست هر تیم ۲۲ بازی (۱۱ مسابقه رفت و ۱۱ مسابقه برگشت) خواهد داشت که برای تیمهای شهرستانی نیمی از آن در خانه خود و نیمی در خانه حریفان خواهد بود.

در حالیکه هر تیم تهرانی ۷ سفر به خارج از تهران دارد و سایر دیدارهایش با تیمهای شهرستانی و سایر پایتخت نشینها در تهران است.

بیرامون «جام پاسارگاد» که حتی پیش از شروع بازیهای خلق روحی تازه در والیبال را جان بخشیده است، تا کنون فراوان صحبت شده، از موجودیتش، انقشی که قادر است در دگرگونی و بشیرت این ورزش داشته باشد و مسائل مختلف دیگر.

جام

ولی نکته ای که اشاره به آن بی مناسبت هم نمیتواند باشد اینست که شکل برگزاری بازیها طوری است که بایستی گفت در این رهگذر تیمها و بخصوص شهرستانیها بزرگترین بهره را خواهند گرفت و این در وهله اول مربوط میگردد به مسائل مالی و درآمد حاصل از بازیها.

و نکته درخور تعمق اینکه «والیبال» در ردیف آن ورزشهایی است که در شهرستانها قلهای زیادی بخاطر آن می طید و این بازیها بی تردید قلهای فراوان دیگری را با جلب کردن بخود برای والیبال به تب و تاب میاورد و همین اقبال تماشاگر و مسئله تعلق گرفتن ۹۰ درصد درآمد هر بازی به تیم میزبان دگرگونی فوق العاده در بر خواهد داشت.

بخصوص اینکه فدراسیون والیبال در کنگره اخیر در تهران که نمایندگان باشگاهها نیز در آن حاضر بودند بر این امر سخت تکیه کرد که درآمد والیبال صرفا بایستی برای والیبال هر باشگاه خرج شود و تحت این شرایط یک بی نیازی پدید میاید. هر تیم شهرستانی طول فصل ۱۱ مسابقه در شهر خود برگزار میکند و با توجه به مسئله ۹۰ درصد درآمد، رقم جالب و با ارزشی تصبب خواهد شد.

بهر حال ضمن تمام نکات مطرح شده در اطراف «جام پاسارگاد» هنر حرفهائی برای گفتن هست که در موقعیتهای مناسب به صحبت روی آنها خواهیم پرداخت ولی آنچه باید روی آن انگشت گذارد، اینکه فدراسیون والیبال با بوجود



مصطفی ذوقی: امید تاج برای استواری

یک هفته دیگر چرخهای والیبال با گردش تازه، آهنگی سریعتر و هیجانی دلپذیر به حرکت در خواهد آمد و «جام پاسارگاد» حیات خود را آغاز میکند. «جامی» که راهی نو و هدفی روشن بر روی والیبال دیار ما گشوده است.

جام اول کارش را با پیکارهای ۱۲ تیم برگزیده تهرانی و شهرستانی شروع مینماید و همه چیز تدارک شده تا گامها از ابتدا با استواری برداشته شود و زیر بنائی مستحکم و تکیه گاه مطمئن شکل گیرد.

اولین دوره بازیهای والیبال قهرمانی مردان باشگاههای ایران «جام پاسارگاد» با انجام مراسم افتتاح ضمن اجتماع بازیکنان، مربیان و سرپرستان ۱۲ تیم شرکت کننده، در استادیوم محمدرضا شاه پهلوی تهران آغاز میگردد. دیدارهای هفته اول تماما در تهران برگزار خواهد شد که هدف از این برنامه انجام مراسم افتتاح، آشنائی و تشویق تیمها و داشتن مرکزی در شروع است و پس از آن بازیها طول هر هفته در شهرهای مختلف صورت میگیرد.

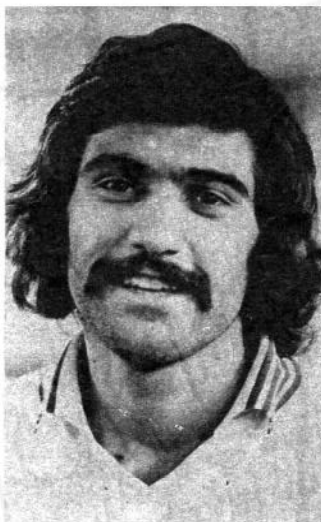
روزاول: آغاز هیجان

بدین سان شنبه هفته آینده نخستین روز «برجوش و خروش» والیبال جام پاسارگاد است. روزی که سراغازی دلپذیر و فراوانش نشدنی بر روزهای برهجاه و بی آرام آینده این ورزش خواهد شد.

«شنبه» بعنوان «روز والیبال» برگزیده شده و در چنین روزها تمام حوادث و رویدادهای ورزش در سالنهای داغ و بر تب و تاب والیبال خلاصه میگردد و شنبه آینده اولین روز از این روزهای تازه و هیجان انگیز است.

سرخپوئیهای پرسپولیس که با امیدواری هائی با استواری آهنگ مبارزه در جام اول را کرده اند در نخستین بازی با نماینده دیار اومسلم دیدار میکنند. راه آهن مشهد حریف تیم بر توان تهرانی در جدال افتتاحیه است که در برابر یکدیگر موجودیت خود را بنمایش میگذارند.

۱۲ تیم حاضر در بازیهای جام اول عبارتند از: هما (تهران) - اگبخته (قزوین) - پرسپولیس (تهران) - راه آهن (مشهد) - گمرک (اهواز) - تاج (تهران) - برق (شیراز) - دوب آهن (اصفهان) - تهرانجوان (تهران) - دخانیات (تهران) - یاس (رضایه) - یاس (همدان)



حیدری: مهره ای با ارزش برای دخانیات

تازه‌وارد تیم ملی

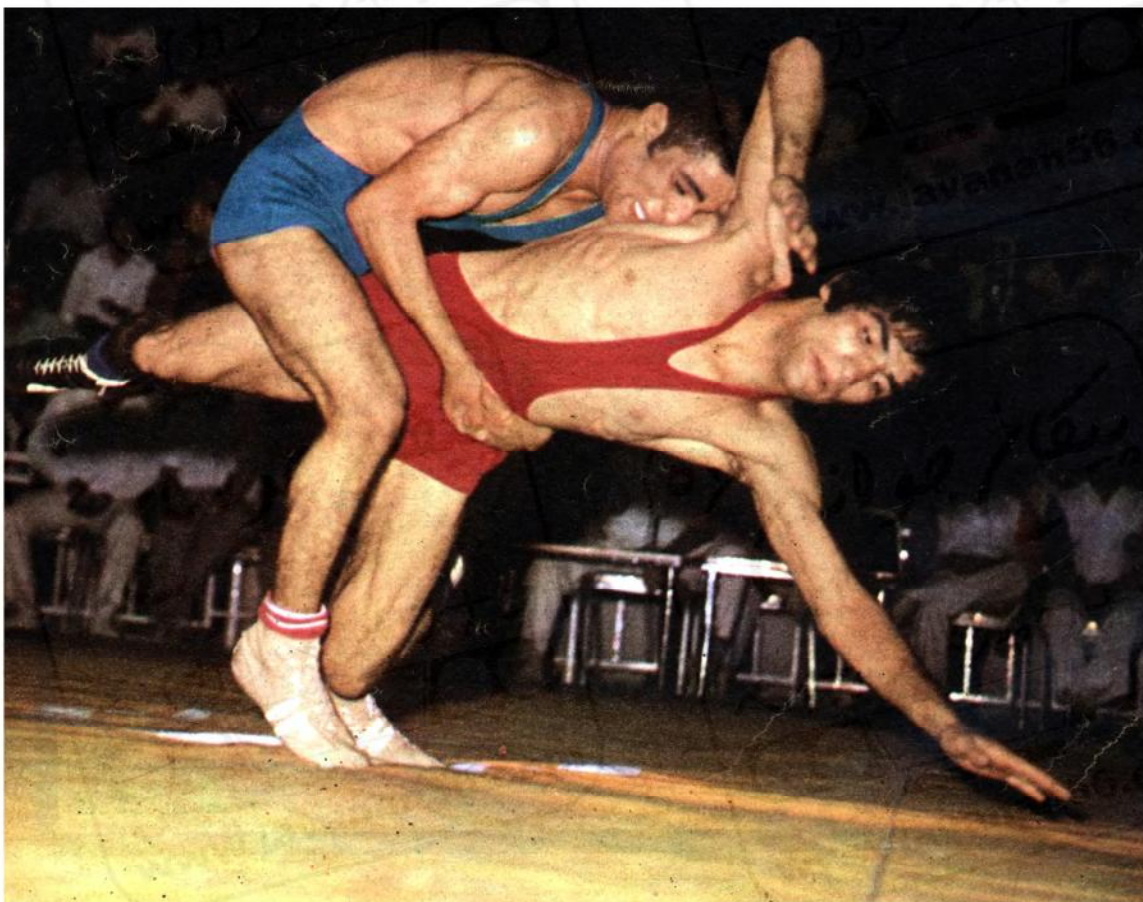
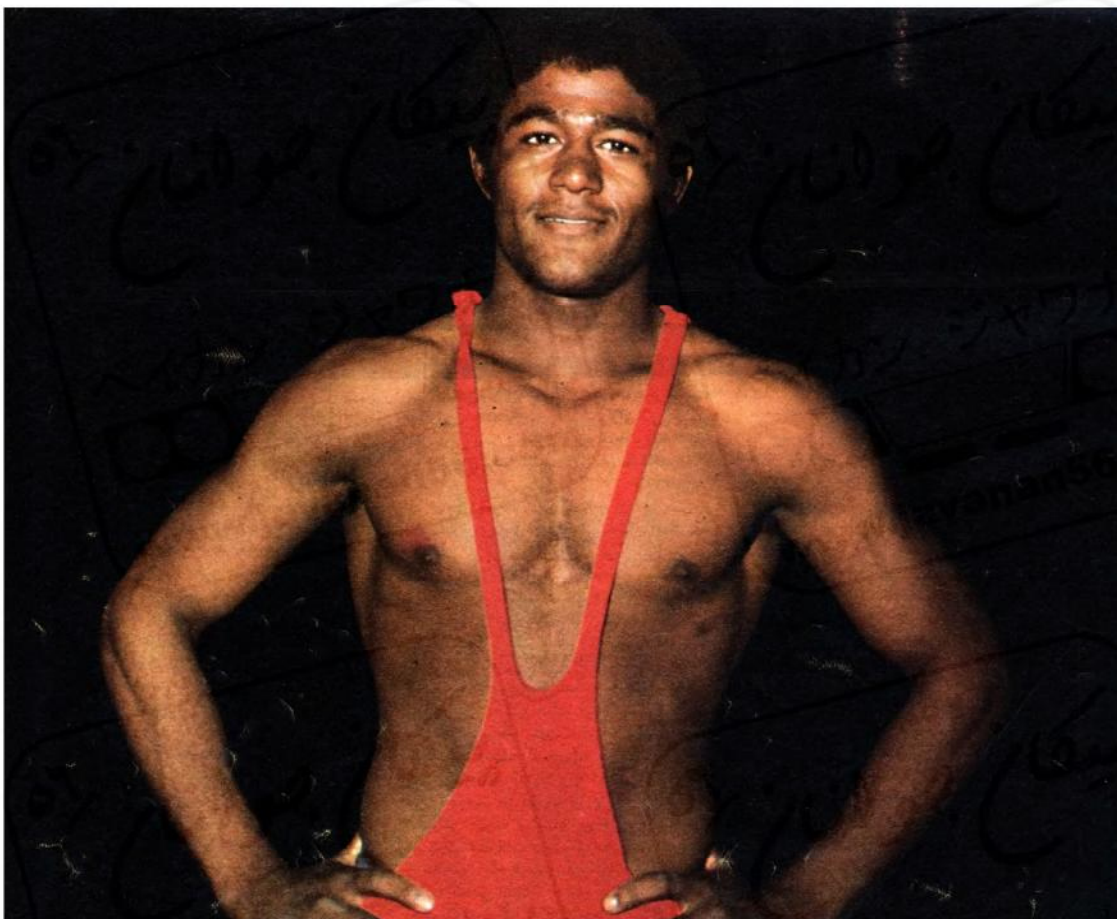
این نخستین بار است یک کشتی‌گیر کرمانی راه به تیمهای ملی کشتی پیدا میکند. رضا یوسف اسادی جوان گمنام شهرستان «بم» در شرایطی که هنوز دومین سال حضور در «سجته های قهرمانی» را پشت سر نگذاشته به تیم ملی اعزامی مسابقات جهانی ۱۹۷۵ مینسک راه یافت.

او که هنوز تجربه‌ای فراخور قدرت و موجودیت خود ندارد برای رفع این کمبود با احتمال فراوان راهی بلغارستان و مسابقات جوانان جهان خواهد شد. این کرمانی غنیمت تازه شهرستانیهاست که به تیمهای ملی عرضه میگردد.



نوخاسته‌ای از مراغه

ادریایجانیهایی پس از مدتی فراموشی و سکوت یک چهره امید به کشتی فرنگی ایران تحصیل دادند. این تازه وارد «سربری» کشتی‌گیر جوان مراغه ایست که اول بار در ایلام در حضور نامدارانی چون قصاب - قیسی بقاء قهرمانی رسید. او در شرایطی قدم به مسابقات انتخابی گذارد که پیروزی نهائی برای او مقدور نبود ولی همین ادریایجانی در مصاف با حسین تورانیان قهرمان آسیا در حالیکه تا لحظات پایان اسیر ملی پوش این-وژن بود در عین شگفتی حریف را شکست داد ولی با این حال برای ورود به جرگه ملی پوشها پیروزی مجدد برابر تورانیان لازم است. عکس از زمان بررسی کشتی‌گیر مراغه‌ای مقابل تورانیان حکایت میکند.



دروالیبال، جوانان برای جنبشی نو «بسج» میشوند

گام اول، بانگاه به خارج از محدوده پایتخت

قد ۱/۸۶ متر - وزن ۷۵ کیلو - سابقه بازی ۲ سال. مربی: طهوری.

* فریدون سالاری: متولد ۱۳۳۴ در زاهدان - قد ۱/۷۷ متر - وزن ۷۵ کیلو - سابقه بازی ۳ سال. مربی: محمد حسینی.

* حسین باقرزاده: متولد ۱۳۳۲ در تبریز - قد ۱/۸۴ متر - وزن ۷۹ کیلو - سابقه بازی ۳ سال. مربی: طهوری.

* رمضانعلی قاسمی: متولد ۱۳۳۶ در بابلسر - قد ۱/۸۰ متر - وزن ۷۹ کیلو - سابقه بازی ۳ سال. مربی: عیاد قریشی.

* داود مهدی اللهیاری: متولد ۱۳۳۴ در تبریز - قد ۱/۷۹ متر - وزن ۷۴ کیلو - سابقه بازی ۲ سال. مربی: طهوری.

* محمد عالی زاده: متولد ۱۳۳۴ در آمل - قد ۱/۷۵ متر - وزن ۷۱ کیلو - سابقه بازی ۴ سال. مربی: خسرو قبادی.

* علی رحیمی بهبود: متولد ۱۳۳۳ در تبریز - قد ۱/۷۵ متر - وزن ۷۳ کیلو - سابقه بازی ۴ سال. مربی: طهوری - خواجه نصیری.

* حسن منصوری: متولد ۱۳۳۳ در آمل - قد ۱/۸۵ متر - وزن ۶۷ کیلو - سابقه بازی ۴ سال. مربی: خسرو قبادی.

* حسین آبادی قلعه: متولد ۱۳۳۳ در تبریز - قد ۱/۸۲ متر - وزن ۷۰ کیلو - سابقه بازی ۳ سال. مربی: طهوری - خواجه نصیری.

* یحیی بلوری: متولد ۱۳۳۴ در رضاشه - قد ۱/۸۰ متر - وزن ۷۷ کیلو - سابقه بازی ۲ سال. مربی: بداه کارگرش.

* فیروز اهری قزوین: متولد ۱۳۳۴ در رضاشه - قد ۱/۷۷ متر - وزن ۶۰ کیلو - سابقه بازی ۲ سال. مربی: رستم لو - بداه کارگر پیشه.

دختران

* محبوبه سکوند (۱۳۳۶) - اندیشک.

قریبا بصیرت (۱۳۳۴) - اهواز. طوبی بن واری (۱۳۳۵) - مسجد سلیمان. شهلا رئیس زاده (۱۳۳۷) - چهار محال. مهران محمدرضا (۱۳۳۷) - چهار محال. شهنش رئیس زاده (۱۳۳۸) - چهار محال. مهین افشار (۱۳۳۱) - مشهد. ناهید رئیس زاده (۱۳۳۸) - چهار محال. شهنش رسیده (۱۳۳۶) - مشهد. مهناز حدیدی (۱۳۳۷) - مازندران. شهلا عالی پور (۱۳۳۵) - مازندران. فرشته شهنشاری (۱۳۳۴) - مازندران. بروین ماسالی (۱۳۳۴) - گلان. مهوش قلعی (۱۳۳۴) - زهره کاوه (۱۳۳۸) - سیستان و بلوچستان. مهناز حسامی (۱۳۳۵) - سیستان و بلوچستان. شهره حسامی (۱۳۳۴) - شیراز. پروانه اسکوتی (۱۳۳۴) - شیراز. مهین باقرزاده (۱۳۳۸) - رضاشه. مهین اعوانی (۱۳۳۳) - سمنان. نگار کریمی (۱۳۳۸) - سمنان. اکرم میزانی (۱۳۳۳) - لرستان. فرانزه جهانگیری (۱۳۳۵) - همدان. مریم کاووسی (۱۳۳۵) - اصفهان. مهوش رحیم (۱۳۳۴) - شیراز. شهنش زار (۱۳۳۵) - شیراز. ناهید حسن پور (۱۳۳۵) - مشهد. شهنش مرئب (۱۳۳۵) - کردستان. منیره بگانه (۱۳۳۷) - سمنان. فرانزه دشتی (۱۳۳۵) - سمنان. ناهید نصیری (۱۳۳۶) - گلان. فوزیه منزوی (۱۳۳۵) - گلان. ربابه قاسمی (۱۳۳۸) - زنجان. فریده کشنیزجانی (۱۳۳۴) - اصفهان. معصومه اربابی (۱۳۳۸) - سیستان و بلوچستان.

محدوده پایتخت برداشته شده است. مسئله قابل توجه و مهمی که باید در اینجا به آن اشاره کرد، اینکه گزینش چهره های شهرستانی دختر و پسر برای تیمهای امید و ملی بهمن انتخاب محدود نمیکرد.

در گروه پسران با برگزاری مسابقات «جام پاسارگاد» دیدارهای جوانان و باشگاهها و همچنین در قسمت دختران با بازیهای باشگاهی و جوانان، چهره های تازه ای به جمع برگزیدگان اضافه میگردند. ضمن اینکه مربیان تیم ملی و سرپرستان برنامه های جوانان با سفر به شهرستانها نظاره گر استعداد ها و کیفیت غیرتهرانی خواهند شد.

بهر تقدیر تلاش برای سازندگی والیبالی استوار و ریشه دار آغاز شده و اینها در شمار گامهای نخستین هستند، و اگر بپذیریم که هیچ گل خودی در یک دشت خشک و بی آب قادر به زندگی نیست و این سرنوشت تمام گلها ی خود رو است که عمری کوتاه داشته باشند، باید گفت این راهی است برای نجات تمام گلها که بخاطر شایستگی فرزندان دیار ما در گوشه و کنار فراوانند.

چهره های برگزیده

این هفته را با معرفی چهره های برگزیده برای تیمهای ملی جوانان و امید پشت سر میگذاریم و هفته آینده با گفتگو با مربیان و سرپرستان برنامه های جوانان در این زمینه بیشتر صحبت خواهیم کرد. نقرات منتخب شهرستانی اینها هستند:

پسران

* سعید دبیری: متولد ۱۳۳۴ در کرمانشاه - قد ۱/۷۶ متر - وزن ۷۱ کیلو - سابقه بازی ۳ سال. مربی: محمد طهوری زنک.

* هوشنگ نورجم: متولد ۱۳۳۴ در کرمانشاه - قد ۱/۸۰ متر - وزن ۶۸ کیلو - سابقه بازی ۳ سال. مربی: محمد طهوری زنک.

* محسن جوان: متولد ۱۳۳۵ در مشهد - قد ۱/۸۲ متر - وزن ۷۰ کیلو - سابقه بازی ۳ سال. مربی: فرجانی.

* حسن توسلی آرا: متولد ۱۳۳۴ در همدان - قد ۱/۸۰ متر - وزن ۶۸ کیلو - سابقه بازی ۶ سال. مربی: راجی.

* علی اصغر جوینده دل: متولد ۱۳۳۵ در مشهد - قد ۱/۸۵ متر - وزن ۷۳ کیلو - سابقه بازی ۲ سال. مربی: فرجانی.

* مناشا صلاهی بگانه: متولد ۱۳۳۵ در لرستان - قد ۱/۸۰ متر - وزن ۷۰ کیلو - سابقه بازی یکسال. مربی: عبدالمحمد مطهری.

* علی غوج: متولد ۱۳۳۶ در اهواز - قد ۱/۷۸ متر - وزن ۷۰ کیلو - سابقه بازی ۲ سال. مربی: رضا برادران.

* عباس صادقی: متولد ۱۳۳۴ در مشهد - قد ۱/۸۵ متر - وزن ۷۸ کیلو - سابقه بازی ۳ سال. مربی: فرجانی.

* خسرو عرجعلی: متولد ۱۳۳۴ در آبادان - قد ۱/۸۵ متر - وزن ۷۴ کیلو - سابقه بازی ۲ سال. مربی:؟

* احمد نوائی: متولد ۱۳۳۷ در تبریز - قد ۱/۹۰ متر - وزن ۸۲ کیلو - سابقه بازی ۶ ماه. مربی: طهوری.

* بهروز معالی: متولد ۱۳۳۴ در تبریز -

افسوس از اینکه طول سالها اینگونه چهره ها فراوان داشته ایم ولسی درالای غیبار شهرستانی بودن و دوری از «پایتخت سحر آمیز» بدون شکل گرفتن استعدادهایشان ناشناخته مانده است.

درچهره خود «مسعود صالح» که صمیمانه و متعصب برای جان گرفتن این امیدها میکوشد، احساسی از غرور و رضایت موج میزد و نشان میداد برای روزهای آینده افکار و نقشه هائی در سر دارد و گوئی میخواست از اینها مردان بزرگ فردا را بسازد.

«صالح» با همان متانت و آرامش همیشگی مشتاق و هیجان انگیز از برنامه هایش صحبت میکرد، اینکه میتوان با کمک پیکره های پروتاس و توانمندیهای تحسین انگیز اینان تیمی ارزشمند خلق کرد، اینکه شهرستانها دلبران و مردان جنگجویی هستند که همیشه درصحنه کارزار پشت جبهه مانده اند و اگر به آنها میدان داده شود این شجاعت و قدرت را دارند تا ستارگان پرفروغی شوند، و بسیاری حرفهای دیگر. از تمرینات، مسابقات و مسائل حرفهای و خلاصه تمام حرفهای «صالح» حکایت از آن میکرد که می اندیشد به گنجی بزرگ و گرانقدر دست یافته است که با آن میشود دیاری را آباد کرد!

و بازیکنان هر کدام پلی جوان بچشم میآمدند که در کنار هم قدرتی دلپذیر را نشان میدادند، اراده و توانائی درجسم و روح آنها لریز بود و ملتهب و آماده برای نمایش گذاردن شایستگی ها.

مطالعه بیشتر

چهره هایشان آشنا نبود ولی رنگ و بونی با والیبال درآمیخته داشتند، از یکی از آنها میرسیم نظرت درباره تشکیل تیمهای ملی جوانان و امید و این توجه به شهرستانها چیست؟

میگوید: میوندید آدم گاهی اوقات، بعضی چیزها را آسان و سریع نمیتواند باور کند برای من جوانان یک والیبالیست شهرستانی چنین برنامه ای شوق انگیز است. وقتی قبل از هر چیز به شهرستانها توجه شود یا توجه به سابقه و آنچه طول سالهای گذشته وجود داشته، یک زیرروشن شدن ناگهانی است، چیزی که بهرحال ما شهرستانها همیشه اوقات درانتظارش بوده ایم.

پسران برگزیده برنامه کارشان بزودی تعیین خواهد شد و ضمن تدارک دزتهران برنامه هائی گسترده در سراسر کشور بوجود خواهد آمد، در مورد دختران مسئله محدودیت دختران شهرستانی مطرح است و در این زمینه احتیاج به بررسی بیشتر میباشد که کمیته باتوان فدراسیون والیبال برای انجام برنامه های خود با مطالعه بیشتر تصمیم خواهد گرفت.

راه والیبال

والیبال از ورزشهائی است که ضمن گذشتہ درخشانش، طول سالهای اخیر راهی بجانب نزول از جهت موقعیت را پیورده است و برای به اوج رسیدن نیاز به نردبانی با پایه های استوار و دندانهای مقاوم هست و هر تلاشی برای پیشبرد این ورزش، مستحکم کردن یکی از این دندانها هاست. تشکیل تیمهای امید و جوانان باید گامی دلپذیر بحساب آید که بی تردید ثمری تحسین انگیز دربر خواهد داشت و نکته ارزشمند در این است که قدم اول با نگاه به خارج از

آیا والیبال میخواست سنت شکن باشد؟ سنت شکن این جدائی دیرین شهرستانها از پایتخت و بفراومشی سپردن این دو گانگی موجود، تمام تلاشها و تمام مسائل در عموم رشته ها تنها در تهران بزرگ خلاصه شده و دیواری بلند میان پایتخت و بقیه نشسته است، آیا والیبال میخواست این دیوار را درهم بکوبد؟ جام «پاسارگاد» ضربه نخست برای بهم ریختن این سنت دیرینه بود و حالا برای تشکیل تیمهای ملی جوانان و امیددرو گروه پسران و دختران، اولین نگاهها بجانب شهرستانها است.

فدراسیون تازه و کنونی والیبال که کمی بیشتر از چهارماه از حیات آن میگذرد، بی اغراق باید پذیرفت تاکنون درهر زمینه ای که انگشت بروی آن گذارد، نشانی از تحول ارائه کرده و تشکیل تیمهای ملی جوانان و امید گامی است نو که فدراسیون در تلاش میباشد تا در کنار تیمهای ملی دختران و پسران تیمهای از جوانان نیز داشته باشد که این تیمها ضمن پرخورداری داشتن از موجودیت و تشکیلاتی خاص، میتوانند به پشتوانه هائی ارزنده در سطح ملی نیز بحساب آیند.

* طول مسابقات والیبال قهرمانی آموزشگاههای ایران که هفته گذشته پس از ۱۰ روز در تهران پایان گرفت، چشم هائی جستجوگر درالای تمام هائی که هر روز برای تصاحب عنوانها با یکدیگر رقابت میکردند، دنبال آنها بود که نشانه هائی از قدرت و استعدادی برتر درخود داشتند.

گروه شهرستانها

وبی تردید باید پذیرفت وقتی چشم جستجوگر باشد، همیشه و درهر شرایطی چیزی برای پیدا کردن وجود دارد.

مسعود صالح (مربی تیم ملی مردان)، ماری نت (مربی تیم ملی زنان)، فریده فرزام مسئول کمیته جوانان با نظارت بر بازیها، جمعی را که امید سازند نشان میدادند برای تشکیل تیمهای امید و جوانان فرا خواندند و این قدم اول بود، ۳۵ دختر و ۲۱ پسر برگزیدگان نخستین برای تیمهای امید و جوانان میباشند که تمامی آنها را شهرستانها تشکیل میدهند و سن اینها بین ۱۶ تا ۲۰ سال است.

برنامه انتخاب بازیکنان تهرانی نیز بزودی انجام میگردد، و مهره های شهرستانی بعلم سکونت داشتن در شهرهای مختلف و همچنین دانش آموز بودن قادریتند جز در زمانهای معذور در تمرینات که در تهران برپا میشود شرکت نمایند که بهرحال ضمن وجود این دشواریها فدراسیون در تدارک است تا با تنظیم برنامه ای خاص مهره ها را بخدمت گیرد و تمریناتی دلخواه درمحل برای آنها بوجود آورد

نشانه های امید

درگروه پسران روزی که در دبستان فردوسی (محل برگزاری مسابقات والیبال پسران آموزشگاههای ایران) بازیکنان برگزیده در اولین گام مهمی جمع شده بودند، همه چیز حکایت از نقش گرفتن احساس یک امید میکرد، بدنهای استوار، قدهای کشیده با روحی مبارز و سرکش که درعین حال میتوانست احساسی از تاسف و افسوس وجود داشته باشد.



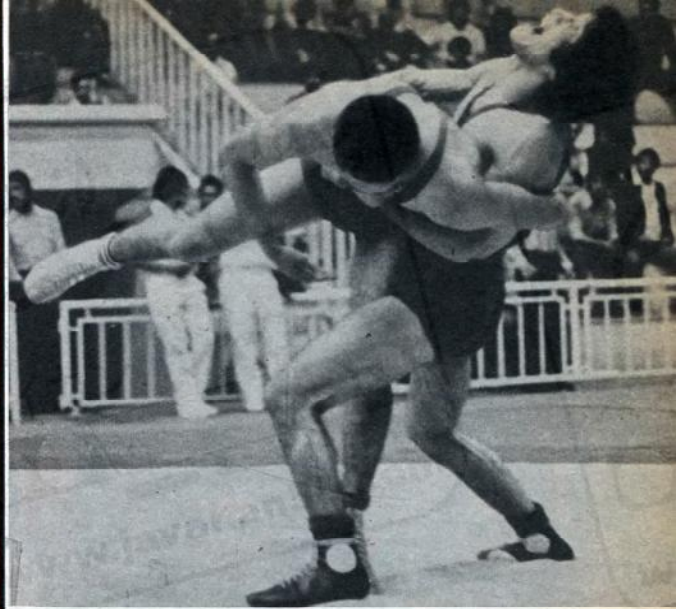
عکس بالا دختران برگزیده شهرستانی برای تیمهای جوانان و امید، عکس پائین پسران برگزیده باتفاق سرهنگ سرشار نایب رئیس فدراسیون والیبال ایران و مسعود صالح مربی تیم های ملی والیبال



زمانی نیست که به معجزه وشگفتی امید بندیم

تصمیم کمیته فنی باروشن بینی همراه بود ومهم همین است نه نتیجه مسابقات تیم اعزامی

دیرزمانی است که کشتی فرنگی در تهران تحت
تاثیر نامها به زندگی ادامه میدهد و عجیب اینکه
مهره های قدیمی بهر شکل مورد توجه و حمایت مربیان
قرار دارند.



تورانیان یک مغلوب بداقبال بود که در
عین شایستگی در لحظات پایان مغلوب شد،
عکس لحظات برتری قهرمان آسیا را نشان میدهد
که قصد دارد سریری را با سالتو سرنگون سازد.

شود و خود را پرمهره نهایی برساند.
این مورد در سال پیش در مسابقات جهانی
۱۹۷۴ «کاتوویک» به یک آزمایش گذارده شده
و دیدیم حاصل این آزمون شکست مطلق بود.
ولی باز هم این تجربه تلخ سبب بیداری نشده.
وقتی علی آبادی با دو شکست پی در پی در
۴۸ کیلو حذف شد، این شکست را بحساب
استراحت بعد از بازیهای آسیایی گذاشته شد، در
حالی که این واقعیت نداشت، چرا که علی آبادی
از جمله چهره هایی است که همیشه بدن خود را
در فرم نگاه میدارد و همیشه در شرایط ارمانی
است.

ولی او پرغم کیفیت خوب و تجربیات
فراوان نمیتواند، صاحب نیروی جوانی باشد و
همین کمبود است که او را با مشکلات بیشتر
آشنا می سازد.

بگفته مربیان علی آبادی در مسابقات
انتخابی با بهترین شرایط تمرینی ممکن قدم
بمبارزه گذارد ولی این بهترین در مصاف با
جوانی بی تجربه چون متفانی ۸ امتیاز از دست
داد و بعد پیروز شد و نگاه مقابل کشتی گیری
چون هوربا نیز سه اخطاره شد.

آیا اینها نمودارهایی نیستند که بتوان بر آن
تکیه داشت و از جوانها و نواخستگان بیشتر
حمایت کرد؟

علی آبادی را در جمع قدیمی ها بمان آوردیم
که او برآستی آماده ترین این قدیمی هاست ولی
این قهرمان همیشه آماده و اشتراک آفرین حال
بیابان خط رسیده و نباید با وجود جوانانی چون
خلیل رشیدمحمدزاده بازهم انگشت روی
تجربیات چهره های چون علی آبادی گذاشت.

حقیقت مسلم

چرا که این یک حقیقت مسلم است که توجه
به قدیمی ها و خط زدن این جوانان امید باعث
سرخوردن جوانان از این ورزش است. تا کی می
توان به انتظار معجزه زندگی کرد، برآستی حالا
زمانی نیست که بتوان به معجزه و شگفتی امید
یست، اروپای شرقی انجمن در این رشته تاخت و
ناز می کند که حتی برای زاین هم فرصت نفس
کشیدن را باقی نگذاشته است. در مسابقات جهانی
کاتوویک لهستان، اروپای شرقیه ۵۹ عنوان از ۶۰
عنوان تقسیم شده مقامهای اول تا ششم وزنه های
دهگانه را فتح کردند و آن تنها عنوان باقی را نیز
یک ایرانی بنام هوربا با بخت بلند مشترکا همراه
با یک فلانندی تصاحب کرد!

افتخارات کشتی گيراني چون علی آبادی -
علیزاده - هوربا - بدالهی - جلال کریمی -
نقیان همیشه باید مورد نظر باشند ولی مطمئن باشید
حالا نمیتوان باز هم با توجه بگذشته این قهرمانان
قدم بمیدان مبارزه گذارد و صاحب پیروزی شد.

حتی بخاطر هم هست که در کلاسی که
بمنظور تعلیم مربیان فرنگی تشکیل شده بود
بخاطر نبودن مربیان واقعی فرنگی یک مربی
علاقتمند رشته آزاد بهترین امتیازات را از نظر
استاد روسی بدست آورد؛ در حالی که فرنگی
کارهای اصلی در این کلاسها حضور نداشتند.
غرض از این یادآوریها و نشان ها همداری
است بفدراسیون کشتی، که برای اولین بار این
مربی روسی را به شهرستانها اعزام دارید، کاری
که هیچ یک از گذشتگان درباره مربیان خارجی
انجام ندادند. برآستی می توان با اعزام و روبایف
روسی به خطه های خوزستان - اصفهان -
خراسان و مناطق دیگر برداشتی چشم گیر
برای کشتی فرنگی داشت و مسلما اگر این اقدام
همراه با یک خط مشی درست صورت تحقق
پیدا گیرد، با توجه به استعداد و کمیت چشم
گیرتر شهرستانها، پیروزی تهرانها در
مسابقات قهرمانی ایران حکم یک رویا را خواهد
داشت.

نشانه های ارزشمندی شهرستانها

وقتی سال پیش در اهواز تیم خراسانی بر تیم
مرکزیستین با چند ملی بوش پیروز شد، همگان و
آنها که خود را بهر شکل عضوی جدائی ناپذیر از
کشتی فرنگی می دانند با یوزخند این پیروزی را
بدرقه کرد ند آن زمان اختلاف امتیاز تنها ۲۰ بود
ولی یکسال بعد از اهواز، شهری چون ایلام میزبان
مسابقات بود و عجب اینکه اصفهان تیمی که با ۹
کشتی گیر (قهرمان) ۲۸ کیلو آنها در دوره اول
آسیب دید) بمیدان آمده بود با ۱۲ امتیاز برتری
نسبت به تیم باینخت در جایگاه قهرمانی جلوس
کرد و تیمهای خوزستان و خراسان با بداقبالی
فراوان در تعقیب تهران در رده بعدی قرار گرفتند.
آیا پیروزی اصفهان انهم با ۱۲ امتیاز اختلاف
نشانه در جازدن تهرانها نیست؟ اگر این عقب
ماندگی را در جازدن و نزول نمیدانید پس چه نامی
بر آن می گذاریم؟

نامها و کشتی فرنگی

دیرزمانی است که کشتی فرنگی تهران
تحت تاثیر نامها به زندگی ادامه میدهد و عجیب
اینکه این مهره های قدیمی بهر شکل مورد
حمایت مربیان قرار دارند و همه گاه در جلسات
کمیته فنی روی تجربیات آنها تکیه میشود و
تجربه آنها بر جوانی مدعیان دیگر مقدم قرار
میکرد.

راستی تا کی میتوان از تجربیات یک
کشتی گیر ۳۳ ساله و ۲۴ ساله بهره برد، آیا یک
کشتی گیر بالای ۳۰ سال توان و قدرت این را
دارد که بتواند با جوانان ۲۰ ساله جهان روبرو

نکرده است؟

پاسخ بدین ستوال از حد و مرز این مقاله
خارج است ولی مسئله مهم نبود دوستی ها -
همبستگی ها - اتحاد و اتفاق نظر است. و علیرغم
اینکه مربیان بصیر و آگاهی در این رشته داشته ایم
هیچگاه نتوانسته ایم آموزش های واقعی کشتی
فرنگی را عرضه نماییم.

برای این رشته حتی طول سالهای ۱۹۵۶ به
این طرف ۴ مربی خارجی از کشورهای سوئد و
شوروی بخدمت گرفته ایم که چهارمین مربی همین
سازگشته به تهران آمده، هدف این مربی روسی در
درجه اول شناخت موجودیت کشتی فرنگی ایران
است و بعد ایجاد کلاسهای آموزشی برای مربیان و
کشتی گران.

آیا «روبوایف» قهرمان پیشین المپیک ۱۹۵۶
ملبورن و دارنده عنوان سوم بازیهای المپیک
۱۹۶۰ رم و فرد دوم جهان در مسابقات جهانی
۱۹۶۲ تولید و در انجام مأموریت خود توفیق خواهد
داشت؟

در وهله اول این ستوال کمی درازا منطبق نظر
میرسد، چرا که وقتی فدراسیونی از یک کشور
صاحب نام یک مربی بخدمت دعوت می کند،
بیستما همه عوامل در جهت یاری او رخ نشان
خواهند داد و بدین صورت حداقل توفیق برنامه
های پیش بینی شده از مسلمات نظر میرسد.

ولی متأسفانه در کشتی فرنگی تمسود این
چنین قاطع به آسانی قضاوت کرد، چرا که در جمع
مربیان انگشت شمار تهرانی در کشتی فرنگی آنچه
که وجود ندارد همبستگی و اتحاد است و عامل
اصلی در جازدن و نزول کشتی فرنگی همین مسئله
است که متأسفانه بمانند خوره بر ریشه این ورزش
افزاده و بایه های لرزان را متزلزلتر می کند.

ایجاد صمیمیت

اگر برآستی رهبران کشتی قصد نجات
کشتی فرنگی را از این موقع دارند باید در درجه
اول در ایجاد صمیمیت بین مربیان داخلی کوشا
باشند و آنگاه بتوانند از برنامه های خود
بهره برداری کنند.

لایند میپرسید مسئله مربیان داخلی چه
دخالتی به دعوت از مربی روسی دارد؟
همین چند وقت پیش بود که یک مربی
روسی برای تعلیم کشتی گران فرنگی به ایران
آمد و مدتی قریب یکسال را در جمع دست
اندرکاران این رشته وقت و زمان را سپری کرد.
کلاسهای تشکیل شده از سوی مربی
روسی اکثرا شاگردانی اندک داشت، چرا که
مربیان شناخته شده تهرانی بهر شکل سعی در
این داشتند از حضور شاگردان خود در کلاس
مربی روسی جلوگیری کنند!

راستی چرا وقتی یک چهره گمنام یا یک
شهرستانی برابر یک قهرمان به پیروزی می
رسد، این رخداد یا واقعه را یک شگفتی یا یک
حادثه میخوانیم و در احوال این «مهم» نامرز
تفسیر و قلم فرسائی پیش میرویم؟

این ستوالی است که بدفعات از خود کرده ام
و بارها و بکرات دیگران آن را با من مطرح
نموده اند ولی همواره و همیشه برای این چرا ها و
ستوالیات یک جواب داشته ام و آن پاسخ همین
جملاتی است که از نظر میگردد:

وقتی دو جسم مختلف و غیر هم وزن در
یک ترازو وزن شوند هیچگاه دو کفه ترازو
بحال تعادل در نیامید، وضع کشتی تهران و
شهرستانها نیز بهمانگونه است، تهرانی ها سالن
تمرین، مربی سرشناس، امکانات کافی برای
کامل شدن و بارور گردیدن در دست دارند، اگر
بعد کمال نمیرسند کوتاهی خود آنها و مربیان
است ولی آن شهرستانها که همیشه با سرنواخت
خود ستیزه دارد با چه امکاناتی بچنگ
مرکزیتشان میاید؟ آیا مربی کاردار و راضی،
تشکک تمرین، مکان تمرینی مناسب - حریف
تمرینی کافی و دیگر امکانات به اوج رسیدن را
در اختیار دارد؟

به همین شکل با توجه به کمیت و کیفیت
موجودیت تهرانی و شهرستانی انتظاری بیشتر و
بزرگتر از مرکزیتشان داشته ام در حالی که هیچ
گاه این توقع و زیاده خواهی را از هیچ تیم
شهرستانی نداشته و نداریم.

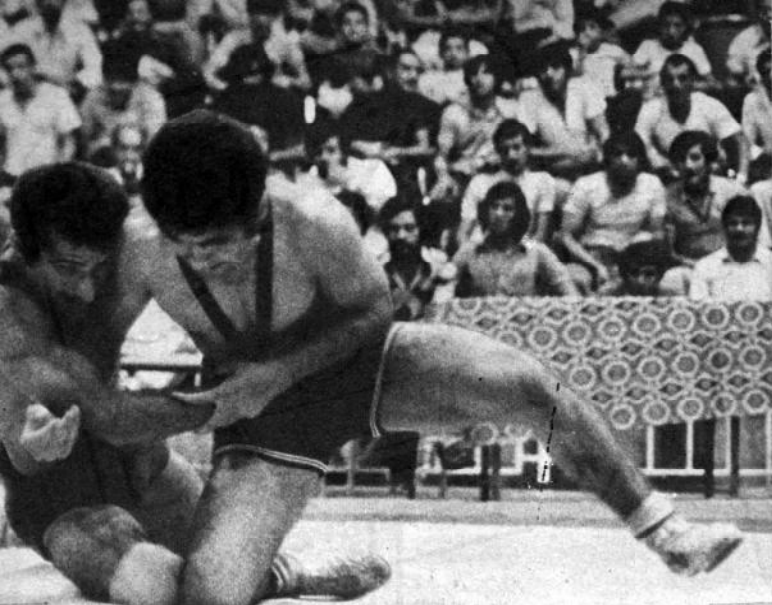
اگر حقایق یاد شده را دلیلی عامه پسند بر
شماریم بر یک مسئله هم باید اتفاق نظر داشت
و این مهم این است که همواره شهرستانها در
سایه تهرانیها از دیده ها نهان میمانند و حتی آنها
بخاطر نداشتن یک ناجی راستین در زیر قدرت
و نفوذ تهرانیها از میان میروند.

منظور اصلی

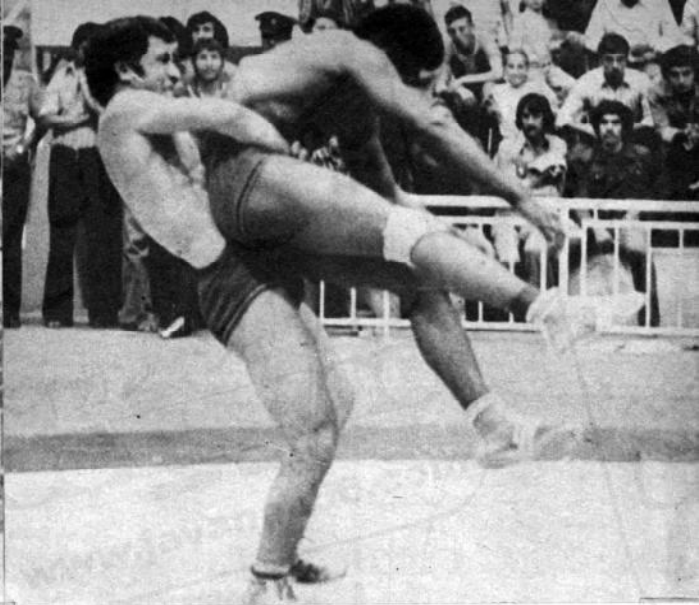
منظور اصلی از پیش کشیدن این بحث رسوخ
در احوال کشتی فرنگی در ایران است، همان
ورزنی که دست اندرکاران همیشه سعی داشته اند
آن را در پی کشتی آزاد بچرکت در آورند نه در
پیشایش کشتی آزاد!

مربیان کشتی فرنگی همیشه با تکیه به مسائل
یاد شده شکستهای پی در پی و نا امید کننده را
بحساب جوانی و سابقه اندک!! کشتی فرنگی
گذاشته اند و تحت لولای این حمله ظاهر قریب «که
کشتی فرنگی از آن اروپائی هاست» حقیقت و کم
کاری خود را در لابلای مسائلی غیر واقعی مدفون
ساخته اند.

راستی چرا طول بیست و چند سالی که کشتی
فرنگی ایران نمایندگانی در صحنه های مختلف
بین المللی بمیدان فرستاده، موقعیتی بآبیت پیدا



رسید. عکس از لحظات برتری علی ابادی است که می‌رود لحظه‌ای بعد هوربار را بیل بیرد.



برخلاف صحنه که می‌رود با سالتو امتیازی بحریف اصفهانی تقدیم کند ۱۴ - ۱۹ منتظرانظرهور را نکست داد.

منتظرانظرهور و رضا یوسف ابادی دو مهرستانی درخشان ۸۲ کیلو بودند که نظافت پوست را مغلوب ساختند، ولی یوسف ابادی

زاده موجودینی بهتر از همگان دارد. در سنگین وزن تنها بهرام مشتاقی می‌تواند موردنظر باشد که حریفان با توجه به کیفیت او صحنه را برایش خالی گذارده. که این مسئله پایستی موردتوجه مربیان و فدراسیون قرار گیرد.

تصمیمات کمیته فنی

کمیته فنی فدراسیون کشتی با در نظر گرفتن مبارزات انجام شده در نشست آخرین تصمیمات زیر را اتخاذ کرد.

۲۸ کیلو: خلیل رسیدمحمدزاده فرد منتخب
۵۲ کیلو: برنده دیدار مرادعلی سیرانی با رحیم علی ابادی یا مهدی هوربار مبارزه میکند.

۵۷ کیلو: فاتح مبارزه تورانیان - سریری صاحب براهن ملی است

۶۲ کیلو: غلامرضا قصاب - حمید رستم بور سروست قهرمان این وزن را مشخص مینمایند

۶۸ کیلو: اکبر بدالطی فرد منتخب
۷۴ کیلو: برنده مبارزه دلیریان - هاشم قنبری صاحب براهن ملی است

۸۲ کیلو: رضا یوسف ابادی فرد منتخب
۹۰ کیلو: محمدرمضان راده - محمدرضا غریب

- عباس قربانی - هاشم کلاهی و جلال کریمی بطور دودرهای مبارزه میکنند

۱۰۰ کیلو: سروست این وزن در گروی کشتی بپرام مشتاقی و بهمن بور بور میباشد.

درمورد فو سنگین هنوز تصمیمی گرفته نشده است.

این مسابقات هم زمان با دیدارهای انتخابی تیم ملی کشتی آزاد از روز ۲۱ مرداد ماه در سالن

محمدزاداناه پهلوی برگزار میگردد

تصمیمات کمیته فنی این بار باوروسن بینی

همراه بوده و این خبری است که همه گاه از کمیته

فنی انتظار میرود که در هنگام ارزیابی مسائل و

رویدادها تنها برپرفرادی افرادی بخصوص تکیه نداشته

باشند بلکه در افق گسترده تر به حقایق توجه نشان

دهند. بخصوص اگر مسائل مطرح شده آنها با

واقعیت و روست بینی همراه باشد علاوه براینکه

تهرانی و شهرستانی با اعتماد بیشتر به این کمیته

نگاه میکنند. جوانان یا دبلسنگی عمیق تر از آرای

آنها استقبال خواهند کرد و مهم تر از همه با تکیه

بر تصمیمات اصولی و قابل تائید تیم های ملی و اعزامی حقیقی انتخاب خواهد شد.

جون اصل براین است که انتخاب کننده عادل

باشد و با سرحد امکان با واقعیت عمل کرده باشد

و جامعه این عدالت را ببیند. حالا اگر موجودیت

کلی مادرحدی نبود که با یک انتخاب صحیح در

میدانهای بین المللی پانجه ارزو داریم دست یابیم.

واقعیت برتری حریفان قابل بذورش است نه

انتخاب تاسمیح و غیراصولی خودمان.

پایان وقت تسلیم شد ولی دور ازاین نتیجه سریری مسلما برای روزهای آینده یک امید و یک تکیه گاه قابل بحث است ولی در این زمان تورانیان موقعیتی با ثبات تر و اطمینان بخشی تر ا دارد. نیز دوباره این دو سرنوشت قهرمان را روشن میکند.

نقیب زاده جوان دیگر ۵۷ کیلو برراستی

بعائند ره گم کرده ها میباشد. زمانی در ۵۲ کیلو

و گهگاه در ۵۷ کیلو و همین بی ثباتی لطمه‌ای

جبران ناپذیر به او وارد کرده است. و این ایراد

برمرمی او وارد است که برای یک سفر نباید به

اجازه دهد که چندین کیلو از وزن خود بکاهد.

کلاس حقیقی او در ۵۷ کیلوست که او در آن

بخاطر دلائل بالا جانپاشاده است.

۶۲ کیلو وزنی که غلامرضا قصاب -

احمدرضا محمدی دو امید بزرگ آن غایب بودند

پیروزی جوانی چون رستم بور را شهادت داد.

علیرزاده قهرمان پیشین جهان با شکست ۱۱ -

۱۸ مقابل رستم بور این مقام را تصیب رستم

بور نمود. قدر مسلم اینکه علی زاده با کسب

این مقام دوم نیز در سن ۳۳ سالگی شاهکار

کرده ولی باید ببیند که قهرمانی یار جدانی

ناپذیر او نیست و حالا توبت درخشان رستم بورها

- محمدی ها و قصاب هاست در این وزن غلامرضا

قصاب مهره نامدار خوزستانی مطمئن تر از همگان

است. در روزهای ۶۸ و ۷۴ کیلو بدالطی و دلیریان

قهرمان شدند که هر دو هنوز در صحنه داخلی بکه

ناز هستند. بدالطی که ترسناکه تر از دلیریان می

باشد در این زمان ماحوره نزدیکی ندارد.

درحالیکه دلیریان یک مدعسی غایب جون

قنبری داشت که اتفاقا این غایب نامدار همیشه

مغلوب او بوده است.

درخشش دو شهرستانی

۸۲ کیلو شاهد درخشش شهرستانیها بود.

یوسف ابادی همان سیاه چهره بمی سرانجام

یکسال بعدازظهور در صحنه کشتی قهرمانی

ایران. در ایلام درخشید و در ادامه این پیروزی

در مسابقات انتخابی نیز موجودیت خود را

عرضه کرد.

تولد او مزده‌ای است به تیمهای ملی جوانان

و بزرگسالان ایران که او را در خدمت خواهند

گرفت.

منتظرانظرهور فرد دوم کشور که دومین

شکست را تصیب ظرافت دوست نمود نیز از

جمله شهرستانیهای پرفروغ است.

غیبت محمدرضشان زاده کشتی گیر ۹۰

کیلو خوزستانی بار دیگر سبب پیروزی جلال

کریمی شد. قهرمان آسیا حالا دروازه کیفیت

پیشین قرار دارد. درحالیکه در این زمان رمضان

گرفت.

بخت شهرستانیها و مشکلات عدیده صدها کشتی گیر خوب شهرستانی باز هم این همدار را به

مسئولین فدراسیون میدهم که از مریی روسی اگر

قصد بهره برداری است در شهرستانیها استفاده شود

که اولاً دسته بندی مربیان شهرستانی کمتر از

بایشنت می باشد و در نانی غلامندی پیستری در

صف شهرستانیها بحسم میخورد. نشانه این ادعا

سابقاات انتخابی آزاد و فرنگی جوانان و

بزرگسالان است که با بررسی کم و کیف آن بهتر

این ادعا بنیوت میرسد. و پیروزی شهرستانیها

بیشتر بحسم میخورد.

سابقاات انتخابی تیم ملی کشتی که هفته

گذشته بابان گرفت یا حوادثی نامنتظره همراه بود که

در این میان شکست دوگانه خسرو ظرافت دوست

برابر دو شهرستانی رضا یوسف ابادی از کرمان و

هوشنگ منتظرانظرهور از اصفهان مهمترین آن بود.

در حالیکه سریری از مراغه نیز گشته از نتیجه

ضربه فنی برابر تورانیان قهرمان آسیا خوب جلوه

کرد.

گاهی زودگذر به امدها و غائبین. بهتر خبره

ملی بوسان را تصویر خواهد کرد.

در ۲۸ کیلو خلیل رسیدمحمدزاده علیرغم آغاز

زودید امیز بابانی برشکوه داشت. او برآستی در

دیدار بابانی برابر احمد صوفیانی فتونی تحسین

انگیز نمایش گذارد که از هر جهت نمایانگر

سایستگی و استادی این نوجوان تازه وارد تیم ملی

است.

رسیدمحمدزاده که در مسابقات جام طیار پالاز

بمقام قهرمانی رسید از جمله امدهانی است که می

توان از او انتظار روزهای درخشانتری داشت.

۵۲ کیلو با حضور دومهره قدیمی هوربار و

علی ابادی با پیروزی هوربار خاتمه یافت ولی به

تحقیق هیچ یک از این دو غالب و مغلوب نافع تیم

ملی نیستند. چراکه زمان درخشش و تلاو آنها

سایهاست سیری شده و در این وزن باید مرادعلی

سیرانی جوان اصفهانی را بخندت گرفت.

او که با همه تلاش مسئولین فدراسیون

توانست در مسابقات انتخابی حاضر باشد. بخاطر

انجام وظیفه مقدس سربازی در کرمان سبب می برد.

سیرانی سال ۱۹۷۳ در جمع ۴۸ کیلونی های

جهان بمقام چهارم جهان رسید ولی هم چنانکه در

ایلام نشان داد در ۵۲ کیلو حریفی برای او وجود

ندارد. هر چند که دوری از تمرینات مداوم و از

گیر تاحدی نزول او را سبب شده است.

در ۵۷ کیلو علیرغم اینکه «سریری» قهرمان

شد ولی حالا نباید از کنار نام حسین تورانیان

بی تفاوت گذشت. چراکه قهرمان آسیا براستی

این بار با آمادگی و تلاش کافی خود را برای

این مسابقه حاضر کرده بود ولی به اشتباه

درحالیکه ۴ - ۲۱ بر سریری برتری داشت بگمان

حالا توبت درخشش و ظهور جبهه‌های نظیر

خلیل رسید محمدزاده - مراد علی سیرانی - نصرت

الله سریری - قصاب - رستم بور - اکبر قربانی -

یوسف ابادی هاست و باید موجودیت آنها را باور

کرد. هر چند که در اولین میدان تا کام نبوند و

حاصلی ندهند.

جرا بهنگام مشاهده کوچکترین ناکامی جوانها

باز هم با جنگ و دندان به قدیمی ها اشاره می

کنیم. آیا قدیمی ها در میدان های نخست همیشه

پیروز بوده اند؟ آیا از هنگام ورود به تیم های ملی

بین قدیمی های فراموش نشدنی از بله های افتخار

صعود کرده اند؟ اگر قبول دارید جواب همه این

سئوالها منفی است به جواتر میدان دهید که جوانان

دیگر با وحشت وجود نامها از این ورزش گریزان

نگردند. به شهرستانیها و به نورسیده های تازه

میدان بدهید. مگر نه اینکه در صوفیه سال ۱۹۷۱

ما با ۱۰ کشتی گیر بدون امتیاز ماندیم و سال

گذشته در کاتوویک نیز با تیمی تقریباً کامل فقط

صاحب تیم امتیاز ندیم. بگذاریم بیکار هم جوانان

با این شکست و پیرو شوند ولی مطمئن باشید این

جوانها می توانند روزهای پربازتری را در کشتی

فرنگی عرضه کنند ولی از قدیمی هاجه عرض کنم!

چرا حیبی؟

در همین مسابقات انتخابی اکثر اصفهانیها

غایب بودند. بیشترین دلیل غیبت بی میلی به

سابقاات انتخابی بود. چرا که بدفعات ثابت شده

اعضای انتخاب کننده در کمیته های فنی مدافع

دست پروردگان خود هستند تا آنها که دور از

مرکز قرار دارند.

فدراسیون کشتی مردی چون اباعلی حیبی

را مسئول کمیته شهرستان یا کمیته ای بانامی

دیگر نموده که با مدد حیبی شهرستانها یک

ناجی داشته باشند. در حالیکه حیبی در این

زمان هیچ زحمتی بخود نمیدهد تا اطلاعی از

کشتی شهرستانها و موقعیت مهره های بوخاسته

و جوان بدست آورد. این زحمت را نیز بخود

نمیدهد که حتی در یک شب از مسابقات بمحل

مسابقه بپاید و کاری که بر عهده اش گذارده

شد ارزیابی نماید راستی اگر فدراسیون کشتی

یک عضو همیشه ساکن در شهرستانها و حاضر

در مسابقات را مامور آن کمیته گذاشتی می کرد.

نتیجه ای بهتر دستگیرش نمی شد؟ یا اینکه

بصرف شهرستانی بودن حیبی و نام و سابقه می

نوان حیبی را یک ناجی راستین کشتی

شهرستانی بحساب آورد؟ بهر حال اگر فدراسیون

در این راه به حیبی دلپسته اشتباه نکرده این

خود حیبی است که خود را کم کار نشان میدهد.

سایه و روشنه های مسابقه انتخابی

با این خصوصیات و یادآوری نیروی قابل

خبر یای کوتاه

دستهای قوی!

در تنیس حرفه‌ای همه چیز تحت‌الشعاع نام آمریکایی‌ها و استرالیایی‌ها قرار دارد که در اکثریت نزدیک به اتفاق مسابقات بزرگ‌تری، تنیس‌ورهای ایندو سرزمین بر سر تصاحب عنوانها با یکدیگر رقابت دارند و البته شرایط هم طوری است که مدام چهره‌های تازه ظهور می‌کنند.

«سوزان بارکر» تنیسور آمریکایی که امسال نیز در مسابقات ویمبلدون شرکت داشت، اگر چه موفقیتی بدست نیاورد ولی بهر حال نظرها را متوجه خود کرد و کیفیت کارش نشان میداد میتواند موفق تر هم باشد.

«سوزان بارکر» از جهت قدرت ضربه زدن یک تنیسور بی نظیر است که کار شناسان تنیس درباره او میگویند صاحب یکی از قویترین دستها در میان ورزشکاران زن جهان است و بهر حال شاید در شایه این خصوصیت روزی بازیگری بزرگ گردد.



نروژی رکورد دار

این چهره «گرت اندرسن» دوندۀ نروژی است که چندینی پس در جریان برگزاری تورنمنت دوومیدانی که در اسلو با باخت نرور به مرحله انجام درآمد. رکورد تازه‌ای برای دو ۳۰۰۰ متر زنان جهان بجای گذارد.

رکورد جهانی «گرت اندرسن» با توجه باینکه نروژیها نامی بزرگ در دوومیدانی جهان ندارند، فوق‌العاده جالب و با ارزش مینماید.

فتح تازه فیتیپالدی

بعد از چهره ناموفقی که «امرسون فیتیپالدی» راننده بزرگ برزیلی در چند تورنمنت اتومبیلرانی بزرگ‌تری اخیر داشت، هفته گذشته در مسابقات گراندپری بریتانیا که در «سیلورستون» انجام گردید به عنوان قهرمانی دست یافت.

مسابقات در شرایطی دشوار به جهت نامساعد بودن وضع هوا و بیست صورت گرفت که باعث بارندگی، سطح جاده لغزنده و خطرناک شده بود. «فیتیپالدی» با بیمودن ۲۴۴ کیلومتر مسیر مسابقات با حد متوسط سرعت ۱۹۳/۰۹ کیلومتر در ساعت، در مدت یکساعت و ۲۲ دقیقه و ۵ ثانیه اول شد و بدینال «کارلوس پیس» راننده هموطنش بمقام دوم رسید.

رده‌بندی در پایان مسابقات اتومبیلرانی گراندپری بریتانیا باین ترتیب میباشند.

۱ - امرسون فیتیپالدی (برزیل) با زمان یکساعت و ۲۲ دقیقه و ۵ ثانیه ۲ - کارلوس پیس (برزیل) با یکساعت و ۲۰ دقیقه و ۲۴/۴ ثانیه ۳ - جودی اسجکتر (آفریقای جنوبی) با یکساعت و ۲۰ دقیقه و ۳۰/۹ ثانیه ۴ - جیمهرانت (انگلستان) ۵ - مارک دونو (آمریکا) ۶ - ویکتوریو برامبیل (ایتالیا).



چینی‌ها نمایانند مگر با

اخراج تایوان

«فکروکیدانه» دبیر انجمنی کمیته بین‌المللی المپیک که اخیراً به چین سفر کرده است، طی گفتگویی با خبرنگاران در توکیو بابتخت زاین گفت: چین تا زمانی که تایوان کنار گذاشته نشود به جمع اعضا کمیته بین‌المللی المپیک باز نخواهد گشت. دبیر کمیته بین‌المللی المپیک که بنا بدعوت سازمان ورزشهای چین به این کشور رفته بود به این مسئله اشاره کرد که چینی‌ها به اخراج تایوان بعنوان تکه اساسی و تنها راه حل برای بازگشت آنها به کمیته بین‌المللی المپیک اشاره می‌کنند.

چین با سال ۱۹۵۶ عضویت این کمیته را داشت ولی در انزمان بعثت مسائل سیاسی خود را بطور کلی از صحنه ورزش جهان کنار کشید و تا سالها نامی از ورزشکاران چینی در مسابقات بزرگ‌تری مختلف در بین نبود و حالا چندی است با تلاشهایی که صورت گرفته، چینی‌ها بار دیگر به «ورزش» در سطح بین‌المللی باز گشته‌اند ولی در هر مورد چینی‌ها برای شرکت در مسابقات و عضویت در فدراسیونها و تشکیلات مختلف، اخراج «تایوان» را خواهند که برخی فدراسیون‌ها با اخراج تایوان و بذیرفتن چین به عضویت خود موافقت کرده‌اند و در بعضی موارد هم سرباط تا مشخص است.

چه از سوی دیگر تعدادی از کشورها با کنار گذاردن «تایوان» و بذیرفتن «چین» مخالفت دارند.

پنالتی سرنوشت ساز شد

کمیته فوتبال اروپا با تصمیمی تازه اعلام کرد از این پس دیگر در فینال مسابقات جامهای قهرمانی و حذفی باشگاههای اروپا، دیدار مجدد انجام نخواهد شد و اگر دو تیم فینالیست در پایان وقت اضافی و وقت اضافی به نتیجه مساوی رسیدند، بآزاد پنالتی سرنوشت تعیین میگردد.

سال پیش دیدار پاریس مونپیه (المانترسی) و انکتیکو مادرید (اسپانیا) در فینال مسابقات جام قهرمانی باشگاههای اروپا پس از وقت اضافی ۱-۱ مساوی تمام شد و ۲ روز بعد در بازی مجدد پاریس مونپیه به پیروزی دست یافت.

۴ سال قبل نیز جلسی (انگلستان) در فینال تکراری جام حذفی باشگاههای اروپا را تصاحب کرد.

کارپف، اسپاسکی را

شکست داد

بازیهای امسال اسپار تاکیاد شوروی که از چندی پیش در مسکو پایتخت این کشور آغاز گردیده، در دیدارهای شطرنج شاهد پیکاری جالب و جلب کننده بود که در آن آناتولی کارپف و بوریس اسپاسکی چهره‌های نامدار جهان برابر یکدیگر قرار گرفتند.

کارپف در حال حاضر صاحب عنوان قهرمانی جهان میباشد و اسپاسکی در گذشته این مقام را در اختیار داشت که در سال ۱۹۷۲ با شکست مقابل «بابی فیشر» آمریکایی آنرا از دست داد.

پیکار اخیر کارپف - اسپاسکی با پیروزی کارپف همراه بود، ضمن اینکه این اولین مسابقه بزرگ‌تری او بعد از رسیدن بعنوان قهرمانی جهان بحساب میآید.

بازیهای اسپار تاکیاد مسابقات قهرمانی شوروی است که در رشته‌های مختلف که با اجتماع در یک محل برگزار می‌گردد.



رقص سیاه در ویمبلدون

رسم است که هر بار پس از پایان مسابقات تنیس ویمبلدون «انگلستان» میهمانی بزرگی ترتیب می‌یابد که در آن تمام بازیگران و دست اندرکاران مسابقات شرکت دارند و باز هم رسم است رقصندگان دور نخست، فاتحین دیدارهای انفرادی مردان و زنان باشند. و امسال برای اولین بار در تاریخ برگزاری این بازیها یک سیاه رقص را با یک سفید پوست آغاز کرد.

«آرتوراش» تنیسور سیاهپوست آمریکایی که با شکست «جیمی کونورس» مهره برتوان هموطنش بعنوان قهرمانی دیدارهای انفرادی مردان دست یافت اولین سیاهی است که فاتح جام ویمبلدون میشود.

«اش» در سال ۱۹۴۳ در ریچموند آمریکا بدنیا آمد و دوران تحصیلی خود را با موفقیت بپایان برد که بالاترین مدرک تحصیلی او دریافت لیسانس دانشگاه کالیفرنیا بود.

از سال ۱۹۶۹ به تنیس حرفه‌ای روی آورد و بزودی در شمار چهره‌های بزرگ این ورزش قرار گرفت و تصاحب جام امسال ویمبلدون بزرگترین نشانه افتخار در ورزش برای او تا بحال بشمار میآید.

در مسابقات تنیس حرفه‌ای که از آغاز سال ۱۹۷۵ در آنها شرکت کرده تا بحال ۱۶۵۱۹۴ دلار (۱۱۵۶۳۵۸۰ ریال - هر دلار ۷۰ ریال) درآمد داشته است.

عکس آرتوراش را هنگام رقص در میهمانی ویمبلدون با بیلی جین کینگ هموطنش که فاتح دیدارهای انفرادی زنان شد، نشان میدهد.



شکست قهرمان جهان

داد.
این مبارزه در «برلین» آلمان غربی برگزار شد و مشت زن آلمانی در روند هشتم حریفش را ناک اوت کرد.
در عکس «اکهارداگه» قهرمان تازه بکس دسته میان وزن جوانان جهان پس از پیروزی بر حریف اسپانیایی اش دیده میشود.

«خوزه دوران» مشت زن اسپانیایی که عنوان قهرمانی بکس دسته میان وزن جوانان جهان را در اختیار داشت، با شکست در مبارزه برابر «اکهارداگه»، از آلمان غربی مقام خود را از دست داد.

رکوردهای جهانی تازه

نیز آلمانها خلق یک حدنصاب تازه در دو و میدانی جهان شدند. کریستین کراوسه - داگمار فوست - آمریکا وینستین والکه بارت این مسافت را در مدت ۳ دقیقه و ۲/۴ ثانیه دویدند و رکورد جهان را شکستند.
در مقابل ۲ رکورد شکنی دختران آلمانی، در قسمت مردان تیم ۴×۴۰۰ یارد آمریکا موفق شد یک رکورد تازه جهانی بجای گذارد.
آمریکائیا حدنصاب ۳ دقیقه و ۲/۴ ثانیه را برای پیموون این مسافت بدست آوردند که این زمان از رکورد گذشته جهان ۴/۰ ثانیه سریعتر است.
حدنصاب قبلی در اختیار تیمهای تربینداد و توباگو بود.

در تورنمنت سه جانبه‌ای که با شرکت تیمهای دو میدانی مردان و زنان آمریکا - منتخب آفریقا و آلمان غربی در کار ولینی شمالی «آمریکا» انجام میگردد، طول دو روز نخست دیدارها چندین رکورد جهانی تازه بجای گذارده شد.

در دو ۴×۱۰۰ یارد تیمی زنان، چهار دوندۀ تیم آلمانی اینک هلتن - بیرکت ویلکس - انگرت کرونیگر و مارن گانگ با دویدن این مسافت در مدت ۴۴/۲ ثانیه رکورد جهانی تازه‌ای بر پا کردند.
در دو یک مایل تیمی (۴×۴۴۰ یارد) زنان



مبارزه بخاطر مردم!

که من میخواهم یا تو مبارزه کنم خواست و علاقتندی مردم جهان است. زیرا هرجا که میروم از من سوال میکنند: کی با جوفرزیر مبارزه خواهی کرد؟

مبارزه سوم علی - فریزیر قرار است طول همراه آینده در مانیتلا پایتخت فیلی پین انجام گردد و بطوریکه گفته شده، چهره پیروز این دیدار با «جورج فورمن» بیکار خواهد کرد.
در دو مسابقه قبلی بیکار فریزیر و بیکار محمدعلی با امتیاز به پیروزی دست یافته‌اند و باید دید این بار هم «محمدعلی» قادر است مقام قهرمانی بکس دسته سنگین وزن جهان را در مبارزه برابر فریزیر حفظ نماید؟

سروصدا و جنجال براه انداختن در اطراف مبارزه سوم محمدعلی و جوفرزیر برای بلیط فروشی و درآمد بیشتر آغاز شد و دو حریف اولین برنامه گفتگوی مطبوعاتی مشترک خود را در نیویورک برپا کردند.
در این مصاحبه مطبوعاتی که طبق معمول با حرفانی و هیاوهی «محمدعلی» همراه بود از مسائل مربوط به مسابقه صحبت شد که البته در ضمن «محمدعلی» نظیر همیشه در زمینه‌های مختلف حرف می‌زد و برنامه تبلیغاتی خود را اجرا می‌کرد.
محمدعلی به فریزیر می‌گفت: تنها دلیلی



ایلی ناستاس شیطان!

و از شیرینکاریهای ناستاس خیلی مواقع میتوان چیزهایی دید و یا شنید و اینهم یکی از کارهای تازه آقای ناستاس در حاشیه مسابقات است که برای رهایی از افساب صندوق خط نگهدار مسابقه در کنار زمین را بعنوان چتر روی سرش گرفته است!

«ایلی ناستاس» تنیسور معروف رومانی ضمن اینکه یکی از بهترین بازیگران تنیس جهان بشمار می‌آید، در عین حال از شوخ‌ترین و اگر به سن و سالش جور بیاید باید گفت از شیطان‌ترین ورزشکارها نیز هست!

طرح ژاپنی برنده شد

«فوکودا» از ژاپن بعنوان بهترین انتخاب شد. البته کمیته برگزاری بازیها تدارک بیاباز فرستان ۶ سری سکه را دیده است که طرحهای این ژاپنی مربوط به چهار سری آن می‌شود و در باره ورزشهای فوتبال - هوکی روی چمن - بکس و شمشیر بازی است.

تا پیش از این نیز کانادائیا سکه‌های تهیه کرده‌اند که طرحهای آنها ساختمانها و تاسیسات المپیک است و سری‌های تازه سکه‌ها در مورد ورزشها میباشد.

کمیته برگزار کننده بازیهای المپیک ۱۹۷۶ مونترال کانادا اعلام کرد یک ژاپنی بنام «فوکودا» برنده مسابقه طرح ریزی برای سکه‌های این بازیها گردیده است.
کانادا که قصد دارد یک سری سکه بمناسبت بازیهای المپیک آینده تهیه نماید، چگونگی شکل و طرح پشت و روی سکه‌ها را به مسابقه گذارد که صداها تن طراح از نزدیک به ۵۰ کشور در آن شرکت کردند و بالاخره کار



شادی خانوادگی

آمریکائی ۷۱-۷۲ از سد او گذشت.
عکس «واتسون» را با جام قهرمانی گلف بریتانیا در حالیکه همسرش نیز در شادی او شریک شده، نشان میدهد.

در تورنمنت گلف بریتانیا که در اسکاتلند برگزار گردید، «تام واتسون» گلف باز آمریکائی عنوان نخست را تصاحب کرد.
رقیب بزرگ «واتسون» در راه کسب مقام قهرمانی «جک نیوتون» از استرالیا که بازیگر

چک‌ها انتقام سال پیش را گرفتند

تیم «ب» هم فدای سیاست غلط «اوفارل» شد

گلاس اکسپورت ۱- امید ایران صفر

ورزشگاه اریلمهر - یکشنبه ۲۹ تیرماه ۱۳۵۴ (جام ایران، دوره دوم - دیدار پایانی) امید ایران صفر - گلاس اکسپورت چکسلواکی ۱ (پان توروفسکی در دقیقه ۹۷ داورى نسبتاً ضعیف استع از لهستان، کمک داوران: محسن زمانی (ایران)، مجرم (از مصر)، هواگرم، زمین نسبتاً خوب، تماشاگر حدود ۶۰ هزار تن.

ارزش بازی ***

امید ایران: حسین راغفر - علیرضا قضاویی، بیژن ذوالفقارنسب (کاپیتان)، جوادالله وردی، مهدی دینورزاده - مانیس میناسیان، حسن نظری، ابراهیم قاسمپور - اسماعیل حاج رحیمی پور، حمید شهبازی (از دقیقه ۷۴، جاوید جهانگیری)، محمد دستجردی، مریم فرانک اوفارل.

باشگاه گلاس اکسپورت چکسلواکی: ژیری سدلچک (کاپیتان) - یارومیر میکسا، ولادیمیر چرماسک، - فرانیشک فرانک زدنک کویسک - زدنک پخیز، میروسلاو ماچاسک، یاروسلاو ملیخار - یان توروفسکی، ژوزف وویوودا، زدنک بوریانک (ژیری ژیشک از دقیقه ۶۹ و بعد پرمیسل بیچوفسکی از دقیقه ۸۰).

از تیم «ب» ایران که بیشتر نشان جوان بودند، پیش از اینهم انتظاری نداشتیم و همین که نتوانستند نایب قهرمان این جام باشند، خودش حرفی است، اما شکست آنان در دیدار پایانی، و شیوهی مقابلهی آنان در مقابل چک‌ها که آخرین حریف آنها بود و با توجه به مسائلی که در تفسیری جدا آمده است، یکبار دیگر ثابت شد که «اوفارل» نه تنها در انتخاب و دعوت بازیکنان به اردو مرتکب اشتباه شد، او حتی در نحوهی تقسیم بازیکنان اردو به دو تیم با تجربه (ام‌لی الف) و جوانان یا امیدها (ام‌لی ب) نیز بی تدبیری نشان داد و در کمال تعجب، با آنکه بهترین تیم جام، امید شوروی، را به حریفی یک بازی هجومی مداوم و جنگ در همه‌ی نقاط مغلوب کرده بودیم و رمز پیروزی در آن دیدار را با شهادت و دلیری بازیکنان جوان خود یافته بودیم، در مقابل چک‌ها سبستنی را برگزیدیم که همه‌اش دفاع و «خانه نشینی» بود تا مگر رزق و روزی را یکی از دخیز باقی‌الباب بما ارزانی کند. چک‌ها که در هر سه دیدار پیشین خود گلپاشان را با بازیگری و «حسابگری حرفه‌ای» زده بودند با استحکام و روانی بازی خود، این بار هم با یک حیل‌ی خوب که از ناخنکی و جوانی تیم ایران سود برده بودند، تنها گل خود را زدند و چنانکه شیوهی تیمهای حرفه‌ای است و گلاس اکسپورت

در آن استاد، انرا در بقیه اوقات حفظ کردند. با تمام اینها میدانستیم که همین تیم حسابگر، حرفه‌ای و موزی، هر گاه که در مقابل حملات مداوم حریف به تله می افتد، هراسناک و شایگر و حتی بی هدف بدفع توپ میردازد و این را شاید بدلیل ضعف تکنیکی که بر تیم گلاس اکسپورت حاکم بود، باید بدانیم و در دیدار نخست مقابل تیم الف ایران، مقابل روس‌ها، پس از گلی که زده بودند و مجبور به تحمیل حملات حریف شدند و نیز در برابر لهستانیها از این تیم دیدیم، با این وجود، تنها با یک مهاجم، حمید شهبازی به جنگ این تیم رفتیم و دیگران را در بند یک تاکتیک دفاعی همه جانبه اسیر کردیم و اگر منطقی و دور از هر گونه حس و بغض به دیدار پایانی تیم جوانان خود بنگریم می بینیم که یک پیروزی قابل دسترس را، با تکرار شیوه‌یی که در مقابل روس‌ها مقبول نینمود و در این دیدار بی هوته از دست دادیم که بحث جامع را به تفسیر دیگری که بر احوال این جام داریم، می گذاریم و به گزارش صحنه‌های حساس دیدار سر نوشت میردازیم.

گل مردود!

چک‌ها که بماندن پیش سه مدافع پارگیر و یک مدافع پوششی (شماره ۳) داشتند، فرانتی شک، را همه جا بدنبال شهبازی و اغلب مامور مهاجمی که در نوک حمله ایران صاحب توپ میشد کرده بودند و او وظیفه داشت که پیشاپیش خط دفاع هر خطری را که از روبرو میاید خنثی کند و چون دستجردی و حاج رحیمی پور، در میانه‌ی میدان بدنبال توپ بودند، او آسوده شهبازی را چون سایه تعقیب میکرد و از کار می انداخت، تعجب بیشتر در این بود که با ۵ مردمانی خود، حریف هر گاه که صاحب توپ میشد، بسیار آسان و بی دغدغه خود را به محوطه جریمه میرسانید و دلیل آن آشکار است که مردان واقعی در این منطقه، خودنمایی مقابله و جنگ تدافعی، به عقب می نشستند و کار سنگین شکستن این حملات را به خط دفاع

وامیگذازدند و الحاح که خط دفاع، بویژه ذوالفقارنسب که باید یکی از بهترین مدافعان این جام در نزد خود و غریبه از او نام برد، این موج هجومی را شکستند.

جای شکرش باقی بود که بیچوفسکی، کاپیتان و مرد قهار تکنیکی حریف در این روز بیمار بود و فقط ۱۲ دقیقه میدان آمد و گرنه او و توروفسکی که زنده‌ی گل قهرمانی تیم خودشد، با وضع تسلیم پذیر و دفاعی که بخود گرفته بودیم، شاید زود تر تیم خود را صاحب جام میکردند و نیازی به وقت اضافی هم نبود دلیل ما برای آنکه خود، دستی دستی، جام را به حریف دادیم این بود که تیم ایران، پس از گل حریف، با همه‌ی جوانی، شتابزدگی و خستگی ۱۰۰ دقیقه بازی، چند بخت گل داشت و حریف بارها تسلیم پذیر مینمود و این را با تجربه‌ای که از پیش داشتیم و در چند دقیقه پایان که در این دیدار ازوادمیم، میتوان قبول کرد.

درد نیم مادر این روز تنها خط میانی و مدافع چپ که راه حملات موفق چک‌ها بنظر میرسید، نبود زیرا حاج رحیمی پور و دستجردی هم بار ها با خود سری و فردگرایی، راه پیش تاختن را از خود گرفتند، چنانکه حاج رحیمی پور خود در ۳۰ دقیقه نخست بازی دوبار با دو ضد حمله صاحب توپ شد و بجای حفظ توپ و تدبیری شایسته تر، با دریل های ریز و مبارزه طلبی های بیجا تسلیم تنها مدافع روبروی خود شد و فرصتهای خوبی را بدلیل حریف آزاری از دست داد.

استعج داور لهستانی هم در این روز قضایوتی نامتعادل داشت، نخست آنکه خشونتهای هر دو تیم، بویژه چک‌ها را نادیده میگرفت و حتی از یک تذکر خشک و خالی هم ابا داشت چه رسد به نشان دادن کارت زرد یا قرمز، همین داور در دقیقه ۳۴ با آنکه خطای مدافع چک را روی دستجردی گرفت و هنوز مدافع روسی درون محوطه جریمه خشکش زده بود، با کمال شهامت! توپ را چند متر بیرون تر از خط هیجده قدم

کاشت و خیال همه را راحت کرد و خود را از «شر» یک پتالتی نجات داد! او که شاید گل دقیقه ۳۶ چک‌ها را هم به همین دلیل قبول نکرد و پریم کمک داور را بهترین مدعا آورد، خطایی را که موجب یک ضربه‌ی غیر مستقیم و گل پیروزی تیم چک شد، به اشتباه از ذوالفقارنسب گرفت در حالیکه قضیه درست بر عکس بود و چک مزاحم ایرانی شده بود.

گل موزیانه

تنها حادثه مهم نیمه نخست را باید همان ضربه آزاد چک‌ها یاد کرد که «ملخار» هراسناک از ۳۰ متری بدروازه کوبید و در حالیکه همه چشم به این شوت زبیا، سنگین و استثنایی دوخته بودند و دروازه تیم ایران را فرو ریخته، پریم کمک داور ایران (زمانی) نشان از یک افساید نزدیک آمیز داد. زمانی با قاطعیت معتقد بود که بهنگام زدن ضربه دو بار چک‌ها سراز بشت ستون دفاعی در آورده بودند ولی خیلی ها این را قبول نداشتند!

نیمه دوم بازی هم چندان پر حادثه نبود و چنانکه در ابتدا یادآوری شد، عبور از دیوار دفاعی تیم ایران تقریباً غیر ممکن بنظر میرسید و عقب نشینی مهاجمان و مردان میانی، جوانان ما را نیز از دسترس بدروازه حریف دور میساخت، با این وجود یکبار ضربه سر شهبازی که روی ضربه بلند دستجردی از راست بدروازه کوبیده شده بود بدست مدافع چک برخورد کرد که معمول و قانونی، حکم پتالتی نداشت.

اما در همین نیمه، باز روی یک ضربه آزاد از ۳۵ متری و دربروی دروازه، ملخار، چنان شلیک وحشتناکی کرد که همه از جا برخاستند و راغفر با یک پرش خوب و بازتاب حیرت انگیز، انرا از زیر دیرک افتی به مرکز فرستاد.

در یک دیدار کم حادثه که دو تیم احتیاط را شرط اصلی میدانستند، ۹۰ دقیقه چنین گذشت و سرنوشت به وقتهای اضافی افتاد که موزیگری حرفه‌یی بر بی تجربگی و خامی جوانان ما غلبه کرد و «توروفسکی» که در کنار صف مدافعان ما منتظر



توروفسکی ناقوس خطر را مینوازد، راغفر تسلیم دوباره مکار چک‌ها شده و بجام به چنگ تیم باشگاهی گلاس اکسپورت چکسلواکی می افتد (اینجا گل پیروزی برای چک)

امیدشوروی ۲- امید لهستان صفر

ورزشگاه آریامهر - یکتبه ۲۹ تیرماه ۱۳۵۴ (جام ایران - دوره دوم - دیدار رده بندی)
امید شوروی ۲ (دقیقه ۷۷، ولادیمیر گوزایف - دقیقه ۸۳، پیتراسلوبودیان) امید لهستان صفر - داوری نسبتا خوب محمد صالحی - کمک داوران: بهمن پهلوی و رحمانیان. هوا گرم، زمین چمن نسبتا خوب. تماشاگر حدود ۴۰ هزار تن. ورزش بازی ***

شوروی، ۵ هزار دلار نازشست گرفت!

لهستان مبلغ پاکی و اصالت روح ورزش بود

بنالشی و در پشت دفاع، توپ را به بیرون زد! با این وجود همین بازیکن سازنده گل نخست تیم خود شد و هنگامیکه در دقیقه ۷۷، در جناح راست توپی را از «کوالف» و از سمت چپ دریافت کرد، محکم بدروازه کوبید، «فیشر» آنرا برگرداند و در حالیکه مدافعان، همه تردید داشتند «گوزایف» در زاویه بی محدود و از جناح راست بدروازه کوبید و فیشر را با همه سرسختی تسلیم کرد.

«فیشر» که در حال حاضر یکی از کاندیداهای مسلم تیم ملی است، شش دقیقه بعد به گل آسان دیگری تن درداد و اسلوبودیان را که تازه وارد بود به یک گل غیر منتظره میهمان کرد. بازیکن روسی از جناح چپ و بی مزاحم راه طولانی را با توپ پیمود و هنگامیکه به ۱۵ متری دروازه رسید، بدروازه کوبید. فیشر بجای هر عکس العملی پای خود را حواله‌ی این توپ کرد و توپ بی تاثیر این مانع به خانه‌های تور اویخت. اسلوبودیان، چیزی نمانده بود که گل دیگری هم بزند ولی شلیک سر ضرب او روی پاس کوالف به پهلوی دروازه خورد.

با این پیروزی، شورویها که امید یکم قهرمانی بودند به مقام سوم رضایت دادند و لهستان چهارم شد.

کم اثر و ملایم لهستانها همچون موجهای ظریف یک دریا بود که روی ماسه‌ها غلت میخورد و پس می‌نشست. تا آنکه یک ضربه آزاد توسط تومینسکی، هافبک راست لهستانی، رادایف، دروازه بان شوروی را بشدت تهدید کرد و او بسختی آنرا در گوشه راست دروازه متوقف کرد. تیم شوروی هم در اواخر این نیمه یک بخت دیگر بدست آورد و این بار شوت دور بوکفیسکی، مدافع چپ شوروی بود که فیشر آنرا با شیرجه بی بلند و با نوسیدی تمام از کنار پایه دیرک عمودی به کرنر فرستاد.

لهستانها تا پیش از گل شوروی دوبار دیگر هم میتوانستند طعم گلهای پیروزی ساز را بچشند که اولی را در دقیقه ۵۰ با شوت سنگین پاولوفسکی، گوش راست، باید یاد کرد که رادایف بزحمت آنرا از گوشه دروازه بیرون کشید و دیگر بار که در دقیقه ۶۲، کمیچک، بار تازه وارد، یک تنه با چند دریسل خوب بدرون محوطه جریمه خزید ولی ضربه بی دقت او از کنار دروازه خالی بیرون رفت.

روس‌ها نیز پیش از گلهای خود، میتوانستند دروازه لهستان را دو مرتبه دیگر هم فروریزند که هر دویار کورننین، زنده گل پیروزی به تیم الف ایران، از درون محوطه

پاکی و اصالت روح ورزش بود، یک نیمه را به تعادل و ملایمت سیری کردند و در واقع همه چیز را بیاد تقدیر سپرده بودند، اما در وقت دوم، به جاشنی خسوت و به نیروی دو تازه وارد، که یکی از آنها گل دوم تیم خود را هم زد، و نیز با میلی فراوانتر برای پیروزی، سنگینی وجود خود را بر حریفان جوانمرد خود تحمیل کردند.

در واقع، لهستانها که آماتور متشانه در پی یک بازی بی غل و غش بودند، آغاز گر یک حمله‌ی جدی شدند و هنگامیکه نفوذ آنها از سمت راست ادامه یافت، [تومینسکی] آنرا بدروازه کوبید که توپ درون محوطه جریمه با دست مدافع برخورد پیدا کرد اما گمان بنالشی را داور با بی تفاوتی از سر لهستانها که دستهایشان را بقصد بنالشی بلند کرده بودند، دور ساخت، درست در همین دقیقه، که نخستین ۶۰ ثانیه‌ی شروع بازی بود، روس‌ها یکی از بهترین فرصتها را از دست دادند و گوزایف که یکی از با تکنیک ترین بازیکنان تیم خود بود، درون محوطه جریمه باس بلند کورننین را روی سینه مهار کرد ولی از فاصله هفت متری آنرا بیالای دروازه زد!!

حملات منظم

شوتهای ناتوان روسها و حملات منظم ولی

امید شوروی: ویکتور رادایف، الکساندر دامین (کاپیتان)، واسیلی ژوپیکف، الکساندر بوکوف، ویکتور بوکفیسکی - بوری پودیشف، خورن اوگانسیان (از دقیقه ۴۶، آنتولی دوروشنکو، بوری اچم (از دقیقه ۴۶، پیتراسلوبودیان) - ولادیمیر گوزایف، بوری کورننین، بوری کوالف.

امید لهستان: اندرژه فیشر - اندرژه دمکو (کازیمیرز کمپچک، از دقیقه ۲۵)، میروسلاو بولزاک، زیگمیت پلازفسکی، ووی سیچ رودی - والدیمیر تومینسکی، ناتو، لازاک فولسکی - تاداوژ پاولوفسکی، رومان اوگاژا، ویتولد، کاراش، کاپیتان (از دقیقه ۸۱، مارک کوستو).

با آنکه گرما هر دو تیم را از بادر آورده بود و زمین دم کرده و هوای نمور چمن با گرمای سرجی مانند برای هر دو تیم اروپایی کشنده بود، روسها که بخود حق میدادند، صاحب ۵ هزار دلار جایزه‌ی مقام سوم باشند، نتیجه را بردند و با ۲ گلی که در دقائق آخرین این دیدار زدند، در سکوی سوم ایستادند. ابتدا گمان میرفت که روسها پس از شکست از تیم امید ایران، بی اعتنا و بی تفاوت به دیدار تیم لهستانی آمده باشند و بدین روی در مقابل حریف صبور و جنتلمن خود که هرگز یک خطای عمد نداشت و در این جام یکی از مبلغان

متری بدروازه کوبیده شد. از جند میلیمتری روی دیرک آفتی به خارج رفت.

در حقیقت، مردان جوان و کم تجربه‌ی ما تسلیم یک شیوه‌ی دفاعی غلط و یک فونبیل حرفه‌ی نداشتند! جک‌ها بدینگونه انتقام شکست یارسان را گرفتند، جام دوم را و ۱۵ هزار دلار جایزه را بردند و جوانان ما مدالهای نقره و ۱۰ هزار دلار جایزه را برای شهادت و دلیری خود، بدست آوردند.

دارکشت تورا در کنار پایه دروازه مهار کرد. بار سوم سه دقیقه بیابان بازی بود که دستچردی باز پس از حرکات انفرادی حاجی و برخورد توپ به سد گونشی دفاع، توپ بپایش رسید ولی شلیک بی دقت دستچردی از کنار دروازه گذشت!! درست یک دقیقه بیابان که دلهره بر اعصاب ۶۰ هزار تماشاگر جنگ می انداخت، قاسمپور از جناح چپ، خادنه ساز شد و با سماجت توپ خوبی روی دروازه فرستاد. اما ضربه‌ی بغل یا ولی سنگین میناسیان که از ۱۲

گلهای مساوی داشتیم، نخست در دقیقه ۱۰۳ که حاج رحیمی بود، درون محوطه بنالشی، بی تعادل سمت راست دروازه را نشانه گرفت و سد لاجک که انجا کمین کرده بود، شوت کم قدرت او را مهار کرد.

دومین بار یک دقیقه بعد بود که حاجی یک تنه از توتل سه مدافع گذشت و هنگامیکه شلیک او را برگرداندند، دستچردی از ۱۰ متری بدروازه کوبید که سد لاجک این بار هم با شیرجه‌ای بلند و

ضربه آزاد و پاس مانند یاران خود بود، از بی توجهی و تردید آنان سود برد و توپ را به ۶ فنی دروازه پیش کشید و راغفر را با محمل تلاش مغلوب یک ضربه‌ی مستقیم و دقیق در گوشه چپ دروازه کرد. در واقع این یک گل مفتی بود که تیم امید ایران خورد. مراقبت از توروفسکی که در چنین مواقع معمول است، شکستی چنین را پیش نمی‌آورد.

پس از این گل، تا پایان ۱۲۰ دقیقه، در مدتی کوتاهتر از ۲۰ دقیقه چهار فرصت عالی برای



گل پیروزی ایران در نیمه نهایی، شهبازی بموقع خود را به این توپ رسانید و از بین چند مدافع توپ را صاحب شد و کلید پیروزی تیم «ب» را بدست گرفت (این گل سرنوشت ساز تیم امید بود)

وقتیکه بجای دونه علف سبز میشود!

ورزش‌هایی همانند دو و میدانی و ژیمناستیک که مادر ورزش‌شان میخوانند، و میگویند، بایستی کلید رمز موفقیت و کامیابی و سازندگی را در بدن این مادران فلک زده جستجو کرد. در خطه مازندران سرنوشت‌های عجیب و غریب دارد، که بازگفتنش سهل نیست. نه زبانی فصیح و بیانی رشیق و بلیغ نیاز دارد، و به قلمی روان و سیوا. اغلب جوانان مازندرانی با این مادران تامانوس و پیگانه‌اند، در حالیکه از قدمت ورزش بایه در ایران بیش از ۴۰ سال میگذرد.

ما بجای اینکه از کلمات، و از همه مازندرانی سخن بچمان آوریم، بمصادق مشت نمونه خروار، یکی از بهترین و بزرگترین شهرهای این خطه را مثال می آوریم، که امل نام دارد: «در شهر بر نفوس امل، بی توجهی و بی حرمی به «مادر» ورزشها، پیدا میکند. کوچکترین امکانات را در اختیارش نمی نهند، و ژیمناستیک هم در ردیف این مادر ستمدیده قرار دارد: کوچکترین وسایل ژیمناستیک در امل به کیما می ارزد! یک «نیمچه» ژیمناست هم وجود ندارد، که نوی انواع رقابت‌ها، برجم خوابیده ژیمناستیک این شهر را بدست او بدهی، تا دیگران تصور نمایند، املی‌ها هم ژیمناستیک را می شناسند.

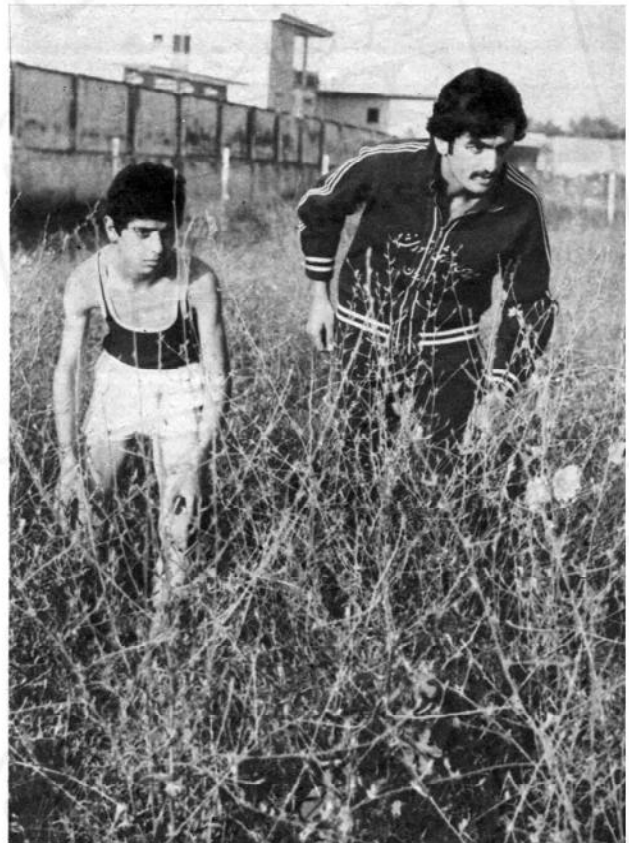
و جالب اینجاست، که باز این سکوت با سنگین‌ترین سکوت فدراسیون دو چندان غیر قابل تحمل شده، و انگار نه انگار که چنین موضوعی در امل و یا همشاهای امل در خطه مازندران وجود دارد!!

یکی از بهترین بیستهای دو و میدانی ایران را املی‌ها در اختیار دارند که بفرار اطلاع در زمان ریاست آقای، ایزد تناه با بودجه‌ای بیش از ده هزار تومان از نوع سنگ بوکه‌ای ایجاد گردیده است. ولی تعجب اور و تاسف انگیز اینکه، شمار دوندگان املی از انگلستان دو دست کمتر میبایند، که فقط

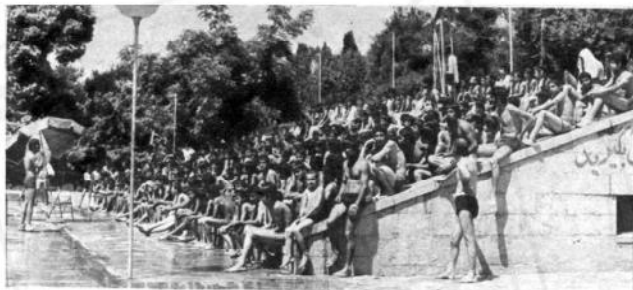
سالی یکبار - در روز فرخنده چهارم آبان - رنگ مسابقه را در داخل شهر بخود می بیند، و این خود، یکی از دلایل عمده جدایی جوانان با بیست و ورزش دو و میدانی است. بیست بی همشای مازندرانی، بجای آنکه شاهد «رویش» و برویش نهال‌های امید بخش دو و میدانی باشد، اکنون در همه جای آن علف سبز شده و مرغزاری است جالب برای احتشام و چنگلی است بی همتا در نوع خود. در همین بیست امل، خارهایی وجود دارد، به ارتفاع بیش از یک متر، که به سیم خاردار میتوان تشبیه‌اش کرد. جمعی از جیره‌های برتر دو و میدانی این شهر، از جمله غلامرضا واعظ زاده عزت اله شعبانی، سهراب روزبهانی، کیومرث پدر افشان ضمن گفتگو و درد دل، با همکار ما گفته‌اند، که جوپار دو و میدانی امل، با وجود یادگارهای بزرگی بمانند نصراله صدرزاده، گودرز گودرزی، شعبانی و واعظ زاده بزودی تبدیل به مرداب خواهدشد. زیرا که کم علافگی و بیگانگی مسئولان امر با جوانان و دوستداران دو و میدانی، پرمجه‌ای رسیده که حتی برای یکبار هم شده، مسابقه‌ای تشویقی یا انتخابی برگزار نمی نمایند.

هر وقت هم نامه‌ای سرگشاده به تربیت بدنی نوشته‌ایم، یا مکررا رجوع کرده‌ایم، عوامل حیات برای یک هفته سر و کله شان پیدا شده، و بعد حب جیم را خورده‌اند! و وضع بشکل سابق برگشته است.

شاید باور نکند، ولی این حقیقت دارد که برای حضور در مسابقات تشریفاتی و یا استانی (سالانه یکبار)، دوندگان انتصابی نامزد پوشیدن پیراهن امل می شوند، و بقیه بایستی بروند، بی کار خود و از جمله: «توقف در سر چهار راه»، «های خدا چکنم»، برسه زدن در کوچه و خیابان» و از این دست کارها...



اینجا بیست دو و میدانی امل میباشد که ۱۰ هزار تومان در چند سال پیش خرج برداشته است واعظ زاده قهرمان املی را همراه محمد جابر حین تمرین در جنگل خارها ملاحظه می کنید.



مریی شنای هیات شنای فارس هنگام تعلیم روشهای تنوری برای جوانان در استخر حافظیه شیراز: کاس این صحنه در همه شهرها تکرا تصویر و تکرار می بند...

گرما، شنا و صدای متضاد

محبت مسئولان باسگاه نیست به غیر «کارگران، باسخگوی مراجعین نیست و گاهی گرم‌زادگان، نشنه از لب آب بر میگردند.

از سوی، رنگ خطر برای شناگران اراکی با خفگی یک جوان در استخر بارک شهر بعدا در آمد که بایستی بیدار بود، و به مسئولان امر هشدار داد که اگر این «آب نماغ» را به استخر تبدیل کرده‌اند، باید بفکر مریی و یا نجات غریق هم باشند...

*** دزفولی‌ها نیز میگویند، جز جوانان و نوجوانان غیر دانش آموز، بیش از ۵۰ هزار دانش آموز دبستانها و دبیرستانها از آغاز تعطیل مدارس و بر اثر بیکاری بستوه آمده‌اند، مگر پناهگاه و تفرجگاهی تابستانی ندارند، مگر رودخانه خروشان «دز» که گرما زدگان ۲۷ درجه بالای صفر را پذیراست ولی خشم امواج رودخانه و فرو رفتگی صخره‌های سیاهی که کنار رودخانه قرار دارد و شناگر را می بلعد جوانان را تهدید میکند و خدای نکرده، ممکنست حادثه غرق یکی از بازیکنان تیم واترپلو دزفول که پارسال رخ داد، تکرار شود.

و جان کلام اینکه، در یک شهر با تماشای زیبایی‌ها و سالم سازی‌هایی که در استخرها شکل میگیرند، آدمی در موج لذت بخش و غرور انگیزی غرق میشود، و یکجا، با دیدن و شنیدن اینگونه تارسانی‌ها و کم بودها و بی توجهی‌ها، تاسف میخورد، و چقدر دلپذیر خواهد بود، که ما در تقسیم امکانات و بودجه‌ها مسئله «داشتن» و «نداشتن» شهرها را هم با یکدیگر مقایسه کنیم، تا سرور شادی بچه‌های شهری مانند شیراز، با دیدن و شنیدن جوانان شهرهای فوق‌الذکر، از زوایای آذهان آدمی پاک نشود. به امید آن روز...

الگوی روستایی، برای بااستخوانها



طهماسبی واگذارنده زمین

سند زمین واگذاری به تربیت بدنی را هم به تأیید و امضای بهشتاد «گندمان» بروجن رسانده و به شهر فرنگی ارسال داشته است. بزرگواری و فداکاری او را سیاست می‌نهم، و عکس او را برای عبرت آدم‌های استخوان دار تر چاپ میکنیم، اقاما سپاسگزاریم و بسهم خود همیشه ممنون.

در ره منزل لیلی چه خطر هاست بچان! «شرط اول قدم آنت که مجنون باشی» این یکی دیگر، مقایسه نسخه «پنج» فلان مریی گرانقیمت فرنگی با نسخه «پنج» مریی وطنی نیست، تا لای چرخ، چوبی بگذاریم، و مسئله یا مسائل را زیر سبیلی، و به بهانه‌های مختلف «در» کنیم.

این مقایسه‌ای است انسانی، برای شناخت تفاوت آنکس که بچه‌اش را از نزدیکی با عالم ورزش بر حذر میدارد، و البته پنداندنی و نا آگاهی، و فرق آنکس که در روستای «بلدچی» از توابع شهرستان بروجن (استان چهار محال و بختیاری) زندگی میکند، و در این سن و سال، و در آن روستای گنم و ناشناخته، درد دل بچه

های بی پناه و بی زمین و بی وسیله و بی امکانات را در «شهر فرنگ» میخواند، و طی صورت جلسه‌ای چهار هکتار زمین خود را به قیمت آب خوردن در اختیار تربیت بدنی منطقه میکذارد، تا برای بچه‌های روستای زمین و استادیوم ساخته شود. او، الهوردی طهماسبی نام دارد که فتم کبی



یاران اینهفته: تقی صومسی محمد قدوسی (اراک)، جمشید (رشت)، منصور سپهری (شیراز)، حمیدی (آمل)، احمد لطیف پور ناصر نیک (بندرپهلوی)، (دزفول).

خوانندگان پذیرائی میکنند

مژده، مژده! کمک داور فوتبال سوت میزند!

فراصدهای دروازده و محکم در آن دید! وقتی بخود آمدیم، دیدیم، با سوت او یک ضربه به تالنی منته ما گرفته اند. راستی در کجای دنیا کمک داوران سوت زده اند که حضرت آقا، دومی باشند!

سمنان - علی اکبر لیکو

دیگر خسته شده ام، طاقت تحمل اینهمه سوت های غلط و نابهنگام داوران را ندارم. اصلاً توی سهر ۷۵ هزار نفری سمنان، یک داور به عنوان الگو یافت نمیشود. هفته بیس تاج پهلوی - هما بازی داشتند. و در حالی که داور میانی بازی را اداره میکرد، بکناره کمک داور از جیبش سوت

بیجار زیر قدرت مرکز استان عذاب میکشد!

مقام فهرمانی، بناحق دورمانده رویم رفته. سندخ میزبان خوب و مهربانی برای تیم های کوچک نظیر پارس بیجار نبود. در حالیکه سال بیس مایبجارها از آقایان محسن زمانی داور بین المللی دعوت کردیم تا بر حسن جریان بازیها نظارت نمایند و نظارت او، هرچیز را با خوسی و خرمی آغاز و پایان داد. هیچ مسئله ای بیس نیامد، و حق نمی تضیع نشد. فدراسیون فوتبال با کمی فیسبرتر بیشتر میتواند. این قبیل مسائل را داور سهرستان حل کند. بسطر آنکه تمام هم و غم مسئولان بر تنظیم برنامه بازی ۱۶ تیم مصروف کردند!

مهدی طهماسبی - مدیر باشگاه پارس بیجار

سالماتست، ضربه میخوریم، لطمه میبینیم. جوروجهای سهرهای بزرگ و مرکز لرستان را تحمل میکنیم. وزیر قدرت سان عذاب میکنیم، ولی کبی نیست، که دامادها باشند. اعمال نفوذ وزورگونی مقامات و مسئولان و خلاصه همه دست اندرکاران ورزشی کردستان، باعث میشوند، که ورزشکاران، به همه گفتار و کردار و رفتار آنها اعم از نیک و بد، بدیده غناودستی بنگرند و همیشه احساس نمایند، که حق آنها تضیع میگردد. نمونه کوچکی از این تبعیض ها و زورگونی ها در مسابقات فوتبال فهرمانی باشگاههای کردستان تکرار گردیده حندی بیس در سندخ، داوربها سست پایه و فیرمایه و غرض اوده حق مسلم تیم فوتبال پارس بیجار را از بین برد، و این تیم از کسب

محض اطلاع تربیت بدنی کاشمر چاپ کنید

مدیر دادید، متشکریم، ولی درد ما خیلی بزرگتر و عمیق تر از اینهاست، حتی تعجب می کنید، اگر بگویم که بخاطر افتادن توپ در زمین یک مرد دنیا دوست، هر روز به باشگاه احضار می شویم. شهر فرنگی مجبله، خواهم می کنید: محض اطلاع تربیت بدنی کاشمر نامه مرا چاپ کنید.

خلیل اباد - محمد رضا جلالی

آقای رئیس تربیت بدنی کاشمر! جوانان شهر ۸ هزار نفری خلیل اباد هم از فرزندان این مرز و بوم هستند. درست ۳ فرسنگی شما زندگی می کنند، ولی کمترین نصیبی از ورزش و امکانات ورزشی نمی برند. عده ای از عاشقان خلیل ابادی سر به شهر شما «کاشمر» میگذارند و در باشگاهی و جایی تمرین می کنند، و خسته و غرق ریزان دوباره به زادگاه خود بر میگردند، از توپ و لباسی که به فوتبالیستهای بدون مربی و

از بیکاری «دق» کردیم، کاش مدرسه باز بود

یکماه و اندی میگذرد که تعطیل شده ایم. غلامی پدر ما را درآورده، تاس در مدرسه ما همچنان باز بود به زمین بازی میرویم. بزرگترهای پدر بما زور می گویند، و خودشان بیاری می بردارند، توی کوچه و خانه از سیکاری دی می کنیم.

هیات فوتبال آغا جاری «نارو» زد!

سرپرستان تیم ها و هیات فوتبال قرار بود، استخوان بندی تیم جوانان اغاجاری روی تیم فهرمان پیاده شود. ولی حالا کار بر عکس شده است خواهش می کنم، کارشکن ها را از ادامه وضع جاری برحذر بدارید.

اغاجاری - ایرج زیده

آقا! بازیکن تیم پیکان اغاجاری هستم. داغ به دل هیات فوتبال گذاشتیم که می خواست، تیم دیگری را در تخت فهرمانی بپاشند! نمی دانم، چه هیزم تری به آنها فروخته بودیم که وقتی، فهرمان جام ولیعهد شدیم، جام را بما ندادند! نه پاداش همه ساله را میدهند، نه جام را، و عیب تر اینکه، طبق تصویب نامه جلسه

جایزه عاشقان اتاق در بسته: پای شکسته؟!

نظر توسعه و تعمیم فوتبال، هیچ حرف ندارد. برنامه ای است، با محاسن بشمار و با جنبه های تنمائی و شیرت، ولی، در همه جا، بکسان اجرا نمیشود: در یک شهر و استان، با شکوهی غرور انگیز، و در شهر و استانی، با نقایصی غم انگیز. نظیر آنچه در رشت اتفاق افتاد:

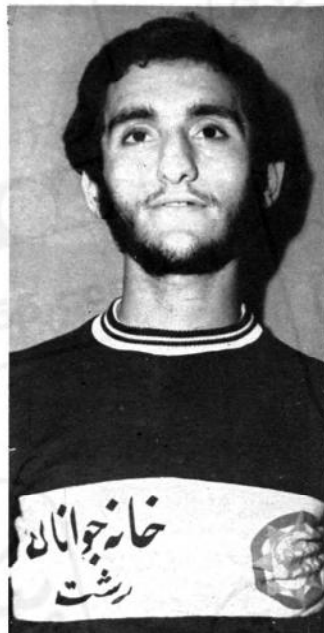
«تقی صومسی، همکار ما از قلب گیلان مطلبی درباره این مسابقات دارد، که چنین عنوانی بر آن انتخاب کرده است: بای شکسته، جایزه هیات فوتبال گیلان، برای آقای گل بازیهای جوانان رشت» و بعد، سخن از عدم تامین داور مورد نیاز برای بازیهای ۲۶ تیم میبندد، و از اهانت به داور، از کمک زن او، از نبودن بزرگ، برای آنکه بموقع و بیس از مرگ سهراب، «نوسدوره» را برسانند! و آنکه، از ناروایی های دیگر، که گفتنی نیست، ولی سگفت اینجاست در این میان، نه تربیت بدنی! خود را مقصر میدانند، نه هیات فوتبال، و علی میماند و حوضش، و مثلا، فوتبالیست مصدوم با بای شکسته و کلی بدعی به شکسته بند و بیمارستان، یا همتای او، با چشم آسیب دیده و از این دست ناراحتی ها...

«علاءالدین صادقی بازیکن سریع و خوب جوانان، در بی یک درگیری کوچک با دروازه بان پشت مصدوم شد، او که تا بیس از دیدارهای ما قبل نیمه نهایی با ۱۳ گل زده در صدر گلزنهای جام ولیعهد قرار داشت، و حتی علیرغم غیبت در نیمه نهایی، آقای گلزنها لقب گرفت، خوب نبود یک بزرگ را خورد: تنی چند که در امور بزرنگی

اطلاعی ندارند، و «بزرگ» نماد بودند، بر سر او ریختند، و شکستگی کوچک بای او را به «در رفتن زانو» بیس تبدیل کردند! بای صادقی را به بندر بالا و بایتین برده بودند که سرانجام زانوئی راستی از مفصل جدا شد! در این میان باشگاه خانه جوانان و خانواده او بیس از پنج هزار تومان بابت معالجات اولیه مضطر شدند، و این زبان و آن رنج با هنوز ادامه دارد... ولی هیات فوتبال، همچنان از ماجرا بدور است و بی خبر!

مصدوم و مظلوم دیگر کابینش تیم جوانان باشگاه ایران مهر بود، که برای درمان بای خویش به بزرگ مراجعه میکند. او را پیدا نمیکند، و برای تسکین درد طاقت فرما، بجای شیشه «مردو کریم»، شیشه «محتوی «نتورید» را بر میدارد که بفری از خود در می آورد، آن سرس ناپیدا، بازیکن مصدوم را بیبوس و نقش بر زمین می یابند و بس از بکساعت، او، به حال عادی باز میگردد.

گویا، «نتورید» روی چشم بازیکن هم تاثیر ناگواری گذاشته، و او قادر به ادامه بازیها نشده است... راستی، بدون اینکه از وقایع ناگوار و صحنه های فحاشی و کمک کاری داور بیجری بنویسیم، با خواندن این سطور تصدیق می کنید، که تهیه و تنظیم یک برنامه ورزشی با اجرای آنها بقدر فرق دارد!



علاءالدین صادقی، آقای گل رشت، که جایزه ای ناگوار گرفت!

اینکه آدم بیاید، و توی اتاقی در بسته و سر بسته، یک سری برنامه و یا جدول یک برنامه را سر هم بندی کند، و جهت اجرا، بدست عوامل دورو برش بسپارد نه هنر محسوب میشود، نه حل یک معما! در هم بیچیده و ساق، چنین کاری ساده، از عهده یک آدم مبتدی و بی تجربه «دستگاه اداری» ورزش ما هم بر می آید، ولی مهم اینست، که مدون و مصوب برنامه، حکم همت را هم بیا کند و استین ها را مجدانه بالا بزند، و برنامه تدوین و تصویب یافته را بی هیچ غیب و نقص، و در کمال صحت و سلامت، بمورد اجرا گذارد.

اینکار، و این وضعیت در فلهرو مسائل اجتماعی ما هم صدق میکند. و دلیل مدعا اینکه به اقرار و اذعان دست اندرکاران قانون، خیلی از قوانین مدنی و قضایی و اجتماعی ما، از الگوهای مترقی اروپایی رنگ و شکل گرفته، ولی اجرای آنها اروپایی نیست! هرگز نمیدارند، که فراتر از صلاحیت خود قدم نهاده، به تفسیر قانون و قانون گذاری می پردازیم. هدف، قیاس گرفتن بود، برای گفتن دو مسئله مهم و متمایز از هم: «تهیه و تدوین برنامه و طرح و...» و «اجرای آن»: برنامه مسابقات فوتبال جوانان، جام والا حضرت ولایتهم، از نقطه

دسته گل تازه قدر اسیون نجات غریق

سرش خواهی نه خواهی به ورزش، صلاح در این دیدیم، که در پی وقوع چند حادثه منجر به خفگی و غرق در شمال، به تربیت بدنی ها هشدار دهیم که با واگذاری حفاظت و حراست جان صد ها تن پیر و جوان و زن و مرد و کودک به مشتکی اشخاص غیر مسئول، کار شایسته ای نکرده اند، و بهتر آنکه پیش از رخداد فاجعه و حوادث مرگ و میر «مسئله» را جدی تر بگیرند زیرا هر چه باشد، لافاقل بخاطر شش تن جوان ورزشکار هم که قدر مسلم همه از فن شنا آگاه نیستند، درمزره مسافران دریا قرار دارند که با برنامه جدید تربیت بدنی ها، بیشتر از گذشته به خطر نزدیک میشوند، شاید هم این دسته گل فدراسیون جدید نجات، غریق باشد!

تربیت بدنی های گیلان و مازندران، همه ساله یک نیمه حصار از اعتماد و اطمینان برای جماعت گرما زده می ساختند، و پایه و ستون این حصار، روی دوش گروهی نجات غریق بود، که آدم های وارد و نارواد به فن شنا را در میان امواج متلاطم دریا می یابیدند. ولی امسال تربیت بدنی های شمال، در کمال حیرت و غافل و غافل و غافل و غافل خود را بر عهده پلاژداران سواحل دریا نهاده اند، که معلوم نیست، آخر و عاقبت چنین کاری از آزموده بکجا خواهد کشید.

شاید برخی بگویند که حش نبود، که مسئله تن به آب زدن و یا شنا کردن در دریا را در اینجا مطرح کنیم، ولی با توجه به اینکه یک سر این تنج به وظایفی انسانی مربوط میشود، و یک

آلبوم جام ایران

عکسها از : یونس علیشمیری - علی کاوه



توپ راها کرده اند و خودبجسان هم گرفته و جهانگیری را که یک «کف گرگی» افتاده اند، بازیکن چک را به بشیرکه کجارانشانه توی پیشانی حریف نشانه رفته است!



حاج رحیمی پور، جسور، پر تعصب و دیگر غافل میماند و همکاری با آنها را به هیچ زهرناک هجوم میبرد، افسوس که گاهی از یاران میسرند.



- آغاز یک پیکار بزرگ، ذوالفقارنسب، کاپیتان تیم ملی «ب» ایران و «سدلاچک» جانشین کاپیتان «بیجوفسکی» و «استح» داور لهستانی، که در روز دیدار پایانی جام ایران هر کدام نقشی حساس داشتند.



دستچردی، از این غول چگونه باید میگذاشت؟ او بدروازه شلیک کرده است، اما «سدلاچک» هم یک غول دیگر بود که از



سرنوشت به وقت اضافی کشیده شده، ساقها خسته و نگاهها اندوهناک است، اوفارل دستورها؟ آخرین دستورها را میدهد. راستی کدام



- توروفسکی این بار مغلوب هنرنامایی
نوبت توروفسکی است که به مقصود میرسد.
نگاه خسته اللهوردی از یک خطرتمی صحبت میکند.
راغفر شده و چه افسوسی میخورد. اما یاردیکر



تیمسار حجت، جام را به «سدلاجک» میدهد، جگ ها سرانجام به مقصود رسیدند و
جام رالز ایران رقیب دوساله ی خود، گرفتند.



میناسیان در روزهای اول با قوت
حساب شده در پیروزی تیم ملی «ب» تاثیر
داشت.
ساقها جناح راست را بحرکت وامیداشت و
در روزهای آخر به قدرت اندیشه و یک تاکتیک



عادلخانی «سگک» نشسته است، دومدافع چک نیست پای بازیکن ایرانی
را «گروه» گرفته اند، یانوپ را!!



جام برقرار دستهای سه تن از چک ها.
قهرمان جام دوم ایران آنکه درست چپ بدوربین
خیره شده همان توروفسکی زنده ی گل پیروزی
و زنده سه گل از چهارگل کلاس اکسپورت
است. اوبه تنهائی ۷۵ هزار تومان برای نیش
کارکرد. هر گل ۲۵ هزار تومان.



باگل شهبازی، تیم «ب» به دیدارنهایی
رسید و همین موجب شد تااین بازیکن بلند قد،
سمج و خوش فکرهمه جابه پروپای اوبه پیچید
«فرانسی شک» چون سایه با شهبازی بود.

تزلزل پایه‌های «جوانان آذربایجان شرقی» از حالا پیدا است

بسیاری از پیشداوریه‌ها در تبریز خط خورد؛ همه آراء پیش بینی، بر فتح تیم جوانان ماشین سازی شهادت میداد، اما این تیم با همه تدارک و امکانات جالبی که در دید اختیار دارد، یک‌پا پله هم نسبت به سال پیش نزول کرد؛ سکوی سوم! این بار هم جام ولیعهد را تاج تبریز تسخیر کرد ولی نکته اینجا بود که تبریزیه‌ها، در غیاب ده‌ها نوجوان و جوان محلات می جنگیدند: چهارمین دوره مسابقات جام ولیعهد را تنها ۱۱ تیم جوانان باشگاههای پروانه دار تبریز آغاز کردند، و منزلگاه پیکارها، بلحاظ افزایش سکوها، استادیوم باغشمال، استادیوم اختصاصی تراکتورسازی بود.

فینال جام ولیعهد تبریز را همه ساله تیم های جوانان دو باشگاه تاج و پاس برگزار میکردند، ولسی اسمال با پیوستن جوانان تراکتورسازی به جرگه مبارزین جام، بویژه روحیه رقابت تراکتورسازی - ماشین سازی این تصور را پیش آورده بود، که در فینال شاهد برخورد دو قطب صنعتی تبریز خواهیم بود. اما باخت غیر منتظره و ناباورانه ماشین سازی بی شکست، برابر تیم نویایی مثل خانه جوانان که استخوان بندی آن را دانش آموزان یک مدرسه تشکیل داده بودند، همه پیش بینی های متعارف را بهم زد؛ ماشین سازی، که با پیروزی بر تراکتورسازی، آراارات و پاس خود را در یک قدمی فینال می دید، در صورت مساوی با پیروزی برابر خانه جوانان، تراکتورسازی را به دیدار های نهایی سوق می داد ولی شکست ۲-۰ این تیم از حریف موصوف، باعث شد، تا تراکتورسازان در نیمه راه بمانند.

فینال : تبریز جوان - تاج

نخستین تیم ناکام جام خانگی تبریزیه‌ها، تیم فوتبال جوانان آراارات بود، که با دو باخت متوالی از جام کناره گرفت. تاج و تبریز جوان فاتحین دسته الف، و ماشین سازی و خانه جوانان فاتحین دسته ب، قدم به بازیهای ضربدری نهانند که در این میان، ماشین سازی ۲-۰ مغلوب خانه جوانان، نامزد برگزاری دیدار رده بندی با همین تیم گردید، و این بار ۲-۰ پیروز شد، و در مکان سوم به انتظار تعیین سرنوشت قهرمانی نشست: «فینال را تاج - تبریز جوان بدآوری رحیم عباسقلی زاده و خط نگهداری اکبر شهابی و حسین نهال پرور برگزار کردند، و جام قهرمانی جوانان با دو گل عباس احتشامی و ولی حاتم در دقیقه ۶۰ و ۷۲ بسوی تاجی ها به پرواز درآمد؛ تبریز جوان با این شکست نایب قهرمانی را اختیار کرد.

در مورد وضع دآوری مسابقات، به اختصار میتوان گفت که هر قدر داوران جام تخت جمشیدی تبریز عباسقلی زاده، نیک مهر و قاضی خوبی مانند اکبر شهابی و یوسفخانی ملط و استوار بر زمین و بازیها ظاهر شدند، دآوری ضعیف و پرچینال و اعصاب خردکن حسین رضویایی، همانقدر در سرنوشت بازیها تاثیر نهاد. تبریز - صمدپور صدی

بسیاری از پیشداوریه‌ها در تبریز خط خورد؛ همه آراء پیش بینی، بر فتح تیم جوانان ماشین سازی شهادت میداد، اما این تیم با همه تدارک و امکانات جالبی که در دید اختیار دارد، یک‌پا پله هم نسبت به سال پیش نزول کرد؛ سکوی سوم! این بار هم جام ولیعهد را تاج تبریز تسخیر کرد ولی نکته اینجا بود که تبریزیه‌ها، در غیاب ده‌ها نوجوان و جوان محلات می جنگیدند: چهارمین دوره مسابقات جام ولیعهد را تنها ۱۱ تیم جوانان باشگاههای پروانه دار تبریز آغاز کردند، و منزلگاه پیکارها، بلحاظ افزایش سکوها، استادیوم باغشمال، استادیوم اختصاصی تراکتورسازی بود.

فینال جام ولیعهد تبریز را همه ساله تیم های جوانان دو باشگاه تاج و پاس برگزار میکردند، ولسی اسمال با پیوستن جوانان تراکتورسازی به جرگه مبارزین جام، بویژه روحیه رقابت تراکتورسازی - ماشین سازی این تصور را پیش آورده بود، که در فینال شاهد برخورد دو قطب صنعتی تبریز خواهیم بود. اما باخت غیر منتظره و ناباورانه ماشین سازی بی شکست، برابر تیم نویایی مثل خانه جوانان که استخوان بندی آن را دانش آموزان یک مدرسه تشکیل داده بودند، همه پیش بینی های متعارف را بهم زد؛ ماشین سازی، که با پیروزی بر تراکتورسازی، آراارات و پاس خود را در یک قدمی فینال می دید، در صورت مساوی با پیروزی برابر خانه جوانان، تراکتورسازی را به دیدار های نهایی سوق می داد ولی شکست ۲-۰ این تیم از حریف موصوف، باعث شد، تا تراکتورسازان در نیمه راه بمانند.



تاجین فوتبال جوانان تبریز: ایستاده از چپ: ابراهیم کلاهی، احد قندی، ناصر شریانی، داریوش واحدی، مهدی جمشیدی (دروازه‌بان)، علی علی بیگی، حسین طباطبائی، علی رانها (مربی)، نشست: حسین حاجب محمدی، عباس احتشام، ولی حاتم، کیومرث پورفاضل، میرابوالفضل موسوی، سیدجواد رسولی.

سرنوشت ۶ دیدار نیمه نهایی جام ولیعهد در اهواز با پینالتی تعیین گردید .



تیم فوتبال گرک فاتح جام والا حضرت ولایتعهد در اهواز

گرک - سرباز در فینال

اهواز - استادیوم ورزشی ولیعهد، زمین چمن شماره یک، ساعت ۷ و ۳۰ دقیقه بعد از ظهر، با نزد هم تیرماه، گرک ۵ سرباز ۳ داری خوب، هوشنگ خلقی کمک ها؛ شکر خدائی، اعلی‌روف، تماشگر ۲۵۰۰ نفر.

گرک: اصغر احمدی، ناصر بازاری، غلام کریمی، قدرت الله فرهاد زاده عظیم اخلاقی، رحمان نظر علی پور، ابراهیم فخرانی، مسعود محبوبی، جمشید خاکسار، ناصر سامانی، ناصر محمدیان، قاعی. مربی: غلام دهکردی

سرباز: عنایت رئیسی، زنگنه، پرویز مهاجر، نعمت غفاری، بهروز خواجهات، اصغر امیرلو، الله کرم موسوی، حمید دفاعی، محمد رضا ادهمهر، جمال پور رضا، تورج کریمی پور، یوسف رشیدی. مربی: عبدالق

فشاری در، با فشاری در کسب پیروزی، تناسب و توازن قدرت ها، و بویژه توجه به استحکام خطوط دفاعی، شاه بیت دیدارهای چهارمین دوره مسابقات فوتبال جوانان، جام والا حضرت ولایتعهد در اهواز بود. حتی کار بجائی رسید که در جمع ده مسابقه نیمه نهایی، نتیجه ۵ دیدار را باران بثلثی رقم زد، و بالاتر از آن، گرک هم با طلف پینالتی جام را در دست

جدال های ۲۸ تیم شرکت کننده در این مسابقات در ۴ گروه ۷ تیمی آغاز شده بود که از هر گروه دو تیم بالا آمدند: «تبریز، تاج، پاس، راه آهن، ایران گاز، گرک، سرباز و قاضی» - که از بزرگان فوتبال اهواز شمرده میشوند.

مرحله یک هشتم نهایی

آغاز گران مرحله یک هشتم نهایی بازیهای جوانان اهواز راه آهن و سرباز بودند که در بی تساوی ۱-۱ در ۸۰ دقیقه پیکار و بدون نتیجه گیری از وقت اضافی به ضربات پینالتی متوسل شدند. اینجا سرباز، اولین مسابقه را ۳-۲ بسود خود ثبت کرد.

بعد از این مسابقه، چهار جدال دیگر به بنالئی زنی کشیده شد، و رویه‌رفته طی ۵ روز دیدارهای یک هشتم نهایی، تماشاگران آخرین لحظات بازی را به تماشاى بنالئی ها سیری میکردند، و این بیش از هر چیز نمایشگر مسطح بودن تیروها و هم ارز بودن توان و آمادگی ها بود. بدنبال دیدار نخست، گرک با فروغی زیبا و ارائه فوتبالی زیباتر، دوبار دروازه مدعی قهرمانی - «تبریز» - را در هم کوبید، و در گام بعدی، تاج را با آرامش فراوان ۱-۴ مغلوب ساخت و مقابل سرباز، فینالیست نام گرفت. قاضی و تاج هم دیدار رده بندی را انجام دادند، و فاتح این تیرد که پس از صد دقیقه تلاش و تکاپو به تساوی انجامیده بود، قاضی های بنالئی زن بودند: «تاج از ۵ ضربه، یک گل تحصیل کرد، ولی قاضی از ۵ ضربه ۴ گل» ایران گاز برای قرار گرفتن در مقام پنجم راه آهن را ۰-۲ شکست داد و راه آهن به بله ششم سقوط کرد. تبریز، مدعی بزرگ هم مکانی نیافت مگر «خانه هفتم»؛ که بعد از شکست از گرک، پیکار هم برابر ایران گاز زانو زد. پاس هم کاری عجیب کرد: بدون هیچگونه عذر موجه بعد از شکست از قاضی، به دیدار راه آهن نیامد و ۰-۳ بازنده شد و متأسفانه هیات فوتبال خوزستان، بی تفاوت و بی خیال و بدون اخذ تصمیم راجع به این موضوع گذشت.

صفحه

۲۳

صفحه

۲۴

صفحه

۲۵

صفحه

۲۶

از غرب تا شرق از شمال تا...

وزنه برداران اعزامی گرگان در

رقابت با مازندرانیه

گرگان - هیات وزنه برداری گرگان با ترتیب یکدوره مسابقه در ۹ وزن، وزنه برداران برنسر باسگاههای را جهت شرکت در مسابقات باسگاههای قهرمانی مازندران برگزید.
انتخاب سدگان ترتیب از وزن اول تا نهم: سیدمحمود ملکی، محسن بریمانی، محمداسماعیل اریس مقدم، غلامعلی مهردل، محمداحمدی، صاحب قاسم نور، محمد مسعودی، غلامعلی میری، داربوس خاکپور.

گرگان - حاجی ابراهیمی

تهران در صدر شطرنج کارگران

ایران

تهران - رقابت اندیشه ۲۰ شطرنج باز در چارچوب مسابقات قهرمانی شطرنج کارگران ایران که زیر نظر اداره کل تربیت بدنی وزارت کار در استادیوم کارگران تهریز آغاز شده بود، با قهرمانی تیم تهران و نایب قهرمانی تبریزها پایان پذیرفت.
تیم تهران مرکب از ناصر دارمی، سعید کلهرچگینی، محمدی، رحیم زاده ۱۲/۵ امتیاز کسب کرد، در حالیکه میزبان در غیاب مهره خوب خود دیانت دوست، تهران منطقه در مسابقات رشت، با جمع آوری ۱۱ امتیاز در سکوی دوم ایستاد.

تیم تبریز را سعید ناجی، غلامرضا داداش زاده، یونس مزرعه، رضا تاج زاده تشکیل داده بودند. در رده بندی انفرادی این مسابقات، سعید ناجی و غلامرضا داداش زاده از تبریز و محمدی از تهران اول تا سوم شدند.

تبریز - پورصمدی

مساوی بندرگز با میهمان

تهرانی

بندرگز - دیدار دوستانه تیم های فوتبال بهار تاج تهران - تاج بندرگز با مساوی ۲-۲ بسود طرفین خاتمه یافت. وقت اول این دیدار با برتری محسوس میهمانان تهرانی همراه بود و بندرگز با یک گل خورده از حریف عقب که با تعویض چند یار در وقت دوم میزبان بخود آمد و گلهای تلافی را ثبت کرد.

تیم تاج بندرگز: محمد دماوندی، رفیع کردی، اسماعیل شمالی، مهدی کردی، محمدرضا آزاد، شاهرخ رضائی، محمدقلیقلی زاده، رضا کایوان، یحیی اسو، عباس سراجی، ابراهیم صدرانی، عطااله کلنگی پور، عباس کردی، فرخ رضائی، بندرگز - سیدحسن صدرانی

تنیس روی میز رستخیز در

مازندران

ساری - هیات تنیس روی میز مازندران یک مسابقه تحت عنوان جام رستخیز بین تنس تیم برگزیده از آمل، بابل، بهشهر، ساری، ساهی، گرگان در استادیوم ۲۵ شهریور ترتیب داد که از نظر کیفی امیدبخش بود، و بصورت دوپل و انفرادی انجام شد.
تیم ساهی مرکب از اسماعیل، قربانیور، نازیروو بمقام قهرمانی دست یافت، ساری «میزبان» دوم و بهشهر مقام سوم را کسب کردند.

ساری - ذناری



خشونت، دستور روز دیدار گلکار - سیزوار در فینال جام ولیعهد در مشهد بود. یک بازیکن

قهرمانی گلکار مشهد در جمع

۱۰۴ تیم خراسانی

مشهد - مرحله مقدماتی بازیهای جام والا حضرت ولایتعهد در سطح خراسان را ۸۱ تیم از شهرستان و ۲۳ تیم از مشهد، مرکز استان، آغاز کرده بودند که پس از چندی تلاش ۱۴ تیم منتخب شهرستانهای خراسان جهت حضور در دیدارهای طیس، منزلگاه جدال جوانان خطه شرق برگزیده شدند.

در منزلگاه طیس، تیم های سیزوار و بیرجند سرفرازترین ها بودند که بمقام های اول و دوم گروه شرکت کنندگان شهرستانهای خراسان نایل گشتند.

در دیدارهای مشهد، تیم های گلکار و سازمان آب عناوین اول و دوم را صاحب شدند که طبق برنامه و تصمیم هیات فوتبال خراسان دو تیم منتخب مشهد و دو تیم برگزیده از جمیع شهرستانها مرحله نیمه نهایی جام را در استادیوم ورزشی سعدآباد مشهد آغاز کردند. در اولین دیدار گلکار - سازمان آب دو تیم شهری ۲-۲ مساوی شدند و در دیدار بعدی سیزوار ۵-۰ بر بیرجند غلبه یافت. جدال بعدی بین گلکار مشهد - بیرجند بود که ۲-۰ بسود مشهدها تمام شد. در

سیزوار از ناحیه پشانی بسختی آسیب دیده است....

چهارمین مسابقه سازمان آب حریف بیرجند بود که به تساوی ۱-۱ دست یافتند. در دیدار پنجم، جوانان سیزوار با فروغ دلیزیر سازمان آب را در خانه اش ۵-۰ شکست داد.

پیکاری چون مشترنان! فینال جام را گلکار مشهد - جوانان سیزوار در شرایطی شست سرهاند که حسن نادمی و منوچهر عسگری از سیزوار بترتیب کارت زرد و قرمز و عبادزاده از گلکار کارت زرد گرفتند.

شاید بدون آنکه به کیفیت بازی اشاره شود، تعداد کارت های قرمز و زرد، خود بخود گویای خشونت و وضع نامتعادل بازی باشد.

سیزوارها و مشهدها، جوان مشترنان، تن به تن می جنگیدند و حتی گاهی، خانه ها هدف مشت ها قرار میگرفت.

در دقیقه ۶۰ مسابقه، رضا حسن زاده و دقیقه ۷۰ مرتضی آتش زاده، بازیکنان گلکار، قفل دروازه حریف را گشودند و جام را در خانه نگاهداشتند. سیزوار با این شکست در رده دوم ایستاد و سازمان آب سوم شد.

جشنید بهی بیگم تهرانی و بزند قضاوت دیدار فینال را انجام داد و در پایان، بعلت وجود باره ای اختلافات، مسئولان از توزیع جوایز تیم ها خوداری کردند.

مشهد - علی کایوانی



تیم دختران خانه جوانان ساری همراه مربی و سرپرست خود

پسران تبریز و دختران ساری

پیروز شدند

تبریز - سران تبریز و دختران ساری در مسابقات بسکتبال خانه جوانان ده استان کشور بمقام نخست دست یافتند. ۱۸ تیم حاضر در این

مبارزات با انجام ۲۳ مسابقه بسرپرستی خیابانی و داوری مریمی، فکر آزاد، جدیری، رضائی، فویدل نقطه پایان رقابت خود را ترسیم کردند.
تیم فاتح تبریز: زوددوست، ارغوانی، هاسمی، امدینی، نوری، ناخترزاده، رهبری، حرفیان، حمایت، مربی کریم ناداس

فروغ فوتبالیستهای بیرجند در

دیدار های خراسان

بیرجند - فوتبالیستهای منتخب آموزشگاههای بیرجند امسال در مسابقات قهرمانی خراسان، خوش درخشیدند. پویزه در جمع یاران تیم بیرجند - که به مقام نایب قهرمانی از کتاباد بازگشت - ابوالفضل جباری کاپیتان بیرجند چهاردهلدیری بنمایش نهاد و به عضویت تیم منتخب استان خراسان درآمد.

تیم بیرجند، «نایب قهرمان»: غرضی (دروازه بان) - ابوالفضل جباری (کاپیتان)، رستگار، حدیدی، حسن جباری، عسگری، حسین جباری، مساوات، خوشرو، کیوان زاد، خدائی، حقیقی، رضایی، اصغری، مربی: شبانی

بیرجند - محمدعلی خالدی

علی آباد ۱ - بندرشاه ۱

علی آباد - در جدال دوستانه ای که تیم های فوتبال ناس علی آباد - غناب بندر شاه انجام دادند، دو تیم با کسب نتیجه مساوی ۱-۱ زمین ورزشی بندر شاه ۱/۱ ترک کردند. تیم علی آباد را حسن رنگانه، حسن باباگردی، قاسم علی احمدی، علی احمدی، نعمت اله احمدی، غلامعلی خاندوزی، عیسی ساروسلفی، غلام خاندوزی، غلام فاسمی، جعفر جعفری، حسن سیحظری، ابوب نظرکولی، علی آباد - قاسم علی احمدی

حادثه در فینال نوجوانان یم

یم - برقرارکنندگان دیدار فینال مسابقات فوتبال نوجوانان یم تیم های بیکارو آریا بودند که در وقت قانونی صفر - صفر مساوی شدند. طبق مقررات، میبایستی وقت اضافی برای نتیجه گیری تعیین گردد. ولی سرپرست بازیها دستور نواختن نتائی داد که تیم بیکارو به این قانون من درآوردی تداد. و آریا، بدون وزن مشربه نتائی ۳-۰ پیروز اعلام گردید و مقام قهرمانی زیر ۱۸ ساله را تصاحب کرد.

یم - سیف اله نعمی

۶۰ داور بسکتبال در کلاس

رشت

رشت برای نخستین بار، شهرستان رشت میزبان کلاسی بود که فدراسیون بسکتبال برای ۶۰ تن از داوران بسکتبال از سیستان و بلوچستان، کرمان، سمنان، خراسان، مازندران، استان مرکز و گیلان تشکیل داده این کلاس به تقاضای رئیس هیات جدید بسکتبال گیلان بمدت یک هفته بر پا بود.

پیروزی پرسپولیس علی آباد

بر شاهرود

علی آباد - تیم فوتبال پرسپولیس علی آباد در مبارزاتی دوستانه با ذوب آهن شاهرود به پیروزی ۲-۱ نایل گشت دیدار دو تیم در استادیوم ورزشی علی آباد انجام گرفت.

تیم پرسپولیس علی آباد: حسن سکی، حسین سکی، درویش کردکولی، حبیب مختاری، عباس مزیدی، حسین علی گرانلی، حسین نظری، محمد حسن علی آبادی، حمید دادانی، نادعلی قلیان، پرویز جنگیوست، محمد ابراهیم مزیدی.

افسر جام اتحاد را برد

بندرگز - افسر باز هم قهرمان جام اتحادیه شد. در دومین دوره بازیهای جام اتحاد تیم های فوتبال افسر، تراکتورسازی، ملوان گز، تاج مزنگ حاضر بودند و افسر با پیروزی ۴-۱ مقابل تراکتورسازی در بازی نهایی به جام دست یافت. آقای اهری رئیس هیات فوتبال بندرگز، جام را به محمد اسماعیلی سرپرست تیم افسر اهدا کرد. سال پیش هم بچه های افسر جام اتحاد را فتح کردند.

اقبال خود را باز میابد در میانه جدول رقابت شانه به شانه است



اقبال در حد نام خود نشان داد و دروازه افسر را گلباران کرد. نو روزی مهاجم افسرو یگانه دفاع یبانی اقبال بر سر تصاحب توپ درگیر شده اند.

نگاهی به موجودیت تیمها در چهارمین روز

در پایان چهارمین روز هنوز سه‌ساز در بالاترین نقطه جدول خود نمانی میکند این تیم بلطف یک پیروزی جنجالی در چهارمین روز موفق شد تا از سد سهرابی بگذرد و بهر شکل دو امتیاز را تصاحب نماید.

تعقیب کننده ها یکی پس از دیگری عقب نشستند. نعت تهران که گمان میرفت بزودی گلی سبزه را بفشارد طی یک بازی بر انتقاد مقابل پوتان توقف کرد و از کورس رقابت با صدرسین یک بله عقب ماند. افسر دیگر تعقیب کننده جدی پشاهنگ بر گل ترین دروازه را در این هفته داشت و ۵ بار در مقابل اقبال توب را در دروازه خود دید. سهرابی هم در کمین صدرسین بود که با شکست از تیم بالای جدول تا چند بله به بانی سرنگون شد و از تعقیب باز ماند. سبزه پس از اینکه رفیبان را از خود دور ساخت با ۷ امتیاز در چهارمین روز آسوده تر از هر زمان بر صدر جدول تکیه زد.

روز خشک

روز چهارم روزی خشک و کم رونق بود و نقل بر خیلی از دروازه ها باقی ماند اگر از دیدار اقبال - افسر بگذریم که این مسابقه با ۵ گل بسود اقبال پایان گرفت. در ۵ دیدار دیگر تنها ۵ بار تور دروازه ها تکان خورده که ۳ گل آن به مسابقه سبزه - سهرابی ارتباط دارد و ۲ گل دیگر سهم بانک سپه و سازمان آب میباشد که هر کدام از این گلها ۲ امتیاز برای دو تیم یاد شده در برداشت. بهمان نسبت که در روزهای نخست گل و گلزن فراوان بود و تیمها بازی نفوذی را بر حفظ دروازه ترجیح میدادند حالا هر چه میگذرد کمبود گل بیشتر چشم میابد و اکثر تیمها در پی کسب امتیاز احتیاط را شعار خود نموده و بیشتر از آنکه چشم به دروازه حریف داشته باشند به سنگر خود چسبیده و از چهار چوب دروازه حفظ و حراست مینمایند. که مساوی صفر - صفر در چند دیدار و پیروزیهای با یک گل نشان دهنده این حالت دفاعی و احتیاط آمیز در بین تیمها میباشد.

فوتبال قهرمانی باشگاههای تهران

بانک سپه سهم خود را گرفت

امتیازی بدست آورد که در این راه تنها تا دقیقه ۲۷ توفیق داشت.

«بانک سپه» که یک تیم جوان و هماهنگ میباشد در مقابل سماجت و سرسختی حریف در نیمه اول اجازه داد تا اسیرت هر آنچه که دارد بیاید نماید و انگاه رفتی حریف را خسته کرد در پی مقصد خود راه دروازه را بیش گرفت و برای کسب گل به فعالیت پرداخت دو دقیقه از نیمه دوم میگذشت که «جائفاده» بابوب با چند حرکت قردی دفاع اسیرت را شکافت و باسی بلند روی سرمدیان مهاجم توک نیم خود مهیا نمود که برش بلند و ضربه زیبایی او گشاینده دروازه حریف شد.

پس از این گل هنوز برتری بانکها دروازه اسیرت را تحت فشار داشت و فرصت های مناسبی برای کسب گل در اختیار مهاجمان بانگی قرار گرفت که یکی پس از دیگری بهر رفت. «اسیرت» که علیرغم فشار زیاد روحیه خود را از دست نداده بود و بهر تقدیر حراست از دروازه را دنبال میکرد در اواخر بازی روی یک ضد حمله از اشتباه حسین جهره مدافع بانک سپه سوید و در حالیکه تیم برابر بانک سپه بیشتر از حد توانائی خود داشت با کمی تردید این فرصت گرانبها را از دست داد.

بانک سپه ۱ - اسیرت صفر

شنبه ۲۸ تیرماه ۱۳۵۴. استادیوم راه آهن. (فوتبال قهرمانی باشگاههای گروه اول تهران). بانک سپه ۱ (دقیقه ۲۷ قدرت الله خلفی). اسیرت صفر. داوری خوب بهمن پهلوی با کمک رجعیان و محمود خوشخوان. هوا گرم. زمین چمن. تماشاگر حدود ۵۰۰ تن.

اسیرت: ایرج افضل (دروازه بان)، غلام صادقی، حسین شوشتری، محمدپازوکی، علیرضا فروهر، مسعود شفیعی، محمود اسماعیلی، مجید تنجانی، مسعود شاه صدری، علی کرم سوری، داود رضانیان - مربی امیراقاحیبتی.

بانک سپه: داود بخشی (دروازه بان)، حسین کوریل، قدرت الله خلفی، فضل الله شیرخدا، سیدمحسن جوائی، بهروز بریانی، حسین جهره، محمود علی پور، میربهرام شیبانی، نصرالله کلانتری، غلامی ماسوله، مربی باقرسهیالاری.

اسیرت با یک شکست دیگر که در چهارمین روز نصیب شد همچنان در قعر جدول ماند این تیم برابر بانک سپه بیشتر از حد توانائی خود کوشید و سرسختانه تلاشی داشت تا حداقل یک

پوتان شایسته پیروزی بود

پوتان صفر - نفت صفر

شنبه ۲۸ تیرماه ۱۳۵۴. استادیوم راه آهن (دیدارهای قهرمانی باشگاههای گروه اول تهران). پوتان صفر، نفت تهران صفر. داوری خوب محمد صافی با کمک باغومانی و روزا، هوا خوب زمین چمن نور ضعیف. تماشاگر حدود ۵۰۰ تن بازیکنان خاطاری، مهدی ابوطالب (پوتان)، خسروصلح کتان و توکلی (نفت).

نفت تهران: داود پهلوانی (دروازه بان)، محسن اسماعیلی، مصطفی توکلی، خسروصلح کتان، صادق جلالی - عباس نژاد رسول، رضا عباسی، سیف علی ایرانی، علی مودت، محمدامیلی کهن، محمود مهدی پور، (مجد تیموری)، مربی ایرج سده.

پوتان: علی گیوه ای (دروازه بان)، محمد اصغری، امین الله عظیمی، مهدی فردعلی نیا، عباسی بختیاری، مهدی ابوطالب، جعفر ایراندوست، مسعود خوش دل، محمدریعی، علی میرشکار و محمداحارای، مربی پرویز ابوطالب.

در میانه میدان کلید بازی را درست گرفت و با مهاجمان سریع خود بارها تا دهانه دروازه حریف پیش رفت ولی درخشش دروازه بان و فداکاری مدافعان نفت که اغلب توسط هافبکها یاری میشدند کسب گل را برای تیم برتر میدان میسر نمود.

«نفتی ها» در نیمه دوم با خدمت گرفتن مجد تیموری مهاجم سرشناس خود به خط حمله تحرک دادند و به تهدید دروازه حریف پرداختند و بازی بخصوص در اواخر نیمه دوم متعادل شد و هر دو تیم شانسهای مناسبی برای کسب گل بدست آوردند که عدم دقت مهاجمان قفل را بر دروازه ها باقی گذارد.

«نفت» گذشته از ۲۰ دقیقه پایان بازی حالتی سردرگم و ساقطانی خسته داشت و خشونت های گاه و بیگاه بازیکنان این تیم نشانه نزول نفتی ها در هفته چهارم بود، در این تیم علی مودت و مجد تیموری در خط حمله و خسروصلح کتان در جمع مدافعان چهره های برتر بودند ولی پرفروغترین بازیکن میدان دروازه بان این تیم پهلوانی بود.

«پوتان» که با طوفانی سریع بازی را آغاز کرد برای پیروزی شانس بیشتری نسبت به حریف داشت این تیم با سه هافبک برتلاش خود ابوطالب، ایراندوست و خوشدل بیشتر اوقات توپ و میدان را در اختیار داشت و بدون شک اگر فعالیت و اشتباهی نیمه اول را تا پایان حفظ میکرد به پیروزی نزدیکتر بود.

رقابت در میانه جدول

اگر شهیار از جمع تعقیب کنندگان خیز بلندی برداشت و چند قدمی ایجاد فاصله کرد در عوض میانه جدول رقابت ها فشرده و بسیار نزدیک است. کیان، پوتان، اقبال، تهرانپوان و بانک سپه در پایان چهارمین روز هر کدام با ۴ امتیاز شانه به شانه هم میسایند و افسر دو تیم بالای جدول نیز با شکست از حریفان به این جمع ملحق شدند و بر رونق این اسیرت با یک امتیاز از ۴ سابقه در انتهای جدول خانه کرده و با وضعیتی که دارد بعید است تا از مرز سقوط رهایی یابد. سازمان آب یکی دیگر از قهر نشینان است که در چهارمین روز به یک پیروزی مهم رسید و برابر کیان ۴ امتیاز اندوخت و همین پیروزی سازمان آب را به میانه جدول انتقال داد. «برق» با نزدیکی که در چند هفته گذشته داشت از ۴ بازی تنها ۳ امتیاز در کیسه دارد و در جمع قهر نشینان به روزهای آینده دلپسته است.

بی اعتمادی

شهیار باز هم یک طرف چنگال بود و دیدار این تیم با شهرپانی موجب بی نظمی در میدان و استادیوم گردید. بی توجهی در امر انتخاب داور بیشترین دلیل این چنگال بود تیم شهرپانی و خیلی از تماشاگران داور را بی طرف نمیانداستند و همین امر نوعی بی اعتمادی در کار قضاوت این مسابقه بوجود آورده بود و چند حادثه غیر منطقی که دست بر قضا بسود شهیار شکل گرفت موجب بروز چنگال گردید.

مهرباب شاهرخی مرد پر تجربه و صاحب نام شهیار که در مقام مربی و کاپیتان تیم خود را رهبری میکند با چند اعتراض بی در پی داور و کمک او را تحت تاثیر قرار داد و این ابتدای کار بود که تیم حریف انتظار داشت تا حداقل بازیکن معترض شهیار کارت زرد را ملاقات نماید.

شهرپانی که بقصد پیروزی بیدان آمده بود با جلو کشیدن چهار مدافع خود از آغاز چهره ای تهجمی داشت ولی هافساید گیری نامتعادل خط دفاعی این تیم طوری بود که هر لحظه امکان غافلگیری روخته در این خط پیش بینی میشد. شهرپانی در عین برتری پس از آنکه چند موقعیت خوب را بهر داد دروازه خود را میهمان گل حریف کرد، این گل را مصطفی صدری گوش چپ پر کاز و صاحب تکنیک شهیار پایه گذارده او با نفوذی سریع تا نزدیک خط کرنر پیش تاخت و لقمه ای گوارا برای شیانکاره تدارک دید که ضربه سربازیکن خوزستانی شهیار با تور دروازه بوسه زد.

اعتراض

شهرپانی این گل را نمی پسندید و سخت اعتراض داشت که مهاجم گوش شهیار از خارج زمین توپ را سائتر کرد، شهرپانی بهر تقدیر گل را پذیرفت و با حالتی خشونت آمیز به بازی ادامه داد مهاجمان کم نام این تیم بارها خط دفاعی شهیار را که مردانی پر تجربه و صاحب نام چون عبدالهی، محراب و اکبر محمدی آنرا تشکیل داده اند در هم ریخته و حتی چند بار تنها دروازه بان سریف را برای گل در مقابل داشتند، اما شتاب و عجله در شلیک ضربه نهائی موقعیت های گلزار را بهرر میداد.

با شروع نیمه دوم بلطف جسارت و نیز هوشی «فرکی» بازیکنی که در سخت ترین شرایط برای شهرپانی «کلید» محسوب می شود گل مساوی در دروازه شهیار قرار گرفت، این گل حاصل هوش خوب «فرکی» و اشتباه اکبر محمدی مدافع میانی شهیار بود. گل مساوی آرامش را در تیم شهرپانی برقرار نمود و این تیم توپ و میدان را در اختیار گرفت سه مرد بر کار میانه میدان شهرپانی جاری، سکرایی و گلشنی در کار حمله به فعالیت افتادند و دروازه حریف را از هر سو با خطر مواجه ساختند اما هوشیاری «عبدالهی» مرد اول خط دفاعی شهیار و

عدم دقت مهاجمان شهرپانی موجب استواری دروازه شهیار در دفاعی طوفانی گردید. بازی میرفت تا با نتیجه مساوی پایان گیرد و این نتیجه ای بود که شهیار را خوشنود مساحت ولی در دقیقه ۸۵ روی یک توپ بلند که هافساید نظر میرسید صدری باپوتی درغلط مدافعان شهرپانی بسوی دروازه تاخت و با شوتی سنگین گل پیروزی را بشهر رساند.

این گل با اعتراض شدید یاران شهرپانی، مربی و سرپرست این تیم مواجه شد که با توقف بازی و دخالت مسئولین هیئت فوتبال تهران دفاعی باقیمانده ادامه یافت و شهرپانی به شکستی که سزاوارش نبود تن داد

اقبال و فستیوال گل

در چهارمین روز اقبال در حد نام و آوازه خود ظاهر شد این تیم که یکی از مدعیان قهرمانی میباشد با چند ناکامی از قافله عقب ماند اقبال با یاران پر تجربه و جوانی که در کنار هم قطار کرده میتوانند خالق قدرتی بزرگ در فوتبال گروه اول باشگاههای تهران باشند ولی عدم هماهنگی لازم بین بازیکنان و نداشتن اشتیاق لازم برای رسیدن به پیروزی چیزی بود که در چند هفته گذشته اقبال را در درجی برابری کمتر از خود نشان میداد.

آنچه را که از اقبال در دیدار با افسردیدیم با گذشته تفاوت بسیار داشت جسارت و دلیری بین بازیکنان چشم گیر بود همکاری بیشتر شده بود نوعی صمیمیت در تیم موج میزد که اینها برای یک پیروزی پر گل کافی است.

خط آتش

بازگشت «باباخانو» که در نیمه دوم برابر افسر بیدان آمد تحرک چشم گیری به خط حمله اقبال داد که او اگر به فرم خوب برسد گرفتارهای این تیم در خط حمله کاهش میابد. بخصوص که «میری» مهاجم جوان و بلند قامت این تیم با سه گل و یک بازی برفروغ نشان داد که هنوز درجیم مهاجمان

خوب قرار دارد و میتواند در تیمهای بزرگ جای نابی داشته باشد اگر خط آتش اقبال روزی برکار و با تمر را پشت سر گذارد مردان میانی این تیم طاهر خانی و امینی خواه نیز دوند، بر تلاش و موفقیت ساز بودند.

«افسر» که انتظار چنین جنبشی را از جانب حریف نداشت با گلی که دقیقه ۸ خورد توپ و میدان را به حریف سپرد و اسیر بازی زیباو خوش آهنگ اقبال شد این شکست موجب گردید تا افسر از جمع تیمهای تعقیب کننده به میانه جدول سقوط نماید و اقبال گامی محکم را در راه رسیدن به جمع تیمهای بالای جدول بردارد.

قفل بردروازه ها

تهرانپوان و برق دو شکست خورده هفته سوم، شمشیرها را تیز کرده بودند تا در چهارمین روز انتقام بگیرند. این دو تیم که صاحب بازیکنانی جوان و پرمایه میباشند فوتبالی سریع و پر جنب و جوش را بنمایش گذاردند. هرچین دیدار که پر بود از حوادث تهدید کننده و هیجان انگیز بدون گل پایان گرفت، شتاب در رسیدن به پیروزی در چهارم بازیکنان هر دو تیم موج میزد و در این راه سرعت بازی آنچنان شده بود که بازیکنان با جسارت و بی باکی خود را برای رسیدن به توپ، روی زمین و هوا بهخطر میانداختند.

سرعت زیاد این بازی موجب از بین رفتن دقت لازم شده بود، بطوریکه در محله جریمه اغلب شلیک ها بی هدف و کم دقت بسوی دروازه نواخته میشد.

تهرانپوان بیشتر حملات خود را توسط دو مهاجم گوش خود پورآقدم و یدالله نوری روی دروازه حریف پی ریزی میکرد که این دو با سرعت خوب و تکنیک چشم گیری که داشتند بارها در مقابل دروازه حریف برای هافسکا و مهاجم نوک خود موقعیت آفرینند اما کم دقتی و شوتهای بی هدف شری بیار نیایورد. برق و تهرانپوان برای باز کردن طلسم

دروازه ها در نیمه دوم مهاجمان خود را تعویض کردند که این شیوه نیز نتوانست قفل دروازه ای را باز کند. محمود نور مهاجم برق که چهره ای پزفروغ داشت در دقیقه ۵۴ میتوانست تیم خود را صاحب گل کند که دروازه بان تهرانپوان بموقع راه نفوذ او را بست.

نزول کیان

معلوم نیست چرا کیان هر هفته باین تر از حد خود میرود این تیم در روزهای نخست با چهره ای کوبنده و سریع همگان را متوجه خود ساخت و تیمها را به وحشت انداخت اما آتس تند کیانها کم کم فروکش کرد و بطوریکه در چهارمین روز یک خاموشی شد.

کیانها با بی میلی و سستی بازی را آغاز کردند ولی با اینحال در نیمه اول تعادل برقرار بود که در این تعادل استیهای بیشتر و جسارت بازیکنان سازمان آب بخوبی مشهود بود. سازمان آب که میخواست انتهای جدول را ترک و به رقابت با تیمهای میانه جدول بپردازد وقت دوم را با تحرکی بیشتر آغاز کرد و خیلی زود دریافت که حریف کم حال تر از همیشه ظاهر شده و پیروزی زیاد دسوار نیست.

«کیان» در خط دفاعی براسنبه و در میانه میدان کم کار بود و همین امر اجازه میداد تا سریف کم نام و نشان هر چه بیشتر به سنگر این تیم نزدیک شود و ایجاد خطر نماید.

در دقیقه ۶۵ بازی آنچه که انتظار میرفت پیش آمد و دروازه کیان فرو ریخت ایاپوزر با شوتی کشنده توپ را از جناح چپ روی دروازه فرستاد و «سازوکار» دیگر مهاجم سازمان آب با ضربه سردروازه را فرو ریخت.

پس از گل، کیان گوتی از خوابی سنگین بیدار شده سخت به تکاپو افتاد و دربی گل مساوی تلاش نمود اما حریف پیروزی را بهیچ شکل رها نکرد. در نیمه سازمان آب تمام مهره ها برکار بودند که در این میان، ایاپوزر بازوکار و رضا توحیدی برفروغ تر از دیگران نشان دادند.

با فیرچایلد آمریکا:

این پدیده انقلابی دنیای سینما:

زندگی شما سرشار از لطف و شیرینی و میهمانیهای شما بر خوردار از صفا و شکوه بی نظیری خواهد بود.

فیرچایلد:

این سینمای تمام اتوماتیک:

کلیه مشکلات مربوط به نمایش فیلم (با پر و کتورهای معمولی) را منتفی نموده و شما امکان میدهد شادترین لحظات را در منزل و مسافرت برای خود و خانواده عزیز خود فراهم آورید.

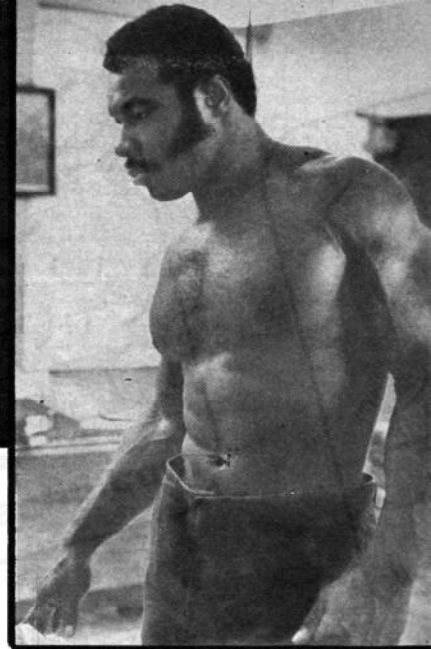
انواع فیلمهای رنگی و ناطق برای استفاده کوچک و بزرگ و حتی فیلمهای خانوادگی شما در کاست قرار میگیرند و در هر لحظه و هر کجا حتی در روشنایی کامل فقط با فشار یک دکمه تصویر زیبا و زنده ای بر پرده بزرگ سینمایی و چه بر صفحه تلویزیونی فیرچایلد نمایش گذارد میشود.



پوبلیکو - نادر شاه جنوبی شماره ۲۸ تلفن ۶۲۳۸۰۴ ۶۲۳۰۰۶

جانشین محمد علی از زندان

زندان «استیت ویل» محلی که قهرمانان بزرگ



جومبو در حیاط زندان خود را برای انجام یک مسابقه بوکس گرم میکند.

در زندان استیت ویل بقدری بالا و قابل توجه است که مسولان زندان اقدام به تشکیل یک تیم برگزیده وزنه برداری کرده اند و حتی کاپیتان آنها با توجه به رکوردهایش یک چهره بزرگ در این رشته بحساب میاید.

مغرور میشوند، شاید بهمین خاطر باشد که مقامات زندان «استیت ویل» چند سال قبل تصمیم گرفتند، تمام آتینه های کوچک و بزرگی را که در زندان یافت میشد به بیرون ببرند و از آن به بعد حتی یک آتینه کوچک هم در محیط زندان یافت نمی شود، چون تماشای اندام، خود یکی از عوامل اصلی این غرور بیسمورد زندانیان ورزشکار بود.

نتیجه خوب

بیرون بردن تمام آتینه های زندان بشکل عجیبی در بهبود وضع روحی زندانیان مفید واقع شد و از آن به بعد بتدریج بجای صحبت های مغرورانه زندانیان در سالن ورزش با یکدیگر، سروصدای برخورد وزنه ها و میله های وزنه برداری با زمین حاکم بر فضای سالن شدند.

در محیط زندان و برای یک زندانی، هیچ چیز کشنده تر از عصبانیت نیست و خوشبختانه تجربه نشان داده است، آنانکه اوقات خود را در سالن ورزش زندان میگذرانند، خیلی بندرت تن به خشم و عصبانیت میدهند، دلیل اینست که فکر و ذکر زندگی آنان در محیط سر بسته زندان، همان سرگرمی ورزشی است که روز بروز علاقه و شیفگی بیشتری در وجود آنها بر می انگیزد.

در حال حاضر کیفیت کار وزنه برداران حاضر

در حد فاصل چهل مایلی جنوب غربی شیکاگو، زندان «استیت ویل» یکی از مشهورترین زندانهای ایالات متحده آمریکا قرار دارد، برای رسیدن بدنیای داخل زندان «استیت ویل» باید از پنج در آهنی بزرگ عبور کرد، سیستم کار این پنج در بدین شکل است که تا قبل از بسته شدن هر کدام از درهای پشت سر، در روبرو باز نخواهد شد و جالب اینکه مامورین کنترل هر یک از این درها با دقت نظر عجیب عبور هر جنبه ای را از میان در مربوط بخود شمارش میکنند، حتی اگر دو یا یک نفر هم از مقابل آنها عبور کنند.

تنها مامورین کنترل در آخر که بدنیای داخل زندان گنوده میشود، بدون داشتن هیچ اسلحه ای پاس میدهند و با وجود این ایشان هرگونه حرکت غیر عادی را در محوطه اصلی زندان دور از نظر ندارند. تنها صدای عادی و همیشگی برای گوشهای آنان صدای پای خود آنها است و بجز این هر صدای دیگری توجه آنها را بر میانگیزد.

شهری کوچک

اما این شرایط مربوط به شب هنگام است. چه در روز دنیای داخل زندان «استیت ویل» به اندازه یک شهر کوچک پر جنب و جوش است. ساختمانهای متعدد زندان «استیت ویل» را بجز خوابگاههای زندانیان - بیمارستان، اتاق مطالعه، کافه تریا و غیره تشکیل میدهند.

یکی از جالبترین سالنهای زندان «استیت ویل»، سالن ورزش زندان است، جاییکه اگر کسی بی توجه به شرایط حول و حوش خود قدم بدرون این سالن بگذارد با توجه به عضلات ورزیده ورزشکاران خاصه وزنه برداران، بلافاصله این سالن را با یک سالن باشگاه بزرگ ورزشی اشتباه خواهد کرد.

اما بلافاصله فریادهای غیر معمول پاره ای از زندانیان، شرایط غیر عادی محیط را یادآور میشود. شنیدن جملات غیر معمولی نظیر، می قیافه است بدیست... اگر ما بقدر وزنه بلند کنیم پرامون کف میزنی؟ باید برای تازه واردین به این محیط کاملاً عادی تلقی شود.

اصولاً آن گروه از زندانیان که بعضی هر کار دیگری به سالن ورزش روی میکنند و اوقات خود را با تمرینات ورزشی سپری میکنند، پس از مدتی با نگاه به عضلات ورزیده و قدرت بدنی خوب خود بشکل عجیبی

است که از بعضی منذهای سالن بدرون راه می پاید!

تمرینات تکنیکی

از نظر تکنیکی وقتی هم، گاهی اوقات تمرینات جمعی این گروه پس جالب توجه و پرازش است. بازهم کاپیتان تیم وزنه برداری مدل حرکات دیگر وزنه برداران است. او و همه تمرین کنندگان، یک به یک، وزنه ای به سنگینی های متفاوت بر روی شانه میگذارند و بتمرین مشغول میشوند، سنگین ترین وزنه مورد استفاده یک وزنه ۲۴۲/۵ کیلوئی است که تنها کاپیتان تیم قادر به نشست و برخاست با آن میباشد.

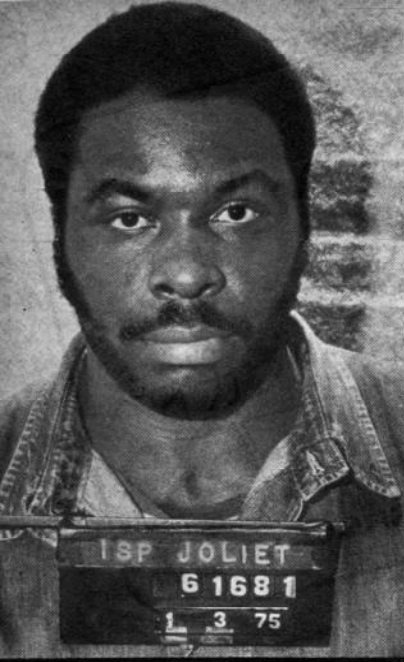
جس ویل یکی از مراقبان زندان استیت ویل که اکثر اوقاتش را به مراقبت از زندانیان ورزشکار در داخل سالن ورزش زندان میگذراند، درباره نحوه زندگی این گروه میگوید: - آنان سعی میکنند در محیط سر بسته زندان زندگی بیرون را تقلید کنند، اما غافل از این هستند که ورزش در آغاز اجباری، بتدریج چطور روح و جسم آنان را از تمام افکار

شکل تمرین و ارزش کیفی کار این گروه بقدری جلب توجه کرده که حتی مسولان زندان حاضر شده اند که اجازه تمرین برای تمام مدت روز را به آنها بدهند و تقریباً هم خود این گروه وزنه برداران و هم مراقبین آنان به زندگی سراسر ورزشی خود بیش از هر چیزی خور کرده اند. چون در مدت تمرین و حضور آنها در سالن ورزش، هیچگونه عمل غیر عادی و خلافی از آنها سر نمیزند و بقدری سکوت و آرامش آنها دزدل ماموران اطمینان و اعتماد خلق کرده که مراقبان حتی به «پاک کردن اسلحه های خود و باز و بسته کردن آنها و نشستن در گوشه ای از سالن میپردازند.

تمرین روزانه وزنه برداران، اکثراً با حرکات دستجمعی که کاپیتان تیم وزنه برداری زندان آنها را رهبری میکند شروع میشود. در مدت این تمرینات دستجمعی کوچکترین صدائی از کسی بلند نمی شود و تنها صدای موجود، صدای چک چک آب از یک شیر خراب گوشه سالن و گاهگاه وزنه باد



آندریوردموند یکی از اعضا تیم وزنه برداری زندان استیت ویل. او در تلاش کسب عنوان قهرمانی در مسابقات وزنه برداری دناستگاههای آمریکا است



این نام را بخاطر داشته باشید - فلوید کومینگز
(جومبو)

ت‌میل‌ه‌ای زندان می‌اید

نه برداری و بکس آمریکا پرورش می‌دهد!

زندگی خود را در بست میله‌های زندان سری کنید. و این همان فکری است که گناهکار موجب رکود پیشرفت قهرمانان زندان «استیت‌ویل» می‌گردد چون پس از دوران بحرانی احساس به گناه و سس یافتن راه ساده زندگی، بهدر رفتن بهترین سالهای زندگی، مهم‌ترین مساله‌ای است که زندانیان را می‌آزارد و مانع از توجه مطلق آنان به امر ورزش و تمرینات ورزشی آنها می‌گردد.

با این وجود قانون زندان غیرقابل سرپیچی است و هر زندانی بسته به محکومیت خود باید سالهای زندانش را در بست میله‌ها طی کند. تن دادن به همین قانون است که سس از گذشت چند سال، کار و حرفه اصلی و بیرونی هر یک از زندانیان را بکلی از یاد و خاطر آنها برده و در عوض همین تجربیات ورزشی جایگزین آن می‌شود. یکی از زندانیان که بیش از ۴ سال از بودنش در زندان می‌گذرد می‌گفت، من در بیرون به سفلی مکانیکی مشغول بودم و اتفاقاً یک مکانیکسین برجسته محسوب می‌شدم. اما از زمان آمدن به زندان و جدائی از کار مکانیکی بتدریج آن حرفه را از یاد بردم و حالا با ۴ سال تمرین وزنه برداری، احساس می‌کنم یک وزنه بردار حرفه‌ای شده‌ام.

تا حال هرچه گفته شد از نقطه نظر جنبه‌های ورزشی بود. اما حالا باید نظر خوانندگان عزیز را نیز به علل زندانی بودن باره‌ای از این زندانیان که بسیاری عضویت تیم‌های ورزشی زندان نیز در می‌آیند جلب کرد. در همین زمان در تیم وزنه برداری زندان، کسی عضویت دارد که بجرم قتل یک مأمور پلیس به زندان «استیت‌ویل» فرستاده شده است با بهترین ستاره تیم بیسیال که در بی خشمی آنی همسری را بقصد کشت کتک زده و سس او را از بالکن منزلی به پایین برت کرده است. عجیب این‌که با شروع به ورزش و حاکم شدن یک روح و روان ساده و بی‌الایشی در وجود آنان، بتدریج خود به گناه عملی که منجر به زندانی شدن آن گردیده بی‌میرند و برای باره‌ای از ورزشکاران، دوران تجسم عمل و احساس گناه از این بایست، بحرانی‌ترین ساعات زندگی آنها است و حتی درباره‌ای از موارد بعضی از این زندانیان بتلافی قصد جان خود کرده‌اند.

البته در میان این زندانیان، اکثریت با کسانی است که مرتکب قتل نشده‌اند. دزدان و تبهکاران در این جمع اکثریت دارند. اما با وجود تفاوت در نوع جرم، نکته مشترک در بین تمامی آنان این‌که باید بهترین سالهای

مفتشوش کننده و ناآرامیهای جسمی باز می‌دارد. ضمن اینکه بدلیل ممارست و تمرین پی‌گیر در یک رشته ورزشی، تجربیات و پیشرفت‌های عالی نیز کسب می‌کنند.

در سایه همین تمرینات خوب و موثر بود که تیم وزنه برداری زندان «استیت‌ویل» در مسابقات قهرمانی ندامتگاه‌های سراسر آمریکا در سال ۱۹۷۲ بمقام قهرمانی رسید.

در سال ۱۹۷۳ تیم «استیت‌ویل» بجهت عدم آمادگی شرکت نکرد. لیکن در سال ۱۹۷۴ باردیگر وزنه برداران استیت‌ویل بمقام قهرمانی دست یافتند.

علل محکومیت

مسوولان زندان «استیت‌ویل» از برگزاری مسابقات دوستانه هم غافل نیستند. برای نمونه، تیم بیسیال دانشگاه «ایلیونیز» آخرین میهمانی بود که همین یکی دو هفته قبل برای انجام یک دیدار با تیم بیسیال زندان به زمین بیسیال «استیت‌ویل» آمد و اتفاقاً تیم زندان استیت‌ویل هم به پیروزی دست یافت.

جومبو زندانی شماره ۶۱۶۸۱ زندان استیت‌ویل می‌خواهد شهرت و یک‌ه‌تازی‌اش در ورزش زندان را به دنیای خارج هم بکشانند.

برجسته ترین ورزشکار

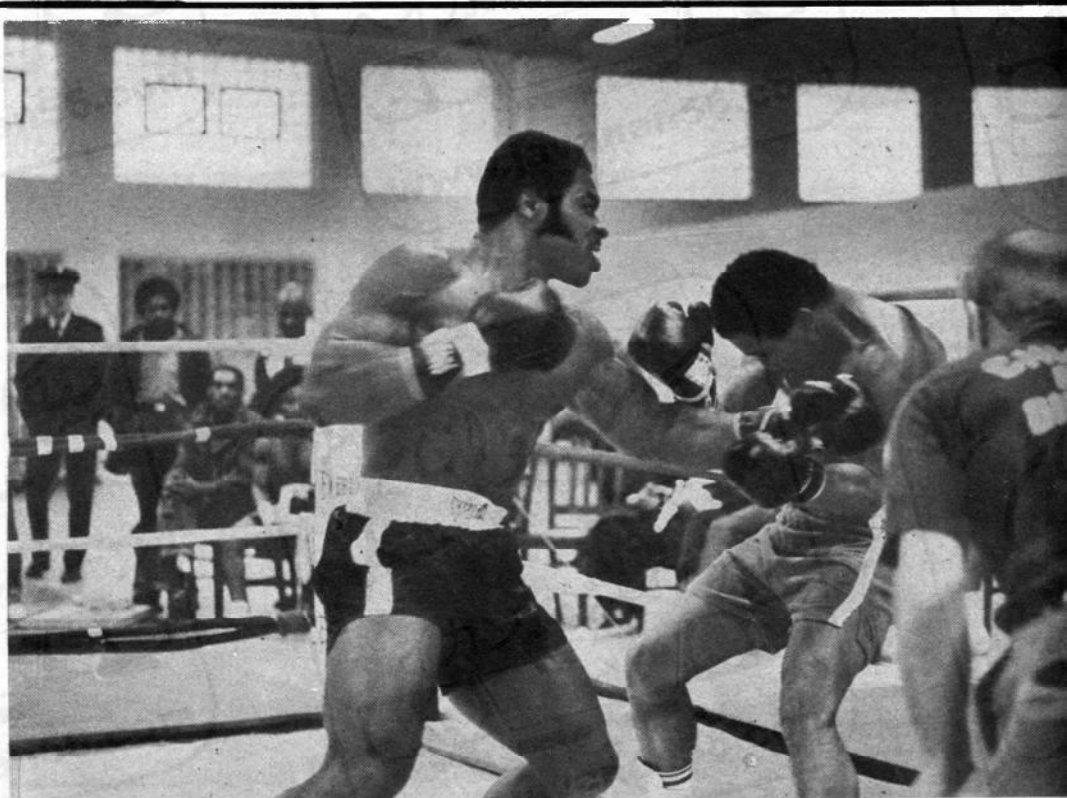
در پایان این شناسانی کوتاه از محیط ورزشی زندان استیت‌ویل باید اندکی هم راجع به «فلوید کومینگز» مشهور به «جومبو» که قهرمان دسته فوق سنگین وزنه برداری زندان می‌باشد صحبت کرد که دقیقاً ۲۹۸/۵ کیلو وزنه بلند می‌کند.

جومبو از نظر ساختمان عضلانی و بدنی به یقین یکی از استثنائی‌ترین قهرمانان زندان است. و بهمین دلیل او در همه امور ورزشی زندان پیشاهنگ است و بقول خودش می‌خواهد قهرمان بوکس دسته سنگین وزن جهان شود و بدلیل پی‌گیری همین هدف بود که مربی بوکس زندان استیت‌ویل به او توصیه کرد که از این پس فقط برای بوکس تمرین کند و از انجام تمرینات وزنه برداری که کار معمول و روزمره ورزشکاران زندان شده خودداری نماید.

جانشین محمد علی

جومبو یکی از معتقدان به این گفته مشهور زوزف کزاد، «ماهمانطور که در رویا می بینیم زندگی می‌کنم» می‌باشد. در روایان خود، قهرمانان المپیک را می بیند. بعد حرفه‌ای شدن را، بعد نبردهای بولساز را، او خود را سابع‌ترین جانشین برای محمدعلی میدانند. ولی اگر او قهرمان جهان هم که شود، این زنجیر برای تمامی زندگی‌های او بسته است که یک زندانی محدود و محصور به زندگی در محدوده زندان استیت‌ویل است. گرچه از مدتها قبل این سماعه در محیط زندان اوج گرفته است که در صورتی جومبو در مسابقات انتخابی تیم ملی بوکس آمریکا موفقیت کسب کند و راهی مسابقات المپیک مونترال گردد، مدت قابل توجهی از محکومیت او کاسته خواهد شد و این خود بزرگترین شتوانه روحی است که جومبو را هر روز سحرخیزتر، مصمم‌تر و جنگنده‌تر به نبرد با کیسه‌های بوکس به رینگ می‌فرستد. هر چند خودش همیشه این جمله را زیر لب زمزمه می‌کند که من برای زودتر آزاد شدن بوکس نمی‌کنم. چون زندانی شدن من از بار گناهانم خواهد کاست ولی بهرحال نشانه‌ای از حیات مجدد و آزادی در حسان او می‌درخشد.

به این ترتیب باید زندان «استیت‌ویل» را از عجیب‌ترین زندانهای جهان ساخت زندانی که قهرمانان بزرگ وزنه برداری و بکس حرفه‌ای آمریکا را درون خود پرورش می‌دهد!



جومبو در نبرد با گاردی دانیلز که یکی از بهترین مشت زنان دسته سنگین امانوران آمریکا است، با ناک‌اوت بر او چیره شد.

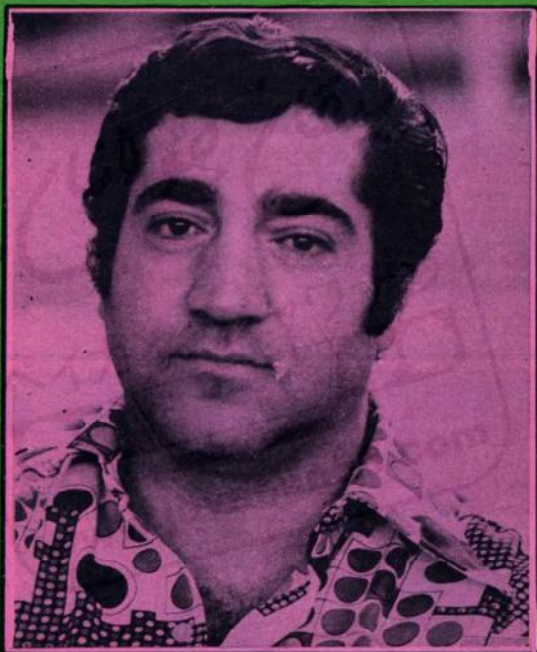
لنگ لنگ

مری تازه عقاب

نداشته است ولی از این پس در لباس مربیگری عقاب ظاهر خواهد شد. عقابیها در مسابقات فصل پیش باشگاهها تنها تیم بدون مربی و سرپرست بودند که تمام اینکارها را «معصومه مری» کاپیتان ملی پوش آنها انجام میداد و حالا گویا میخواهند سرور سرمان بیشتری به تیم خود بدهند و انتخاب «هدایتی» بعنوان مربی اولین قدم در این راه است که آرزوی موفقیت برایشان داریم.

دختران والیبالست عقاب که مدتهاست حتی مثل دیگر تیمهای باشگاهی یک مربی و یا سرپرست ظاهری هم نداشته‌اند و خودشان تمام این کارها را انجام داده‌اند. از این پس صاحب یک مربی خواهند بود تا برنامه‌اشان را اداره نماید.

این مربی تازه عقاب «رضا هدایتی» مربی و داور اشنای والیبال است که طول دوران اخیر در زمینه مربیگری در سطح باشگاهها تلاش می‌کرده.



مدد کارمفت و مجانی

ببیند، اگر کسی چیزی بخواد و خلاصه در تمام موارد و مسئله اینجاست که این آقا چیزی هم نمخواهد.

اسمش «محمود سارایی» است. هیکلش میزون و بر و بقول نچه‌ها سالار است و با وجود چند کیلو اضافه وزن سریع و چابک است و از سبوت شروع مسابقه تا سروس اخراج آرام ندارد.

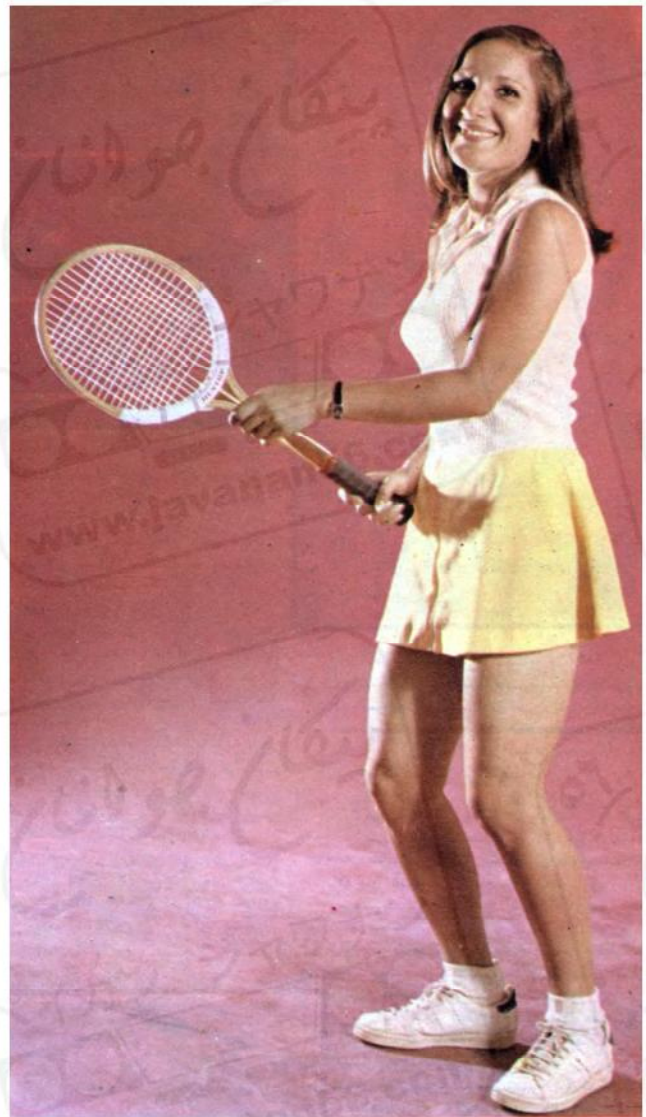
و نکته جالب اینکه این آقا مدیریت یک مدرسه را هم برعهده دارد ولی با اینحال هروقت در سالن مسابقه‌ای باشد حاضر و آماده است، و اینطور که در سالن و اطرافش میگویند فقط به خاطر علاقمندی پوزیشن و رفا می آید و کمک میکند چیزی هم انتظار ندارد. البته با اکثریت داوران و سرپرستان دوستی دیرینه و چند ساله دارد. بخصوص با جنوب سهریبه، چرا که خودش هم جنوبی است.

باین سبوت باید قبول کرد هنوز هم آنهاست هستند که بدون انتظار و مفت و مجانی کمک می کنند آنها فقط بخاطر رفاقت و علاقمندی.

در این حال و روز کنونی و دنیائی که نوی زندگی میکنیم هر وقت صحبت از کار و محبت و خلاصه این جور چیزها میسه می سبوم که میگویند: ای آقا دیگه بوی این دوره نمونه کسی واسه کسی مفت و مجانی کاری انجام نمیده، دیگه نگذشت آنوقتها که آدمها واسه رفاقت و علاقمندی کاری میکردن و انتظاری هم نداشتن!

شاید باید این حرف را قبول کرد، چرا که دیگه سختی های زندگی اجازه نمیدهد آدمها بیشتر از حدی معین و محدود محبت داشته باشند. ولی اینرا هم بایستی بدیرفت که در گروه و کنار هنوز هم کسانی هستند که بخاطر دلشون و نه بخاطر مسئله‌ای دیگر کاری میکنند.

از حدود مسابقات والیبال «جام دبای ورزش» به انطرف و ظرف این فاصله تا بازیهای بهرمانی آموزشگاههای در تهران که هفته پیش پایان رسید. سالن شماره ۲ فرج یک مدد کار بر تراس پیدا کرده که بدون ادعا و خیلی صمیمی کمک میکند. دراداره سالن، برقراری نظم و ترتیب، اگر بازیکنی آسیب به



ستاره‌های نودرتنیس

حالا نام اشنای بحساب میاید. «ژاله پرتو» که باید او را در شمار چند چهره انگشت نمای تنیس زنان ایران گذارد، حدود یکسال پیش از ابادان به تهران آمد و این شانسی تازه برای اراسته موجودیتش بود.

در ابادان بهترین بازیگر جنوب بشمار میاید. نمونه جالب یک دختر جنوبی بی اوام و پرچش و جوش است. خون داغ در رگهایش موج میزند و همین اجازه نمیدهد لحظه‌ای متوقف بماند. تنیس را در ابادان، شهری که در آن دنیا آمده اموخته، بدون مربی واقعی، شاید اگر از آغاز القای کار را به او یاد میدادند حالا چهره‌ای پرفروغ تر داشت.

زمینهای اجری رنگ تنیس دیار ما طول سالهای دور نزدیک کمتر از فروغ درخش ستارگان زن تنسی دلپذیر و روشنی بخش داشته است ضمن اینکه با گذشت زمان بهرور این تهی بودن بیشتر و عمیق تر احساس شده است و دیگر اینکه آنچه چراغ تنیس را روشن نگاهداشته وجود تک ستاره هانی بوده که با نور قانوس قام خود روشنائی اندکی را مهیا کرده‌اند. تنیس ایران در گروه زنان غنی نیست، نه از جهت کمیت و نه از نقطه نظر کیفیت و برخلاف آنچه بهر حال در گروه مردان وجود دارد، در جناح زنان نکته قابل تعمقی در میان نیست، با حساب اینکه تاکنون مسئله سازندگی در تنیس بخصوص در گروه زنان به آن مفهوم متداول مطرح نبوده است.

و در این گیرودار آنچه میتوان دید، استعدادهای خود سازی میبایستند که فرسایه شایستگی و توانائی ذاتی راه رسیدن به مکانهای بالاتر را پیدا میکند، اما تعداد این استعدادهای خودرو سخت اندک است. مهره تازه‌ای که در دوران اخیر توانست در تنیس زنان ایران موقعیتی دست آورد و نظرها را بسوی خود جلب کند یک دختر ابادانی بود که

شهرستانی بودن

بهرحال در روزهای آخر مسابقات فرصتی شد تا با او صحبتی کنیم: از خودش، از والیبال..... با ۱۶ سال سن، سال چهارم دبیرستان را میگذراند. حرفهای میزد که با بیاد آوردن بازیهای تیم چهارمحال، غم انگیز و حیرت آور مینمود.

می گفت: من یک شهرستانی هستم. یک چهارمحالی. شاید اگر تهرانی و حتی اصفهانی و یا گیلانی بودم وضع برایم بهتر بود. بیشتر دستم به توپ میخورد ولی با اینحال من شهرم را بیشتر از هر نقطه دیگری دوست دارم، دیاری دردل کوهپایه ها، چند روز پیش کسی را دیدم که درست مطمئن نبود «چهارمحال» مال شیراز است یا اصفهان و نمیدانست چهارمحال مال خودش است!

ما تو تیم چهارمحال فقط یک سالن داریم که زمینش اسفالت است و برنامه مشخصی هم نداریم هر وقت بشود تمرین می کنیم، مربی ثابت هم نداریم و حالا درآموزشگاهها زیر نظر آقای «خسرو ریاحی» تمرین می کنیم. میدوین ما در چهارمحال اصلا باشگاه نداریم و دیگر اینکه مسابقه هم نمیدهیم مگر اینکه اینطور بازیهای باشد و ما شرکت کنیم ولی اینکه «تیم» داشته باشیم و با هم مسابقه بدهیم و برنامه های دیگر از این خیرها نیست.

ولی بهرحال ما سبزی می کنیم و تلاش، ما از چهارمحال اقتدر فریاد خواهیم زد تا بالاخره صدای ما را بشنوند و اعتقاد داریم سرانجام روزی توپ ما خواهد شد.

این تمام حرفهای در مقابل سوال اینکه کجا تمرین میکنید، مربی شما کیست، عضو کدام باشگاه هستید؟ بود. راستش وقتی حرفش را اینطور مطرح کرد، ترجیح دادیم دیگر حرفی نزنیم. خودش هم دیگر چیزی نگفت.

برق نگاهش و کلماتش وجود احساسی از استقامت و شجاعت را نشان میداد، بدون مسابقه طول سال، تمرین هر وقت که بشود، زمین اسفالت.....

این یک درد و غصه قدیمی است که مثل خوره ریشه ورزش را می جود، درد شهرستانی بودن. اگر این دخترک جوان با این شرایط چهارمحالی نبود و حداقل در شهری زندگی میکرد که سالن، مربی و وسایل کافی داشت، کسی نمیتواند ادعا کند که قادر نباشد یک ستاره بزرگ شود.

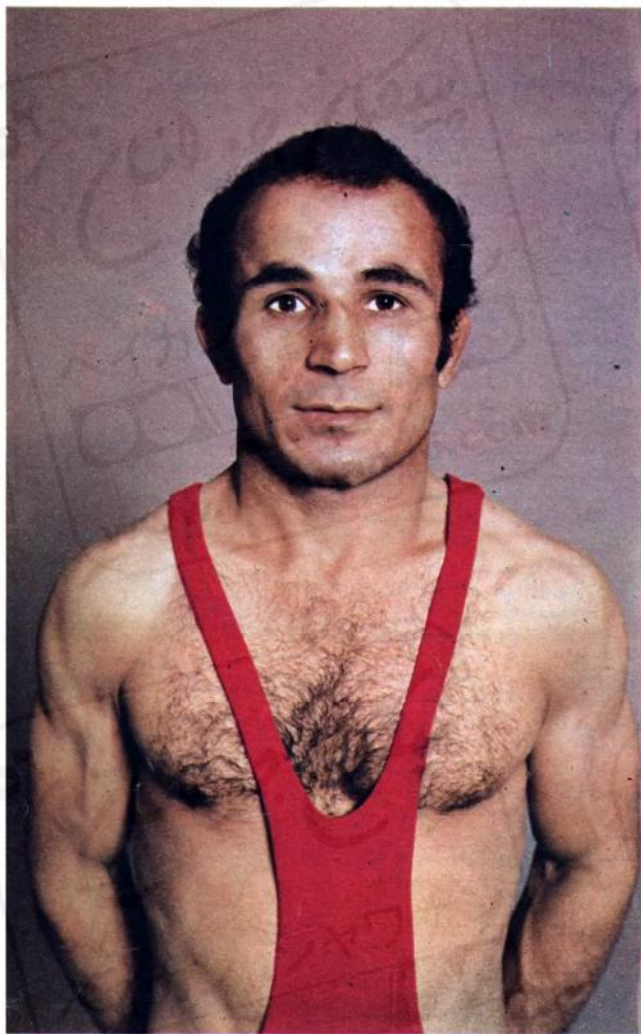
ولی اویاز هم به شهرش باز میگردد، به همان زمین اسفالت. روزها از طلوع خورشید تا غروب آفتاب در انتظار پسر خودمان برد، انتظار برای اینکه سالی دیگر برسد و او باز هم در مسابقات آموزشگاهها شرکت کند.

این آبا این ورزش محنت کشیده ما قادر است سرانجام از چنگال درد شهرستانی بودن بگریزد، اگر روزی این احساس دزدند شهرستانیها بفراموشی سپرده شود، خورشید شکوه در ورزش ما طلوع خواهد کرد.



تیم والیبال دختران چهارمحال بختیاری که در مسابقات قهرمانی آموزشگاههای ایران پس از تهران بعنوان دوم دست یافت، از آن تیمهایی بود که سریع و پر قدرت ظاهر شد و در همان نظر اول خیلی ها را واله و دوستدار خود کرد. یک مشت بچه که از تمام تیمها کوچکتر و جمع و جورتر بودند و با آن پیراهنهای قرمز رنگ، شلوارهای بلند و صورتهای معصوم و فرشته اسایشان سخت بردلها اثر می گذارند و برآستی هر تماشاگری آنها را میدید. بخاطر نام دیارشان، تلاش صمیمانه اشان، ادب و رفتارشان و بالاخره بخاطر بازیهای که در عین پائینی سطح شیرین و دلچسب مینمود آنها را تحسین میکرد.

همه اشان خوب بودند که در سایه همگامی تا فینال پیش رفتند، اما در جمع اینها یک بازیگر که ترکیه ای تر از همه نیز مینمود با پیراهن شماره ۳ درخشش جلب کننده تر داشت، «شهلا رتیش زاده» با پرشها و اسپکهائی که از جهش اش بعد نشان میداد، وقتی از او صحبت میشد، میگفتند: اگر در تهران بود میتوانست یک ستاره باشد، ولی معلوم نیست بعد چی بشه، شاید تیم چهارمحال سال دیگه با نبودن بوجده به بازیها نیاید و اونوقت است همه چیز تمام میشود.



سبحان روحی، فاتح طلایی یاشار دوغودرپی صیدی تازه

هفته گذشته با یک مدال طلا از ترکیه به تهران بازگشت و در جام یاشار دوغو بعنوان تنها چهره فاتح پرچم سه رنگ ایران را بالاتر از همه با بهترین درآورد و این هفته برای صید مدال طلایی دیگر راهی لایپزیک در آلمان شرقی خواهد شد.

سبحان روحی قهرمان ۲۸ کیلوی ایران که در همدان با درخششی کم نظیر بر مقام نخست بوسه زد، هنوز شانس حضور در مسابقات قهرمانی جهان نصیبی نشده است و علیرغم اینکه در میدانهای مختلف مدالهای رنگارنگی برگردش آویخته ولی آرزوی بزرگش قبل از رسیدن به مسابقات غروب صعود از سکوی افتخار جهان است.

سالها قبل از اینکه راهی به اصفهان یابد از جمله یوسفراوان ۲۸ کیلوی مازندران برای تصاحب برآهیم جوای کوجولی بر افتخار کشنی شانه ایران میساید و اتفاقا به همراه تیم ایران مسابقات بین المللی تاتراس در اولین قدم راهی لهستان شد. حضور جوانی و روحی دران صحنه شانس دیگران را برای دسترسی بعنوان اول و دوم از میان برده بود و روحی نیردنیهای را با امتیازی اندک به جوانی سیرد و خود بدویافت مدال نقره ناآل شد.

علیرغم این آغاز خوب چند سالی در راه صعود او وقفه ایجاد شد تا اینکه با استخدام در ذوب آهن اصفهان در خدمت تیم اصفهان قرار گرفت و منصور تیریزی مربی بر تلاش اصفهانی با دلیستی تحسین

انگیزی را بدیگر او را به روزهای اوج نزدیک کرد، تا جاکه در سال ۱۳۵۲ با مقام نایب تیم ملی به اردو دعوت شد و سرانجام در سال گذشته در تیم منتخب ایران در بازیهای آسیائی صاحب برآهیم ملی شد. زه آورد او از بازیهای آسیائی مدال نقره ۲۸ کیلو بود که بعد از قهرمان ژاپنی که مدال طلا برد او بگردد آویخت.

افتخارات او طول سالهای حیات در کشنی تاکنون اینها بوده است:

مدال نقره از مسابقات بین المللی تاتراس، عنوان دوم از جام نفلیس، قهرمان دوره های هفتم و هشتم جام آبراهیم - برنده مدال نقره دیدارهای جهانی ۱۹۷۲ لاسی بالماسی و قهرمان مسابقات جام یاشار دوغو.

در این زمان روحی بدنیال آمادگی دلخواه فرامیسه صید مدال جهانی است. قبل از میدان مسابقات انتخابی و جام جهانی شوروی، مسابقات بین المللی لایپزیک جولانگهی ارزنده برای اندازه گیری این غر خاسته است که در برخورد با قدرتهای شناخته شده کتی بهتر ارزش و موجودیت خود را واته کند.

کشنی گیر ۲۸ کیلوی تیم ملی متاهل و صاحب ۲ فرزند میباشد. زادگاه اصلی او مازندران است، دو حالیکه در حال حاضر در عضویت دوب آهن در اصفهان بخدمت مشغول می باشد.

ابتکار تازه

فرستاد حالا در انبار تربیت بدنی بدون استفاده دارد خاک میخورد و اگر یکی دیگر به فرستند. میرود کنار دست آن یکی!

تازه فقط میز داشتن چاره ساز نیست، وقتی مسابقه ای در کار نباشد تمرین تنها به چه درد میخورد؟ ما میز نمی خواهیم مسابقه میخوایم.

بهرحال امیدواریم این خبر صورت تحقق پیدا نکند و مسابقات قهرمانی کشور با این مسئله ابتکار بخرج دادن «میز خریدن» در مقابل انجام نشدن بازیها عملی نشود، چرا که اکثریت تیمهای شهرستانی طول سال برای فرارسیدن زمان برگزاری دیدارهای قهرمانی کشور منتظرند تا مسابقه و تماسی با دیگر تیمها داشته باشند. اگر اینهم بهم خورد دیگر دلخوشی باقی نمی ماند.

در گوشه و کنار صحبت از اینست که گویا فدراسیون بینگ بنگ قصد دارد امسال مسابقات قهرمانی کشور را برگزار نکند و در عوض بوجده ابتکار را برای خریدن میز بینگ بنگ و فرستادن آن به شهرستانیها اختصاص بدهد، و البته این خبر اگر به رسماً مطرح نشده ولی بهرحال به گوش خیلی ها متوجه مربیان و بازیکنان شهرستانی رسیده و باعث ناراضی فراوان هم شده است. و مربیان شهرستانی که همواره «تیمها» برای مسابقات قهرمانی آموزشگاههای ایران به تهران آمده بودند هر کدام در این باره چیزی میگفتند و حرف «فرستنی» مربی خراسان از همه جالب تر بود که می گفت:

میز اولی که فدراسیون چند وقت پیش برای ما

برکت سفر افغانستان برای اصفهان!

هنوز از برکات سفر تیم منتخب اصفهان به افغانستان خبری نصیب فوتبالی این شهر نشده که خطر از هم باسیدگی و کناره گیری تنی خند از بازیکنان سرشناس، دو تیم دُوب آهن و ساهاان را تهدید میکند و از همین حالا، فزادغانی برنامون اغراض و کناره گیری بعضی ها میرسد.

در بین نامهایی که صحبت از ناروایی ها میکنند، جفاری و ندیمیان مدتی است به فوتبال و نعرینات تیمی علاقه نشان نمیدهند و گناهش گردن آنها که میگویند. این دو میخوانند گرد فوتبال را خط بکشند و کشتی ها را بیاورند این دو از خیلی بیس از رفتن خود نجوا کرده اند و سان این دو حاج رسولی و عالیه که مدتی است آنها را حتی دور زمین فوتبال هم ندیده اند. بجز این چهار نفر، سیاوش حیدری، ساهور نصیریان، اکبردادفری، محوریان و مهدوی هم از نحوی گزینی تیم منتخب اصفهان کله کرده اند و حتی از این جمع حیدری و نصیریان که بی مهری انتخاب کنندگان را نمیتوانند تحمل کنند به سختی برآشفته اند و سخت مصمم شده اند که دیگر با براهن تیم دُوب آهن بمیدان نایند و حتی آنقدر در این مورد اصرار دارند که صحبت از کناره گیری همسگی میکنند. از آنجا که این دو هر یک بدلیل سابقه خوب و ارزش خاص در تیم خود و در فوتبال اصفهان صاحب اعتبارند، بانی اغراض و گلگی آنها می نسبین تا ببینیم چه میگویند.

*** ساهور نصیریان:** کایتی تیم دُوب آهن و مدافع فداکار این تیم را افسرده و غمگین، حسم به تعاسای نعرینات تیم منتخب دوخته ملاقات، می کنیم. وقتی س از خوس و بی مختصر سردرد دلیس باز می سود میگویند:

«نا بحال در سه دوره از جام تخت جمشید بار بابت تیم دُوب آهن بوده ام و در همین تیم فصل به سهادت خیلی ها و به تصدیق نوسه های ورزشی، بهترین بازیهای خود را کرده ام و خود سنا آگاهید که در ده سابقه که من در خط دفاع حضور داشته ام، تیم ما فقط یک سکست داشته است، من حتی بارها با زانوی آسیب دیده، تیم خود را که در بدترین موقعیت بود ترک نکردم و هر بار هم که مساعده ای تمام میشد، «لی یادین» اولین کسی بود که بمن تبریک میگفت و از بازی خوب من ابراز خوشنوی میکرد.

من به این تیم که پایه و اساس را ریخته ام تعصب خاص دارم و حتی اگر اینطور مرا بی ارزش، کنار نیندازد و جزو لیست، انتخاب ندانم بوم، بخدا قسم به افغانستان نمی رفته، خون در فصل گذشته خیلی خسته شده بوم و ترجیح میدادم که در کنار خانواده بمانم. من اینجاست ناراحت میوم که با انهمه تعریفهای «لی یادین»، حضور منسود کایتی و ستاره خط دفاع (این را خود نمیکوم از قول دیگران و نوسه ها اضافه میکنم) جزو آن عده بازیکن دعوت شده از دُوب آهن نبوده باشد، بهر صورت من این بی احترامی و بی لطفی را نسبت بخود نمیتوانم تحمل کنم و برای همیشه باوروس مورد علاقه ام خداحافظی میکنم. شاید دور از اینکه جنگ اعضاها و دورویی ها بتوانم به زندگی خانوادگی ام سرورسوری بدهم.

حال ثابت شده

*** سیاوش حیدری:** مهاجم خوب دُوب آهن که در دو فصل گذشته بهترین گلزن اصفهان لقب گرفته بود و با آمدن «لی یادین» او را کمتر در میدان میدیدیم و در این اواش، با همه ی غیبت های مکرر به آمادگی دلخواه رسیده بود یکی دیگر از معترضین بود که انتخابات لی یادین و پاوری را برای سفر به افغانستان نمی پسندید. «سیاوش» که در تمامی تمرینات تیم اصفهانی مرتب حاضر میشد و در بین فوتبالدوستان اصفهانی جایب خاص دارد اینطور به رنگارام ما گفت:

«حالا دیگر بمن ثابت شد که لی یادین از من بدش میاید و حق مسلم مرا پایمال میکند. من که در دو دوره گذشته جام تخت جمشید بیشترین گلها را برای اصفهان زده ام و در رده ی گلزنها، یکی از مکانهای خوب را داشته ام،



سیاوش حیدری: تا زمانیکه این غرض ورزیها ادامه یابد بمیدان نخواهم آمد.



شاهروز نصیریان: پس این بود نتیجه ی تعریفهای «لی یادین»

چطور حالا اینطور بی ارزش شده ام که بشود سفر افغانستان هم نمیخورم؟! و یا در طول بازیهای رفت فقط چند تا بیست دقیقه میتوانستم مفید باشم!

همه میدانند که تمریناتم بهتر از بقیه بوده، اما نمی دلم روی چه ضوابطی مرا انتخاب نکرده اند؟ حتی در دیدار آزمایشی همه بوضوح دیدند که خوب بوم، اما مرا کنار گذاروند و بازیکنی را جزولیت قرار دادند که در تمرینات غایب بود و هرگز بمیدان هم پا نگذاشت.

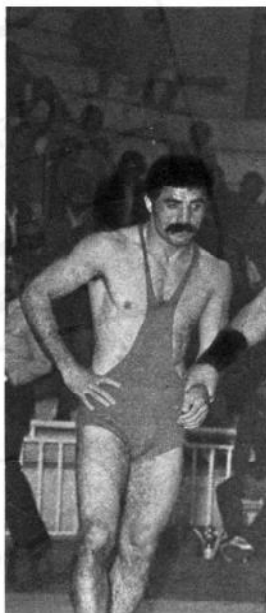
من بیشتر از حق کسی را به گردن «لی یادین» می گذارم، چون نمی از بازیکنان را او انتخاب کرده است، آیا شوقی» در تمرینات حضور داشته است که انتخابش کرده و مرا که هیچگاه در تمرینات تا مرتب نبوده ام کنار گذارده اند! آنها همه اش غرض ورزی است و من تا زمانیکه حق کشتیا ادامه داشته باشد دیگر بمیدان نخواهم رفت.

*** اینکه مربیان دو تیم در این گزینی چه ضوابطی را رعایت کرده اند:** بختی جدا دارد، اما این را هم میدانیم که ساهور نصیریان در تمام دیدارهای رفت جام سوم یکی از مدافعان خوب، خوش فکر و کم اشتباه بود و سهم او در آنچه دُوب آهن بدست آورده است، کم نیست.

سیاوش حیدری هم از جمله مهاجمان خوش تکنیک و گلزن جام تخت جمشید و در رقابت با بهترین گلزنان جام، همیشه مورد گفتگو بوده است، می پنداریم که باید در این سفر، از یاد نیرفتند.

کشتی مازندران داردمیمیرد، چرا؟

انجام نداد، بعلت همین عدم تمایل، اداره کل تربیت بدنی خود دست بکار شد و فقط ۵ روز مانده به مسابقات قهرمانی ایران بود که کشتی گیران اغزامی را برگزیدند در نتیجه عزیز رستمی در ۲۸ کیلو، جعفر علیجانی در ۵۷ کیلو و لحیم چی در ۱۰۰ کیلو شرکت نکردند و حتی شاهرخی کشتی گیر وزن ۹۰ کیلویی بابل که همراه تیم تا تهران آمده بود پس از آنکه لباس گرم و هزینه سفر خود را از مربی تحویل گرفت از شرکت در مسابقات خودداری کرد و تیم مازندران بهمین دلیل یک تیم ناقص بود که بعضی از آنها هم بی تمرین به مسابقات آمدند، من که یک مازندرانی متعصب هستم وقتی دیدم فقط ۶ کشتی گیر تا آماده روی تشک آمده اند و اینقدر کشتی مازندران ذلیل شده، از ناراحتی در جای خود بند نبوم.



اینها را که میگویم نه بدلیل آنست که بهانه ای آورده باشم شکست خودمان را موجه وانمود کنم، بلکه این درد مرا میکند که استان مازندران که زمانی قهرمانان بزرگ چون مومند، مومنی، عقیلی، رعیت پناه، خدر، سوخته سراپی، اسلامی، روحی، علیچانی، و مردانی و مانند اینها را پرورش داده است و کشتی در خون مرعش جریان دارد به این روز افتاده است

علت سکوت

معلوم نیست علت سکوت مسئولان هیئت کشتی مازندران چیست. هیئتی که زمانی از علاقمند ترین و وفادارترین هیئتهای کشتی کشور بود، آیا حالا از این نزول و رکود بازاحت مبسوود؟ و آیا در این مورد احساس مسئولیت نمیکند؟

مع الوصف علاج کار را تا آنجائیکه در کشتی مازندران اطلاعاتی دارم، اینطور میدانم که ۷۰ درصد کشتی گیران مازندران را کشتی گیران روستایی این استان تشکیل میدهند، آنها حتی بخاطر علاقه ای که دارند، از روستاهای خود بسیر می آیند و بتعزین مسئول میسود، میسود به این مناطق و به این روستاهای تشک کشتی و مربی فرستاد و حتی یک سالن کشتی برای آنها بوجود آورد و با توجه به اینکه بیشتر روستاها صاحب یک سالن هستند، می بینیم یک تخته تشک کار آنها را راه می اندازد، بدین است که با این اعداد باید منتظر سوخته سراپی ها، مومنی ها و خدرهای دیگر بود که از بین آنها برخیزند و این از فدراسیون دکتر توکل بیشتر انتظار میرود.

نداشتن مربی خوب هم از مشکلات کشتی مازندران است، در سبیلان مربیان که در زمان خادم تشکیل شد در این مورد صحبت کردم و تقاضای اعزام چند مربی از تهران به مازندران کردم که هنوز هم به آن خواهش من وضعی نتهاده اند.

به حساب امار، هم اکنون در سطح مازندران فقط دو یا سه مربی جدی و فعال وجود دارد و در بقیه شهرها هستند کسانی که آرزوی داشتن یک مربی خوب را دارند. چه خوب بود فدراسیون کشتی، تعدادی از مربیان تهرانی را حداقل بمدت چند ماه در روستاها میفرستادند تا بیامزید که هرکس چگونه علاج است، همچنین از اداره کل تربیت بدنی مازندران که در رأس آن شخصی فعال بنام کایفر فرار دارد و در مدتی کم اطلاع درباره کلیه ورزشها را بسطع عالی رسانده، تقاضای رسیدگی به وضع کشتی مازندران بنمایند تا این ورزش ملی و سنتی که از افتخارات استان ما محسوب میسود، نابود. شود.

در خانه از همه مسئولان و دست اندرکاران خواهش میکنم بیایدن دستهای اتحاد و هماهنگی را بسوی هم دراز کرده و آتش اختلافات را اگر هم وجود دارد خاموش کنیم و بسوی روستایی های فعالیت، گام برداریم.

اسدالله رضایی
کشتی گیر وزن ۶۲ کیلویی مازندران

از یک کشتی گیر مازندرانی هم نامهای داشتم، پر از خط خوردگی، که نمی از آنرا با خود نویس بخط سیاه نوشته بود و نمی دیگر را با خود کار و برنگ قرمز، بی مقدمه نامی کمی مختصر شده ی او را در زیر می آوریم.

«ضمن عرض سلام، سلامتی و موفقیت روز افزون کارکنان محترم ان مجله را ارزو میکنم. نزول غیر منتظره ی تیم کشتی آزاد مازندران در سی و پنجمین دوره مسابقات قهرمانی ایران که در همدان برگزار شد، مرا بر آن داشت که بنام یک مازندرانی نواقص کار را بروی کاغذ بیآورم، خواستمند است همانطوریکه همیشه ایده و انگیزه ی ان مجله محترم گذرش واقعی ورزش و رفع نواقص موجود ورزش کشور بوده است، این نوشته را در ان مجله منعکس نمایند تا از رکود روز افزون کشتی مازندران جلوگیری شود.

ابتدا موضوع را از فدراسیون کشتی شروع میکنم که متأسفانه عدم توجه خود را با انتخاب اعضای کمیته های مختلف فدراسیون خود، به مازندران نشان داده است و اگر نام آنها بی را که در کمیته های فنی، کشتی های محلی و داوری یا کمیته های دیگر آمده است مطالعه کنیم نظر مرا تأیید می کنید که فدراسیون کوتنی چقدر به مازندرانها یک لطفی کرده است و تعجب آور اینکه مازندران با انهمه افتخارات حتی یکنفر از عضو کمیته های مذکور ندارد، شاید استدلال شود که «حبیبی» یکی از مازندرانهای عضو فدراسیون است، اما او که ساهلست در تهران سکونت دارد از مشکلات کسونی مازندران آگاهی ندارد، حتی در کمیته ی کشتی های محلی هم از مازندرانها خبری نیست در حالیکه کشتی های محلی در خراسان، مازندران و گیلان با نام چوخه، لوچو و گیله مرد وجود دارد.

خوبست به موضوع اصلی بپردازیم و از مشکلات مازندران یاد کنیم. متأسفانه مدتی است ورزش کشتی در مازندران بحالت رکود در آمده و روز بروز هم این نزول و عقب نشینی محسوس تر میشود تا جائیکه امسال نه تنها هیئت کشتی مازندران، مسابقات انتخابی را

فدراسیون فوتبال حه ضوابطی در کارها دارد



کله‌ی من از فدراسیون فوتبال یکی دو تا نیست. نه تنها سرمن در این مورد بی کلاه مانده است. تیم بانک ملی هم در آتش همین کم لطفی فدراسیون سوخته است. خوب فکرش را بکنید. تا بحال فدراسیون چه تیمهایی را با خرج خود به خارج از ایران فرستاده یا تسهیلاتی برای آنها فراهم کرده و هنوز که هنوز است نوبت بانک ملی نشده. خوبست برای شما بشمارم. از تیمهای جام تخت جمشید، تاج به عراق فرستاده شد. پرسپولیس به کویت اعزام شد. هما به کره جنوبی رفت و سپاهان دوسال پیش نماینده‌ی فوتبال ایران در جام کلکته بود. ملوان به جام عمران منطقه‌ای رفت. راه‌آهن میهمان فدراسیون فوتبال قطر بود و صنعت نفت در جام استقلال افغانستان شرکت نمود و حالا هم تیمی منتخب از اصفهان به افغانستان می‌رود و به این کیفیت، سپاهان و ذوب آهن هر دو از مرحمت فدراسیون فوتبال به نوابی می‌رسند. خردتان قضاوت کنید. بانک ملی انقدر اوزش نداشت که بیکار هم شده مورد توجه قرار بگیرد. اگر بر حسب رده بندی و قدرت تیمها، معیاری برای این سفر ها بوده حرفی نداشتیم، اما سپاهان و ذوب آهن چه کرده‌اند که مستوجب این جایزه بوده‌اند. آیا گمان نباید برد که ما را فرزند ناتنی می‌دانند؟

سرنوشت مریبان

می‌پنداشتم که دیگر حرفی نباشد. داشتم قول میدادم حرفهای او را منعکس کنم که دیدم این بار پرچم دفاع از مریبان را به دست گرفت و در حالیکه عینکش را با حرکت بینی بالا می‌انداخت، ادامه داد «هنوز حرفهایم تمام نشده وقتی می‌بینم «گازیک» انطور از شیراز برگشت و حالا نوبت راهروهای فدراسیون قدم اهسته می‌رود. وقتی حساب میکنم که علی کاظمی» پس از سالها مریسی گری اینطور سرگردان شده و تحویلش نگرفته‌اند. وقتی می‌شنوم که عباس رضوی را بابی تفراتی از تیم ابومسلم می‌رانند، افسوس می‌خورم که سالهای زیادی از عمر خود را چرا وقف فوتبال کرده‌ام! نمی‌دانم چرا فدراسیون فوتبال که اینهمه در پی نوآوری و کارهای اساسی است، نمسی اید ضوابطی بوجسد آورد که مریبان تیمها سروسامانی پیداکنند و بکار خود دلگرم شوند. هر کاری بازنشستگی دارد. سابقه خدمت دارد. با تجربه‌ی بیشتر موقعیتی بهتر بوجود می‌آورد. صنفی دارد یا شنیدکایی و یا یک اداره یا سازمانی را پشتیبان دارد. اما کار مریبی گری در ورزش ما، حتی باندازه‌ی یک کارمند روزمزد و دون پایه هم اعتبار و منزلتی ندارد. اگر یک روز یک تیمی شکست بخورد همه از چشم مریبی می‌بینند. اگر تیم برنده شد، جایزه و افتخارش مال بازیکن و باشگاه است. اگر رئیس باشگاه یک روز از روی مریبی خوشش نیامد، ممکن است خیلی ساده او را از باشگاه بیرون کند و همه‌ی این بی‌ثباتی ها، مریبی را بکار خود دلسر می‌کند و تنها فدراسیون ها هستند که می‌توانند با ضابطه‌های تازه برای مقام مریبی ارزشی قابل شوند.

نفس نفس می‌زد ولی مثل اینکه آرام گرفته بود. دستش را فشردم و قبل از اینکه دوباره شروع کند به گوشه‌ای دیگر رفتم.

ناراضانی ها آن هفته بیشتر از بیس بودند و اتفاق را همه در رسته‌ی فوتبال و با آنکه جام تخت جمشید تعطیل بود و شرط اینکه فوتبال بی سروصدا باشد، بهرگذا که با میگرداری زبانها بود که به گله و سکایت باز می‌شد و کلی درد دل که باید گوش میکردی. بخصوص اگر خبرنگار بودی و دست به قلمی داشتی و میدانستند که جایی میبوسی و ممکن بود که نوشته‌ها را اری باشد. همین دلیل در این هفته باز هم این دو صفحه را فوتبال بیس از همه رسته‌های دیگر بخود اختصاص داده و گرچه میخواستیم در هر زمینه و از هر رسته‌ی بختی در این دو صفحه داشته باشیم، نمیسود که نمیسود...

ناراضانی ها اغلب در اطراف تیم ملی و اعزام تیم منتخب اصفهان به جام استقلال افغانستان دور میزد و یکی دو تایی هم مربوط به زمینه‌های دیگر در ورزش و از فضا اینها حق بجانب هم بنظر می‌آمدند و زیاد از فافله هم بر ب نبودند.

رجب فرامرزی، مربی تیم فوتبال بانک ملی یکی دیگر از ناراضاها بود نوبی راهروهای دفتر فدراسیون فوتبال بود که مرادید ویی مقدمه شروع کرد:

«چکار باید کرد که لطف فدراسیون فوتبال شامل حال بانک ملی هم بشود.»
گفتم خودت بهتر میدانی. لابد باید مقررات را مویسو رعایت کنسی. گوش نداد که چه میگویم. لبخندی زد و ادامه داد:
«کیشویی کدام تیم را تربیت کرده و در جام تخت جمشید مریبی چه تیمی بوده است که حالا باید در کنار اوفارل اردوی تیم ملی را بگذرانند؟ اگر فدراسیون فوتبال ضوابطی برای مریبان فوتبال خود داشت هیچکس ناراحت نمیشد. عسگرزاده یکی دوسال پیشتر نیست که مریبی تیم هما شده و وطنخواه چند ماهی نمیشود که تیم پرسپولیس را زیر نظر گرفته و اینها هر سه بعنوان دستیاران اوفارل در اردوی تیم ملی انتخاب شده‌اند... اما خیلی ها که سالها است زحمت کشیده‌اند و خون دل خورده‌اند تا یک تیم خوب رویبراه کرده‌اند، فراموش شده‌اند.

کلاه‌همان را قاضی کنیم

حتماً امانتی گرانبها به کوه ببرید!

از ما گروبی خواستند و تا از ما یک امانت نگرفتند، از دادن برانکار خودداری کردند. این اتفاق ساعت چهار صبح پیش آمد و نزدیک ساعت هشت بود که به نتیجه رسیدیم و لابد این بهداری سربند خیلی گرفتار است یا ظرفیت کسی دارد که برای یک چنین کاری که با زندگی یک آدم ارتباط دارد، اینقدر معطلی دارد. میخواستیم به آن آقا که نوشته بود سربند و شیرپلا کمبودی ندارد، بگویم که متأسفانه این صحنه‌ای بود که شخصاً ناظران بودم و اینطور که استنباط کرده‌ام خیلی هم کمبود دارد و توصیه میکنم به انهایی که از سر شوق به کوه میروند، کاملاً مواظب خودشان باشند و هوشان را داشته باشند. اگر هر کس کتیده میتوان حس کرد و از مقاومت غیبتشان در بالا رفتن و پیمون راههای ناهموار و تسخیر کوههایی نا آشنا و هر چه مرتفع‌تر، آنجا که حتی یک تماشاگر نباشد تا تشویقشان کند.

میخواستیم از این پیش نوشته دلیلی بسازم که هر وقت صحبت کوتاهی درباره‌ی کوهنوردی می‌کنیم یا جمله‌ای در مجله می‌نویسیم اگر یک آدم عاشق به کوهنوردی آنجا باشد دست برداربان نیست و در پزخمالف یا موافق ساعتها برایت میگوید و از این ورزش دفاع میکند!

دو سه هفته پیش بود که یک کوهنورد آماتور، اما عاشق، از وضع بد مراقبت های پزشکی در سربند و شیرپلا دایمخن رانده بود. نامه‌ای نوشته بود که آن را چاپش کردیم، همان روز شنبه که این نوشته همراه با مجله منتشر شد صدای زنگ تلفن بلند شد و یکی دیگر از کوهنوردان به حمایت از فدراسیون کوهنوردی برخاست و حالا که یکی دو هفته از این ماجرا میگذرد نامه‌ی دیگری را روی میز می‌بینم که داد نویسنده از وضع نابسامان در کوه و بی توجهی مسئولان کمکهای اولیه است. نویسنده نامه که یک دانش آموز بنام عبدالکریم مشهدی، محصل دبیرستان جم قلهک است اینطور شروع میکند.

«جمعه‌ی قبل به شیرپلا رفته بودم، یک آقای از صفربی سقوط کرده بود و چنان مصدوم شده بود که نمیتوانست حرکت کند. به بهداری سربند مراجعه کردیم و یک برانکار برای حمل او خواستیم، بجای آنکه خودشان پیشقدم شوند و به کمک ما بیایند، برای برانکار

به کوه که می‌روید، با خود امانتی قیمتی ببرید. این آدمها را میشد از نوع تفسیر و سرگرمی‌شان شناخت و به اخلاق آنها پی برد. یک کشتی گیر یا یک مشت زن باید که آدمی جنگجو و دلیر باشد، یک فوتبالیست باید علاوه بر این خصوصیات از زیرکی ها و فرصت طلبی های دیگر هم باید بهره داشته باشد. یک شطرنج‌باز آدمی پرحوصله و متفکر است و بهین گونه میشود هر کسی را تا حدی زیر ذره‌بین روانکاوی قرارداد، کوهنوردها شاید نشود گفت که آدمی گوشه‌گیر و منزوی هستند، اما مردمانی مصمم و طبعی بلند پرواز و سرسخت دارند. این را از صعودهایشان به قله صعب‌العور و سر به فلک کشیده میتوان حس کرد و از مقاومت غیبتشان در بالا رفتن و پیمون راههای ناهموار و تسخیر کوههایی نا آشنا و هر چه مرتفع‌تر، آنجا که حتی یک تماشاگر نباشد تا تشویقشان کند.

میخواستیم از این پیش نوشته دلیلی بسازم که هر وقت صحبت کوتاهی درباره‌ی کوهنوردی می‌کنیم یا جمله‌ای در مجله می‌نویسیم اگر یک آدم عاشق به کوهنوردی آنجا باشد دست برداربان نیست و در پزخمالف یا موافق ساعتها برایت میگوید و از این ورزش دفاع میکند!

دو سه هفته پیش بود که یک کوهنورد آماتور، اما عاشق، از وضع بد مراقبت های پزشکی در سربند و شیرپلا دایمخن رانده بود. نامه‌ای نوشته بود که آن را چاپش کردیم، همان روز شنبه که این نوشته همراه با مجله منتشر شد صدای زنگ تلفن بلند شد و یکی دیگر از کوهنوردان به حمایت از فدراسیون کوهنوردی برخاست و حالا که یکی دو هفته از این ماجرا میگذرد نامه‌ی دیگری را روی میز می‌بینم که داد نویسنده از وضع نابسامان در کوه و بی توجهی مسئولان کمکهای اولیه است. نویسنده نامه که یک دانش آموز بنام عبدالکریم مشهدی، محصل دبیرستان جم قلهک است اینطور شروع میکند.

بنیانگذار: عباس مسعودی



صاحب امتیاز: مصطفی فرزانه

زیر نظر بیرن رفیعی

نشریه ورزشی اطلاعات - ۴۸ صفحه
۱۵ سال پنجشنبه چهارمردادماه
۱۳۵۴ شماره ۲۵۱ نشانی دفتر مجله:
خوابان خمام - موسسه اطلاعات

تلفن ۳۱۱۰۷۱ - ۳۱۲۴۱۲

در زمین خاکی آذری تمرین با اصول صحیح‌تری نسبت به دیگر محلات انجام می‌گردد. روس و دوهای کوتاه و بلند برای آمادگی بدن بخوبی رعایت می‌شود.



دیدار از بچه‌های محل این هفته خیابان «آذری»

روزیکه بچه‌های «آذری» آستین‌ها را بالا زدند!

ناچاری

بچه‌ها ناچار بودند، علانی نبود اینهمه عشق و علاقه را نمیشد در وجود آنان کست چه می‌توانستند بکنند. اگر ورزش نکنند چه کنند؟ بسوی کدام مکان تقریبی روی آورند و با چه چیزی خود را سرگرم کنند؟

زمین مورد نظر از طول تقریباً نیمه‌اش هموار و نیمه دیگرش گودال بود. مغزها بکار افتاد و راه جاره در جستجوی قرار گرفت احتیاج به ماسین خاک برداری بود. بزرگ‌ترها شب درخانه یکی از دوستان جمع شدند جلسه تشکیل شد و بحث در مورد مهبیا شدن زمین بیش از دو ساعت بطول انجامید.

سه روز احتیاج به گرید و غلطک بود. بول کجاست چه کسی این هزینه سنگین را می‌پردازد، پیشنهاد شد که گروهی به شهرداری محل بروند و دست استمداد را دراز کنند. عزمها جزم شد و چند جوانک راهی شهرداری شدند. بالاد و احترام خاص تقاضای خودبچه‌های محل را به گوش شهردار منطقه رساندند.

مخالفت بشت مخالفت. گوشه‌پاشان برسداز ناله‌های متنی و آقای شهردار هرگز حاضر نشد از بز مخالف قدیمی فراتر بگذارد التماسها و خواهشها اگر چه دل سنگ را آب می‌کرد ولی هرگز رحم به دل شهردار نیانورد و سرخورده و مایوس جوانها برگشتند.

دلبیزترین صحنه‌ها

از فوتبالیستهای دیگر محل فراموش نخواهیم کرد روزی که فاجعه به ابعاد یک مصیبت بزرگ همه را در اندوه فروبرد.

حدود سه سال پیش بود با بچه‌ها ساک بدست بطرف زمین میرفتیم. هنوز به مقصد نرسیده بودیم که همه برجای خود خشک شدند دلباسه طیش افتاد و همه مشتهاگرم خورد، دردیگان یکایک بچه‌ها خشم و نفرت موج میزد. درست از وسط باکج زمین را به قطعات مساوی تقسیم کرده بودند، طوری که گوشه پدنه‌ای مارا قطعه، قطعه نموده اند از نهاد همه بر آمد تلاشها بکار افتاد و دستهای نیاز دراز شد ولی افسوس که آب ریخته را جمع نمیتوان کرد، جوابها همه سربالا بود خیلی‌ها هم مسخره و آری به ما سرسلامتی میدادند.

زمین مارا یکی از این جماعت بساز و بفروشا خریده بود که آنرا تبدیل به ۲۰ دستگاه آپارتمان کند! گرفتن زمین پایان فوتبال در آذری نبود، بازشوق و فوق دوستداران و نیروی همت و اراده‌ای اهین که در چهره بچه‌ها موج میزد بکار گرفته شد. دستهازااستین بیرون آمد و قطعه زمینی ناهموار در نزدیک خط راه آهن تهران - تبریز که محل جمع آوری زباله بود و از یک سوبه گارداری وازسوی دیگر به مرغداری و سمت دیگر آن به جوی فاضل آب شهرداری ختم میگردید. آخرین پناهگاه فوتبالیستهای محله شد!

تبدیل به عشق شده بود بطوریکه حتی برف ۳۰ سانتیمتری هرگز نمیتوانست جامه سبیش را روی این زمین بهین کند چرا که عشاق پاک باخته در حالیکه سرما استخوانهاشان را میترکاند پرفها را از روی زمین کنار زده و مانع میشوند تا آهنگ فوتبال خاموش گردد.

چه شوری و چه عشقی دراین محله موج میزد افسوس که هرگز مسئولی از دستگاه ورزش به این منطقه قدم رنجه نکرد تا از نزدیک عشق جاودانه فدائیان فوتبال را تماشا کند. هرجمعه بیش از چهارهزار نفر گردا گرد زمین محله آذری را می‌پوشاندند و شاهد مسابقه پرشور محله‌انسان با محله‌ای دیگر میشدند. تیمهای متعددی به آذری آمدند مسابقه دادند بیروز و مغلوب شدند و دراین میان تیم شاهین آذری بود که در محلات تهران هرروز معروف تر گردید.

آذری یک هم مجنون دارد

عارف سیدعلیخانی هم از آن مجنون های فوتبال است که در آذری به پدرچوانده فوتبالیستهای محل معروف است او یکی از آن جوانکهای قدیم است که دربنای زمین فوتبال سهمی بسزا دارد و کناراین زمین و بچه‌های محل بزرگ شد.

عارف که قصه بچه‌های محله خود را برای ماتعریف می‌کرد ناگهان چهره‌اش را نقابی از غم پوشاند و با ناراحتی گفت آنروز رامن و خیلی

این هفته باز به جنوب برمیگردیم مدتها بود که با بچه‌های خیابان آذری قول و قرار داشتیم تا به دیدارشان برویم فوتبالیستهای محله آذری از قدیمی تاجددیدی در زمین محله گردیم آمده بودند و به گرمی از ما در محفل پررونق خود استقبال کردند.

سالهای دورسالهایی که عمری بحساب می‌آید عده‌ای نوجوان دوستدارفوتبال به گردهم جمع شدند و در نزدیکی محل زندگی خود گوشه‌ای از بیابان پرفراز و نشیب و راهموار نموده و فوتبال را ساز کردند.

آنروزهافوتبال رونق امروز را نداشت و تب آن دامنگیر همه نشده بود آن کودکان پراشتیاق که دلای پرامیدشان از شوق می‌طپید جوانان برومند امروز میباشند که حالا هرکدام بنحوی گوشه‌ای از چرخ عظیم مملکت را میچرخانند آن کودکان دیروز حالا مددکار فوتبالیستهای محل هستند و هرکدام بنحوی بچه‌ها را تروخشک میکنند.

در محاصره

درطول ۱۵ سال گذشته بهرروز به ساختمانهای محله آذری اضافه شد خیابانها شکل گرفت و کوچه های فراوانی ترکیب یافت و زمین فوتبال محله ناگهان در محاصره ساختمانها واقع شد اما هنوز زمین شاهین آذری با برجا بود و دوبیشتر نقاط تهران برای دوستداران فوتبال یک نام آشنا بشمار میرفت. در آذری فوتبال حکایتی دیگر داشت و علاقه

اینجا اون اخراهای تهرون است که بجای اتوبیل های آخرین سیستم صدای قطار برای اهالی محل آهنگی آشنا میبایند و بچه‌های محل هر روز این راه را برای رسیدن به زمین طی میکنند.

شهری در دل شهرما

اینجا سرزمین هیجانهاست، سرزمین مردان استوار و فرزندان بی آرام شهر ما، اینجا شهری است در دل شهر ورزش ما شهر مردان بدون نام و زحمتکش، شهر جوانان عاشق و شیدای ورزش، شهری که مردان آن نه بدنل افتخار میدوند نه بدنل درآمد و نه بدنل شهرت، اینجا شهرست که ساقها روی زمینهای خاکی با قلب انسانها حرکت میکنند

اینجا مقر حکومت تیمهای محلی است، بچه‌هایی که در زمینهای خاکی بدنل توب میدوند و بزرگترها با همه نیرو و امکانات خود برای آنها تلاش میکنند هر هفته به دیدارشان میرویم و در دل بی آرام شهر ورزش از تلاش و هیجان و از دلستکی و بایداریهایشان حرف میزنیم تا غرور و شکوه بیشتری بیابند و ستایشگرشان میشویم تا خود را بیشتر باور دارند و ما را که فراموششان نمیکیم.

اینجا گروهی از فوتبالیستهای محله‌ای هستند، این لشکر عظیم کوچکترین وسیله نقلیه و سرگرم کننده در محل ندارند و آرزوی همه دانشم یک زمین فوتبال میباشد.





ابوالفضل جلالی

از منطقه جوانهارا نا امید کرد ولی یک شرکت ساختمانی دست جوانهارا افشرد

هم اکنون در زمین شاهین اذری فوتبالیستهای جوان و مستعد بحدوفور دیده میشود که در این جمع گروهی صاحب خصوصیات ویژه ای هستند و میتوان به آینده آنان بسیار خوشبین بود. اینان عبارتند از اسماعیل روستا، جمشید لامعی، اکبرزنده، ابراهیم نظیفی، شیرزاد حسین سرودی، ابراهیم بابائی، واحد جعفری، بروین عقداقه نژاد، بچه های اذری که اغلب آنان در فوتبال محلات صاحب تجربه هستند از ما خواستند تا به بگوش آنها تکیه در امر کارشناسی داشته باشیم که به تیمهای محلی و فوتبال محلات که بنیان گذار اولیه ورزش فوتبال میباشند توجهی نمایانند ناهمیشه سازندگان اصلی باقی بمانند.

مانمیکوئیم برای ما چنین فراهم کنید، نمیکوئیم که چه داریم و چه نداریم افلا ترتیبی دهید که زمینهای را که با خون و دل آماده نموده ایم برایمان حفظ کنند.

زمین های خاکی محلی که اکثراً در مناطق جنوب شهر هستند یکی پس از دیگری ساختمان میشود و اگر تربیت بدنی و شهرداری بفکر تاسیس بارک و میدانهای ورزش در غرب تهران نباشند تا چند سال دیگر ورزش در محلات جایش را به سرگرمیهای دیگر میدهد.

از آنجائیکه جنوب شهر نشین ها بیشتر از شمال شهرها احتیاج به گردشگاه و میدانهای ورزشی دارند تا زمین خالی موجود است از آنها بهره برداری کنند و مازمینها را حفظ نمایند. همین!

های دیروز تیم هستند که امروز بزرگ شده اند و از راه کار و حرفه خودد امید دارند. و در حقیقت کمکهای آنان است که چرخ فوتبال را در محله میگرداند. اینان که شایسته است نامشان ذکر شود ویتخوسوی مورد قدرانی قرار گیرند، عبارتند از عباس راوندی، صادق پیرو، ابراهیم روستا، نصرالله خوارزمی، ناصر رستمی، عباسی فلاح، هوشنگ متافزاده، جعفر کوهی، نعمت الله قاضی و همچنین یوسف مهدوی فوتبالیست سرشناس تیم هما که همیشه بطریقی بما کمک میکند.

عارف با شرمی مخصوص گفت تعریف کردن از خود بهیچ شکل پسندیده نیست ولی من باینسکه دودوره کلاس مربیگری را به پایان رسانده ام و کارت داوری را هم دارم اما هرگز بایم را از محله خود بیرون نگذاشته و تمام زحمتهای تیم را تقبیل کرده ام. و این جوانان پرامید را که هرچندگاه تعدادی از آنان بارور میشوند را بسوی تیمهای بالاتر راهمسانی میباشیم تا در میدانهای بزرگ تر با چشمانی شوق آلود شاهد فداکاریهای آنان باشیم.

امکانات نیست

در محله اذری بجز یک ورزشگاه که اختصاص به ورزش باستانی و کشتی دارد، چند زمین فوتبال خاکی موجود است که بچه ها با انجام مسابقات کابی و نرین در این زمینها مشغول میباشند.

بودند میگفتیم و میخندیدیم جلسه گرفتیم که دوره تازه را بشکلی بهتر آغاز نمائیم قرار شد کارت عضویت تهیه شود و تیمها در ساعت های معین به تمرین بیایند. در میان قدیمی ها چهره های تازه وارد زیاد شده بود نمیتوانستیم آنها را جواب کنیم چون درد آنها را خوب حس میکردیم.

کجاست دست اندرکاران تابایند و بیبند که در دلای برازشوق و امید فوتبال دوستان چه میگردند و حاضرند برای فوتبال در بدترین شرایط جان خود را فدا کنند. اما افسوس از آنجائیکه چشمهای پرامید از گردها خسته میشود و یاری کنندهای نیست که بفکر آنها باشد و از بس خاک خورده و خون و دل چشیده اند جین خستگی سیمایشان را بوشانده.

شعله ها فروکش میکند

شعله های عشق تا مدتی گرمی بخش وجود آدم میباشند و این شعله ها کم کم فروکش میشود و سردی یا نوعی بی تفاوتی جانشین عشق و علاقه و آتش سوزنده میشود. به همین شکل فوتبالیستهای پرتب و تاب محلات آرام، آرام، اواسط راه بخاطر فقر زندگی و خانواده عقب نشینی میکنند و هسته، هسته بدنهای سرنوشت میروند کار و زندگی آنچنان آنها را در خود غوطه ور میسازد که فرصت برای هیچ کاری دیگر باقی نمیمانند. این پایان غصه اکثر فوتبالیستهای محلات میباشد.

افرادی که به تیم ما کمک میکنند همان بچه

دستهای جیب های خالی فرو رفت در خانه مانده جونی شروع شد و خلاصه ۱۵۰ نفر ولهارا روی هم گذاشتند تا ۷۰۰ تومان انباشته شد بایک شرکت ماشینهای خاک برداری مذاکره شد و با تخفیف قابل توجهی ماشینها بسوی زمین آمدند.

صحنه ای دلپذیر تر از آن دیگر تکرار نخواهد شد، بچه ها و بزرگها همه از محصل، کارمند، رانکر و دانشجو بیل و کلنگ بدست در اطراف ماشین خاکبرداری مشغول تلاش بودند، ماشین ل و روده زمین را به هم زد و رفت آنکه ۲۰ روز تمام از صبح تا شب بچه هارو ریختند تا میدان موارشد و به این شکل که میبینید در آمد و فدا حفظ کند دوست عزیزمان یوسف مهدوی فوتبالیست خوب همارا که مرتب بامانیتها ای بی میفرستاد زمین را از وضع خاکی بصورت ابل استفاده در آورد.

خورشید امید

عارف سید علیخانی قصه گوی فوتبال محله اذری باکسینن اهی بلند گفت همه چیز دوباره ویرانه شد خورشید امید در دلها تابید و شادی به خانه قلب بچه های محل نفوذ کرد. دروازه های فانی کنده شده در زمین جدید مستقر شد، شب در خانه ابراهیم روستا بازیکن ایام کودکی که راننده اکسی است و هنوز پاداشش ۲۹ سال سن و تشکیل خانه و خانواده ایایی جوانان نو با میدود گرد هم جمع شدیم، چشمها از شوق گریان شده





تیم فوتبال منتخب خانه های فرهنگ روستایی
اهواز، قهرمان دیدارهای خوزستان

کردند وقت اول را ۱ - ۱ مساوی بشت سر نهادند. گل اهواز در دقیقه ۲۵ وسیله منوچهر هوسپاری و گل مساوی رامشیر در دقیقه ۳۵ توسط موسی راستی بنمر رسید.

دوتیم تا دقیقه ۷۹ مساوی بودند که منوچهر هوسپاری دوباره گل زد و قهرمانی اهواز را در زمین شماره ۱ ورزشگاه ولیعهد بی ریخت.

در دیدار دوه بندی، بهبهان با پیروزی بر گل ۲ - ۵ مقابل مسجد سلمان همه را به تحسین واداشت و بدین ترتیب تیم های اهواز، رامشیر، بهبهان مقام های اول تا سوم را کسب کردند که جایزه خود را از مدیر کل تعاون روستاها و گنجی رئیس هیات فوتبال خوزستان دریافت نمودند.

تیم اهواز: منوچهر مرید (دروازه بان) - رستم مشعلی، منوچهر هوسپاری، ناصر تهرانی، طالب باغیانی، حکیم بنهانی، عبدالحسین مرادمنی، منوچهر حاتم، عبدعلی فضل، صادق مردانی، عبدالمجید سیاح، زلفادیان بور، هادی کعبی، عبدالزهرامعودی، رحیم وطن ویسی.

قائم مسابقات فوتبال خانه های فرهنگ روستایی استان کرمان تیم رفسنجان بود که در دیدار سرنویست کرمان، «نماننده مرکز استان» را با شکست سخت ۱ - ۴ از دست یابی به قهرمانی و نمایندگی جام گندم طلانی محروم کرد.

در این بازیها تیم های کرمان، رفسنجان، سیرجان و بم شرکت جستند، و رفسنجان طول همه دیدارها، جهره بر فروغی نمایش نهاد.

تیم رفسنجان: حسین خراسانی (دروازه بان) - محمد برخه، ولی تهرادری، احمد بور عباسی، محمد قربانی، علی بورغلامی، رضاشجاع الدینی، حمید جعفری عباس زنبعلی، محمدزیدآبادی، محمودباقدم، علی میرزانی، محمد بلوچ مربی: علی زاهدی.

باهمکاری: کاویانی (مشهد)، گنجپور (اهواز) و زاهدزاد (رفسنجان)

تعدادی تذکر و اختصار هم سهمیه آنها بود که گرفتند. بهعکس، جوانان اراک که امید به فتح مسابقات جوانان استان مرکز، همانند سال پیش دارند، سنجیده عمل میکنند. اینان سال پیش در اصفهان عنوان چهارم جام ولیعهد را در سطح ایران کسب نمودند.

جوانان اراک: بهداد غضنفری (دروازه بان) - حسن ذوالفقاری، محمود صالحی، محمد دادوند احمد مهرپور، سعید بیرق دار، احمد اسکندری، تقی علیشاهی، فروین بهروزی، محمد صادق آزاد، علیرضا مرزبان، حمید مرادمنی، مهدی عشق ترکی، عطالله رضایی، احمد قربانی.

جوانان خمین: کاووسی (دروازه بان) - جابری، اسکندری، قاسمی، دلائی، اسماعیلی، شام ولایتی، نوری محمدی، اسماعیلی، برج خانی جابری، سهرابی، علمی.

پایان مبارزه تیم های منتخب خانه های فرهنگ روستایی

خراسان، خوزستان و کرمان
دیدارهای ششمین دوره مسابقات قهرمانی خانه های فرهنگ روستایی در اغلب نقاط کشور انجام میشود.

در مشهد، تیم های منتخب خانه های فرهنگ روستایی خراسان پیکار کردند، و پیروز در والیبال، مشهد در کشتی، کاشمر در فوتبال، نیشابور در دوچرخه سواری و پیچنورد در دو صحرانوردی قهرمان شدند. تیم فوتبال کاشمر نمایندگی خراسان در جام گندم طلایی حضور مییابد. توپچی های روستایی پیچنورد اسفرائین عنوان دوم و سوم را کسب کردند. این مسابقات در میادین مشهد و زیر نظر اداره تربیت بدنی خراسان و اداره تعاون روستاها انجام گرفت.

اهواز نیز منزلگاه پیکار فوتبالبستهای خانه های فرهنگ روستایی استان خوزستان بود، و بایروزی بر رامشیر در آخرین گام قهرمانی را کسب نمود. تیم های اهواز، بهبهان، رامشیر، مسجدسلیمان، دزفول، رستم میشان، سوسنسر، خرمشهر شرکت کنندگان این دوره بودند که در دو گروه چهار تیمی وزیر نظار اداره تعاون روستاها خوزستان مبارزه کردند. در پایان دیدارهای مقدماتی اهواز و رامشیر از گروه الف و بهبهان و مسجدسلیمان از گروه ب برای بازیهای نیمه نهایی برگزیده شدند. در آغاز راه اهواز از سد مسجد سلمان گذر کرد و رامشیر از سد بهبهان که تیم های پیروز برای فینال انتخاب شدند و نیم های مغلوب دیدار رده بندی را برگزار کردند. در فینال، رامشیر - اهواز که بدواری ساهمرا دسکر خدایی و خط نگهداری علی خلفی و ایرج شریف زاده جدال

خمین گرفتار دوباره اراک قهرمان استان مرکزی

اراک - جوانان خمین در دیدار برگشت نیز گرفتار برتری اراکی ها شدند و با همان نتیجه دیدار رفت (۲-۰) بازی را باختند.

جدال دو تیم در چهار چوب مسابقات فوتبال جام والا حضرت ولایتعهد صورت گرفت. در مسابقه برگشت که خمین میزبان بود، خمینی ها سخت از هم گسسته بودند و با گل زود رس احمد اسکندری بازیکن اراکی بیشتر دچار اشتغاف شدند.

این گلزن لحظاتی بعد یعنی دقیقه ۱۱ هم یک گل زد و وقت اول را ۲-۰ بسود تیم خود پایان بخشید. در نیمه دوم روح خشونت حکمفرما بود، خمینی ها که شکست دوباره را قابل هضم نبود، دیدند، دست به خشونت زده و یک کارت قرمز و

مبارزات کشتی گیران بندرگز

بندرگز - هیات کشتی بندرگز به منظور شناخت جهره های برتر وزن های مختلف کشتی آزاد مبارزاتی بمدت دو شب در سالن تربیت بدنی بین کشتی گیران این شهر برگزار کرد، که کشتی گیران برگزیده از اینفرارند:

۴۸ کیلو: ۱- کاظم سادات ۲- عسگر شربتی ۳- صفرمتکی
۵۲ کیلو: ۱- قدرت اله مردانی ۲- علی طهماسبی ۳- عیسی کاوایی
۵۷ کیلو: ۱- عباس جهانشاهی ۲- قاسم اسبو ۳- بندرگز حسن صدرانی

مسافران خراسانی ایران به افغانستان



تیم کشتی خراسان اعزامی به جام جمهوری افغانستان

ایران، مسافران خراسانی ایران به جام جمهوری افغانستان اند. حسن راستگو کشتی گیر ۲۸ کیلو، امیر نوربخش ۵۲ کیلو، چنگیز عامل ۵۷ کیلو، علیرضا رستمی ۶۲ کیلو، محمود تشنگ ۶۸ کیلو، خدابخش عفت دار ۷۴ کیلو، افشارپور ۸۲ کیلو، علی روحانی ۹۰ کیلو، عباس صحرانی ۱۰۰ کیلو و محمدحسین قادریه ۱۰۰ کیلو بیلا، اعضای تیم کشتی آزاد خراسان اعزامی به افغانستان را تشکیل میدهند که تحت



برادران دانشیار، یکی مدافع، یکی مهاجم

لاری بود که حتی شیرازها را مجذوب و شیفته حرکات و کارهای جالب خود کردند. برادران دانشیار، که یکی در خط دفاع و دیگری در خط فروردار ایفای وظیفه می نمود، کمتر از بازیکنان همتای خود از شیراز نبودند. تکنیک و تیزبینی و هوشیاری این دو برادر جوان و گاه به گاه کارهای جادویی آنها، بیشتر چشم های ناظر فینال جام ولیعهد در استان فارس را خیره کردند.

تولد دوباره لاری در فینال

فارس

فینال دیدارهای فوتبال جوانان استان فارس را شهرداری شیراز - لاری برگزار کردند که گرچه با پیروزی شیرازها پایان گرفت، اما با فروغ جهره های گمنامی از لار، از جمله دو برادر ریز نقش

ناب فوتبال پرسپولیس - جم گجساران



تیم فوتبال جوانان جم، فاتح جام ولیعهد درگجساران

گجساران - جم هم جام را فتح کرد، هم بسیاری از طرفدارانش را در شرط بندیها بیروز ساخت. جوانان جم، محق پیروزی بودند. ۲۴ ساعت پیش از فینال در اردو گرد آمدند و ضمن تمرینات یابانی، با تاکتیک مشخصی گام به زمین استادیوم گجساران نهادند. در حالیکه حریف فینال جم - پرسپولیس - که با شکست مهرگان در دیدار ضربدربی به این جا آمده بود، غافل از قبول واقعیت بود. زیرا که بعد از این پیروزی، بازیکنانش را رها ساخت و دستور این بود که: «یکساعت به وقت بازی مانده، در رختکن استادیوم آماده باشید» در حالیکه حریف حداقل یک شبانه روز بازیکنانش را زیر نظر مستقیم گرفته بود.

چند روز پیش از دیدار جم - پرسپولیس، شرط بندیهای زیادی روی برد و باخت آنها بسته شده بود و سرانجام جوانان جم با گلهای برزرومانی و علیراد وردناصری شادی را تقدیم دوستدارانش کرد. مقام سوم جام را باس با شکست مهرگان بدست آورد. بطور کلی، در جمع ۱۲ تیم شرکت کننده در این دوره بازیها، پرسپولیس، جم، باس، مهرگان، تاج و هما چشم به قهرمانی دوخته بودند، که در بین آنها تاج و هما از راه یابی به بازیهای ضربدربی ناکام شدند.

برتری جم در فینال

ورزشگاه گجساران در یک هوای آفتابی توام با باد ضعیف، شاهد دیداری بود که در آن تنها بردو باخت مطرح بود و بس، دیداری، در سطح پائین و کم فروغ.

جم - پرسپولیس در حضور دو هزار تماشاگر، تا دقیقه ۲۳ با جدالی متعادل پیش میرفتند ولی اشتباه تکراری «عوضی» مدافع پرسپولیس موقع سپردن توپ به دروازه بان در دقیقه ۲۳ و ۲۷ در موقعیت گل را نصیب جم کرد که هر دو رفت.

دقیقه ۳۲ روی ضربه کرنر اکبر سواره و شوت سنگین برزرومانی اولین گل جم ثبت شد و فریاد طرفداران جم استادیوم را پر کرد. نیمه دوم با چهره تهاجمی پرسپولیس همراه بود، و با دستپاچگی زیان آور آنها و نیز هافسایدگیری برای متوقف کردن خط حمله جم.

شکست و اعتراض برق کرمانشاه در سرپل ذهاب

سرپل ذهاب - در یک پیکار دوستانه، تیم کلکی سرپل ذهاب فوتبالیستهای برق کرمانشاه را با شکست آشنا کرد. تیم سرپل در دقیقه ۴۲ با شلیک مرادخرم آبادی نخستین گل را بدست آورد و تا پایان نیمه اول ۱-۰ بر میهمان خود پیشی گرفته بود.

دقیقه ۶۲ احمدی بازیکن خوب کرمانشاهی گل مساوی در دروازه میزبان کوپید و ۶ دقیقه بعد برقی ها که عنوان دوم باشگاههای کرمانشاه را در سال پیش تصاحب کرده بودند به



دوندگان پیروز بندرشاه همراه مخبري رئيس تربيت بدني

چهره های برتر:

۱۰۰ قشرو ۲۰۰ متر وجی اله سهری (کردکوی) ۴۰۰ متر: وجی اله سهری

۸۰۰ متر و ۳۰۰۰ متر عباس امیری (اساری)، برس طول: محمد شکورخواه (بندرشاه)، ۱۱۰ متر یامانع محمد شکورخواه، برناب وزنه:

موسی مختاری (بابل) برناب نیره: خداوردی خوجه (گرگان)، برش ارتفاع: شیرمحمد خوجه (بندرشاه).

رده بندی تیمی: ۱- بندرشاه ۵۸ امتیاز ۲- کردکوی ۴۳ امتیاز ۳- بابل ۴۲ امتیاز.

گرگان - حاجی ابراهیمی

باد پایان مازندران قهرمان شدند

شدند

گرگان - مسابقات دو و میدانی جوانان استان مازندران با شرکت تیم های بندرشاه، گرگان، بابل، اساری، کردکوی، گنبدکاووس، اصل در استادیوم ورزشی گرگان انجام گرفت و تیم جوانان بندرشاه با فروغی دلپذیر، مقام نخست را بخود اختصاص داد. کردکوی و بابل دوم و سوم شدند، داوری مسابقات را بازوری، نجیبی، منصوریان و خاوری عهده دار بودند.



جوانان تاج، فاتح جام ولیعهد در مسجد سلیمان همراه فرماندار، رئیس هیات فوتبال و مربی و سرپرست تیم.

توفان تاج در فینال مسجد سلیمان

سلیمان

مسجد سلیمان - ۱۶ تیم جوانان که مسابقات فوتبال جام والاحضرت ولایتعهد را در مسجد سلیمان آغاز کرده بودند با دیدار توفانی تاج - اقبال مبارزات پرشکوهِ خود را پایان دادند، تاج در جدال سرنوشت طول ۸۰ دقیقه بارها با مسلسل بدست های خود دروازه حریف را هدف قرار داد، و با ۵ گل زیبا که در تور اقبال نشاند، جام را تسخیر

رستاخیز زاهدان قهرمان

جام همانام خود شد

زاهدان - تیم فوتبال رستاخیز زاهدان جام رستاخیز استان سیستان و بلوچستان را از آن خود ساخت و خاش وزایل عناوین دوم و سوم جام را کسب کردند عنوان «آقای گلزنهاي جام هم به ابراهیم ریگی (گل)» تعلق گرفت بازیهای جام

کرد. اقبال در برابر توفان شگرف تاج هیچ کاری از پیش نبود و در حسرت گل ماند. حتی یکی گل! شگردان دادو شکرخدايي پیش از فینال دارانی را ۱-۰ و باس را ۶-۰ در مرحله نیمه نهایی شکست داده بودند. در این دوره بازیها، علی ضامن اورک گلزن تاج با ۷ گل زده در صدر گلزنها قرار گرفت، تیم های سینا و ساسان کاب اخلاقی را در اختیار گرفتند. همچنین، جام قهرمانی تاج به سروان یولادی رئیس باشگاه تاج اهداء شد. مسجد سلیمان - محمود سرونديان

رستاخیز را چهار تیم بصورت دوره ای در استادیوم ۲۵ شهریور زاهدان انجام دادند. تیم رستاخیز زاهدان: رضا شهنابادی (دروازه بان)، قلبي فرزان، بنی شهرکی، طباطبائی، جعفری، دادا، ابراهیم ریگی، حاجی قاسمی، غلام شهرکی، حسین اربابی، کماندار، رضاگشاد زهی حسین فرهی.

زاهدان - محمدحسن عیسانی



سایونارا

راحتی مناسب برای همه افراد درهمه جا



راحتی سایونارا در تمام فروشگاه های کفش

بلیه + نه



زحمت های ۲۰ ساله را در قطعه‌ای زمین ناچیز که ستارگان را به فوتبال مملکت ارزانی داشته همچون ماهی چرب، ماهیخواران از دستشان میگیرند و بدون در نظر گرفتن آینده جوانان دست به کارهای وحشتناکی میزنند که در حال غرق شدن به فکر تجدید حیات می افتند.

عصری که ما در آن زندگی میکنیم دوران تحرک و جنبش است و اگر قرار باشد با حرکتی میلی متری به جلو برویم ساهلی سال در پس خواهیم بود، چرا بجای اینکه زمین داغ بی حاصل (اما ارزش طلا برای جوانان) را تبدیل به تئاترها و سینماها و رقصخانه‌ها و باشگاههای مشروب خوری برای تفریح یک مشت الف کنیم صرف بوجود آمدن نیروی برتر ننماییم.

ایا این همه زمینهای دیم برای کارهای دیگر (اگر چه لازم باشند) وجود ندارد که همین یک قطعه خاک قیراندود شده را از جوانان فقیر آبادان بگیرند.

اگر لازم باشد در تنها استادیوم ورزشی شهر خود به فوتبال مشغول شوند باز هم گرفتار دوزخ صنعت نفت میشوند! گرفتارهای مصیبت باری که وجود هر یک بستگی به قدرت صنعت نفت آبادان دارد.

اگر مسابقات جوانان آبادان به تعویق افتاده آن نه به دلیل فصل امتحانات دانش آموزان است بلکه عدم وجود یک استادیوم فوتبال که فاقد جایگاه باشد.

۱۲ ماه از سال را چه گرمی! ۵۰ درجه و چه سرمای سوز آور، جوانان با اشتیاق فراوان توپ میزنند و از زندگی، کار، تحصیل خود مایع میگذارند به این امید که بتوانند کمتر از ۳ بار در زمین چمن باتلاقی بازی کنند.

با این کار شرکت نفت بنای مستحکم تیم صنعت نفت را که جوانان تشکیل میدهند از دست میدهند و در آینده نه چندان دور نابودی تیم خود را تضمین می نمایند.

آبادان دارای یک تیم است بنام صنعت نفت و تمام جوانان این شهر در حال حاضر امید این را دارند که یک روز در این تیم بازی کنند و افتخار آفرین شهر خود باشند. ولی متأسفانه جوانان را ناچار میکنند که قید فوتبال را بزنند و کفشهای خود را اویزان نمایند.

دیگر امثال بهارینا - ازادها - پور یوسف ها - بشاکریدها قادر نخواهند بود در سن چهل سالگی باز هم بدنبال توپ بوند.

در اینجاست که فحطی در خانه نفت بوجود میاید و بدنبال جوانان راه میافتند ولی ایا دیگر جوانی که با علاقه و تعصب برای صنعت نفت بازی کند وجود دارد؟ حتی آنها را که عشقشان - روحشان - جسمشان فوتبال است به عنوان یک فرد به زنجیر کشیده قدیمی آب دهان خود را به روی چنین زمینی، آب گرمی، پولی، غذائی خواهد ریخت، زیرا که او را محروم کرده و کفشهای وصله خورده اش را اویزان نموده است.

و دیر است، دیر برای کسی که با عشق خود وداع کرده و این همان لحظه است که فوتبال آبادان همچون نور شمع نابود خواهد شد. بخاطر زمینی که از بدو تولد وجود نداشته و اگر چنین بوده برای نفتها، شاید برای بعضی از دوستان صنعت نفتیمان دماغشان بوی سوز دهد ولی آنها با آتش بازی میکنند و با خبر نیستند و آنگاه که دستشان سوخت فریاد بر خواهند آورد.

مرگ بر فوتبال - مرگ بر فوتبال جنوب

یوسف پور جانکی

آقای یوسف پور جانکی، در پاسخ نامه شما جز سکوت جاره‌ای نیست و فقط امیدوارم این نامه را در حال عصیان نوشته باشید و حالا که ازمات نگویند زنده باد فوتبال زنده باد فوتبال جنوب، این از رویکها همیشه وجود دارد و نه فراموش کردن فوتبال و نه هیچ تشکیلات دیگر قدرت اجرا کردن «مو» یعنی مسائل را ندارند باید مردم خود باری کنند والا شما فکر میکنید اگر فدراسیون فوتبال تمام بودجه سالیانه خود را بدهد چند تا زمین خاکی میتوان بخر - یکی - دو تا - سه تا؟ خوب بعد چی؟

اعتقاد ما اینست که باید مردم ورزش را کمک کنند در این باره مطالبی تازه در مجله خواهیم داشت - متشکر

یادش بخیر، مطالب گذشته ورزشی را که ورق میزنم تمام وجودم غرق هیجان و شادی میشود، دوجرحه سواری را جطور میبوسند، والبال و بسکتبال چه نویسنده هائی داشت - شما و دو میدانی چه تفسیرهای دلپذیری داشت، یکس جقدر موقعیت پیدا کرده بود و وزنه برداری چه نویسنده هائی داشت، بهر حال باید کار کرد و حتما از یک جا شروع خواهد شد، امیرا طوری فوتبالی را نویسندگان تنبل ما باب کرده اند تا نسل تازه ای در کار نویسندگی ورزش با معیارهای تازه برای ورزشهای مختلف شکل بگیرد باید سوخت و ساخت و آن روز زیاد دور نیست.

آقای سر دبیر سلام - من شهلا پورای، از دوستان داران ورزش و از علاقمندان ریماسنیک حدود یک ماه است به تمام باشگاههای اطراف متزلمان بافتای بلام با مادر سر کشیده ام، بعد که تا امید شدم به جاهای دورتر رفته و پدرم راضی شد مرا با مانین ببرد و بیارود بعد که باز هم تا امید شدم به سالن ریماسنیک یوسف آباد رفته و بالاخره به امیدیه ولی نشد که باشگاهها که محلی برای ریماسنیک ندارند، سالها هم که جا ندارند و مسئله تمام است حالا ما چه باید بکنیم؟ آنوقت میبوسید ورزش بانوان غرق شده است؟

کدام تشکیلات مسئول - سازمان ده و برنامه ریز ورزش بانوان است، کدام اداره به ورزش بانوان رسیدگی میکند، اصولا در کار ورزش ما مسئولی برای ورزش بانوان هست؟

اگر دخترها به سینما یا تریا میروند بدلیل آن است که توی هر خیابانی چند سینما و تریا باز شده با دکورهای متفاوت و برنامه های جداگانه ولی بنده بافتای خانواده یک ماه است بدنبال محلی هستم که سر گرم ریماسنیک شوم، حالا شما را بخدا باید کدام یکی شلوع تر باشد؟

بهر حال خودتان باور میکنید که در تمام تهران یک باشگاه با وسائل لازم مخصوص ورزش بانوان وجود ندارد؟ اگر باور نمیکند که خیلی آدمهای فکری هستند.

بیخندید تند شدم ولی ما هم حرفی نداریم، ما میرویم تریا، شما هم بنویسید که دختران بورژوا توجع ندارند، حرفی نیست.

احترام - تریا بصور خانم بصور ما نمی نویسیم دخترها به ورزش توجع ندارند، شما هم تریا بروید! گذشته از شوخی جواب درستی برای شما ندارم، حرف حساب، جواب ندارد، نباید مسئولین ورزش جوابی برای شما داشته باشند شاید هم نه، که حتما نه خواهد بود ولی حد اقل جواب این نامه خودش لطیفی دارد - متشکر

بوی فوتبال مال ما

هر چه که داریم مال شما

بطور مسلم و بدون هیچ شک و شبهه ای عشق جنوبیها را به فوتبال نمی توان انکار کرد، و آنها را از چیزی که بدان زایده تمام وجودشان است جدا ساخت، جدا شدن مردان زر خیز و سیه چرده خوستانی از این عاشق دیرینه مساوی است با مرگ آنها، جدا شدن از توپ داغ زمینهای خاکی نوید فرا رسیدن روزهای مرگ را میروساند، برای یک جنوبی، یک اسیر به زنجیر کشیده چیزیکه از زمین خوارها ثروت را داشته باشد همانا توپ از رنگ رفته زمین های خاکی میباشد.

خوستان میداند خاک است و پا، خاک است و توپ، خاک است و انسان لایق، برای آنها بازی کردن در چمنهای سبز رنگ ورزشگاهها همان سبزی توی دل ماهی بصور است!

هاند یک کشاورز در این زمین های خشک کشت میکند و ثمره اش را با مادیات ارزانی میدارند، و آنگاست که عرق داغ زحمت کشیده کشاورزان مثل آب سردی وجودشان را فرا میگیرد، حرارت و شور و هیجان از اندامشان رخته میشود و پا را فراتر از آنچه که دارند نمی توانند بکنند. برای آنها نه یک راه پیشی است و نه یک راه پس، و نقطه یاس و تاریکی در دلهاشان از اینجا سرچشمه میگیرد، عظمت غروشان را لگد مال میکنند و آنها را خوار میدارند، تیرهای دروازه اشان را میبرند و خشم هزاران جوان را بر می انگیزند و آنها را بسوی قمارخانه ها و مکانهای ناپاک هدایت میکنند، یعنی راهشانی برای فاسد کردن نسل جوان بوجود میآورند!

آقای سر دبیر سلام - بدون تعارف و بدون بهره گرفتن از جملات زیبا که در تلاش باشم با احساس خواننده بازی کنم آرزو میکنم دنیای ورزش پایدار باشد و خصوصیات عالی روحی و فضای گسترده آن که خواننده راحت میتواند نفس بکشد همیشه جاودان.

میدانید آقا، گروهی از نویسنده ها با ما بازی میکنند، با احساس ما با مغز ما و با غرور ما در لابلای کلمات و جملات قریبنده ما را میفرینند و می پندارند هر چه بخورم ما بدهند، نوش جان میکنیم ولی این گروه بی خبر نمیدانند تا چه اندازه دستشان رو است.

بهر حال امروز بچه مدرسه های ما هم قریب نمیخورند چه رسد به آدمهای استخوان دار، در جریان بازی ایران و شوروی البته تیم «ب» وقتی گل ایران بشمار رسید، یک آشنا از کنار من برخاست و با فریاد بخاطر آنکه به اعضای فدراسیون خوش خدمتی کرده باشد فریاد زد.

این انقلاب فوتبالی است

من طرف را شناختم و دوستانم هم نامش را بر زبان آوردند، نمیدانم شما آنجا بودید یا خیر، چون بعضی از نویسنده ها بودند.

نسبت به عکس العمل اطرافیان کاری ندارم و اینکه چه گفتند و چه شنیدند ولی با خودم فکر میکردم روزهایی که ما در جهنم فوتبال جنوب آسیا پیروز شدیم، روزهایی که بر کره شمالی غلبه کردیم - روزهاییکه اسرائیل را در جام ملتها پزوان آوردیم و روزیکه به المپیک ۱۹۶۴ قدم گذاریم، روزهاییکه در برزیل تیم ایران در مقابل تیمهای بزرگ باوجود آنکه «سفری» جدی نکرده بود، آن نتایج را بدست میاوردیم یا زمینیکه فوتبال ارتش ما در جهان سوم میشد و روی سکو بود چرا همیشه سال صفر فوتبال بود، چرا همیشه فوتبال ما ریشه نداشت و چگونه است که حالا با این حوادث، یک گل تیم «ب» که تیم جوانان هم نیست و هر کدام بهترینهای تیمهای باشگاهی ما هستند انقلاب فوتبال شروع میشد؟

با احترام - رضا توتونچی

آقای توتونچی، سبازگزارم از محبت شما و اینکه شما و مجله لطف دارید، اصولا روش ما این نیست که مثل یک سمران تا توی برف فرو کنیم، ما اعتقاد داریم که واقعا امروز خواننده شناختی دارد که بهتر از ما مسائل را بررسی میکند و قول بعضیها دیگر نمی شود برای خواننده زیر آبی رفت، اما درباره سال صفر فوتبال و انقلاب اجازه بدهید سکوت کنیم، برفها بالاخره آب میشود و اون زیرها هر چه هست خودش را نشان میدهد.

آقای رفیعی سلام - حتما مرا بخاطر دارید، یکی از شاگردان سابق شما هستم، اون روزهای سرد زمستان را بیاد دارید که هوا هنوز بازی میش و گرگ را در میآورد، شما ما را میجسور میکردید یخهای زمین والیبال را بکنیم، بعد دستههایمان را که از سرما یخ زده بود با نرمشهای مختلف گرم میکردیم و تمرین میآوردید و بعد میبوسید؟

من یکی از همان شاگرداها هستم ولی بعلت بی توجهی دستگاه ورزش و باشگاهها با عشق خودم وداع کردم، آقای عزیز شما را بخدا کاری کنید که این مجله سراپا فوتبال نباشد، از بسکتبال - وزنه برداری - شنا - والیبال - دو و میدانی هم بنویسید، این آدمهای دیوانه ای را که روی تریبونها فریاد میکنند شما دیوانه فوتبال کرده اید، کاری کنید که حداقل این دیوانه ها تقسیم شوند، مگر نه اینکه، همه میگویند دنیای دیوانه - دیوانه دیوانه پس بگذارید همه جا نشانه های دیوانگی باشد.

با سلام فراوان - رضا خسروی

آقای خسروی جطوری برادر، قیافه تو یکی را هرگز فراموش نمیکم، یک «باسور» جاق و کوتوله بودی که هزار تا شلاق نوش جان میکردی برایت دلپذیر تر از این بود که دو دور دور زمین بدوی، حالا نویسنده های ما هم حالت تو را پیدا کردند برادر، درین دنبال خبر، نوشتن تفسیر درباره ورزشی دیگر، شناختن قهرمانهای سایر ورزشها وقت میخواهد و تلاش، چه از این راحت تر که مرتب بنویسند، این سوت کرد اون پاس داد؟

شهر بانی و یک پیروزی شیرین

شهر بانی ۲ - افسر صفر

پنجشنبه دوم مرداد ۱۳۵۴، استادیوم پارس (تهران) فوتبال قهرمانی باشگاههای دسته اول (تهران)، شهر بانی ۲ (دقایق ۷۶ و ۸۲) بدیده فرکی، افسر صفر، داور قاطع ارشد برانزده با کمک محمود خوشخوان و خسرو رجیبعلیان، زمین چون، بازی زیر نور تماشاگر حدود ۵۰۰ تن، بازیکن خطاوی محمدجباری (شهر بانی).

شهر بانی: مجمع گلسی (دروازبان) - داود آتری، مصطفی دروایان، محمد مرادی، حسن بابائی - محمد جباری، محسن خاکپور، محمد آذرنش (از دقیقه ۴۶ گلشنی، مجید کزایی، حسین ملاپیدالفرکی، اسماعیل کشتیاری).

حاج حسین، صابرمسیبزه، جمشید پزیرا، مصطفی دولخواه - عباس قاسمی، مجید مشتقی، حسین کشمیری، فرهاد نوروی، سعید صابرموش.

افسر و شهر بانی نمایشگر دیداری سریع و پرحاشیه بودند هر دو دروازه مرتب با تیز دید رو برو بود ولی در این رهگذار شهر بانی سلف بهاج هوشیار واس برنده خودیداله فرکی، بازی را بسود خود به پایان رساند. افسر تیم بازنده این دیدار هرگز کمتر از

حریف نبود ولی بازیکنان خط حملاین تپراه دروازه را خوب نیشناختند حتی آژمانکه در دقیقه ۶۵ افسر با یک پانلنی همه چیز را برای پیروزی در اختیار داشت از این شانس بی نصیب ماند و در عین ناباوری در ۱۴ دقیقه به پایان بازی دوبار دروازه خود را میهمان گلهای حریف کردند!

در حقیقت این پیروزی دلیل هوشیاری و درخشش فوق العاده فرکی، مهاجم بلند قامت و شوت زن شهر بانی بود و گر نه این نیشپنج شکل برتر از حریف در میدان نشان نداد و موقعتهای فراوانتری نیز از تیم شکست خورده داشت، گذشته از پانلنی در دقیقه ۴۲ نیز ضربه سر نو روزی همان بازیکن که توپ را از نقطه پانلنی پخارج فرستاد در راه ورود به دروازه به دیرگ افی خورد.

در دقیقه ۷۸ شوت زیبای فرکی، آژمنت محوطه جریمه قاضی شمار دروازه بان برتجربه افسر را تسلیم ساخت، پس از این گل شهر بانی بارو حیدای بهتر بازی را دنبال کرد و دروازه حریف را زیر فشار قرارداد، مهاجم گلزن شهر بانی ۶ دقیقه بعد در شلوغی مقابل دروازه باشونی آرام دومین گل خود و تیمش را بنشر رساند و امید حریف را برای رهایی از شکست گرفت.

امتیازها تقسیم شد

بوتان ۱ - تهران جوان ۱

پنجشنبه دوم مرداد ۱۳۵۴، استادیوم راه آهن (فوتال قهرمانی باشگاههای دسته اول تهران) بوتان ۱ - (دقیقه ۴۸ امین الله عظیمی)، تهران جوان ۱ (دقیقه ۳ محمد رضا خالقی، داور خوب منوچهر نظری با کمک حمید خوشخوان و عظیمی وحدت، هوا گرم، زمین چمن تماشاگر بیش از ۵۰۰ تن).

بوتان: علی گیومای (دروازبان)، محمد افسری، مهدی فردعلی نیا، امین الله عظیمی، کاظم سید علیخانی، مهدی ابوطالب، جعفر ابوالنوست، مسعود طهماسبی - محمد ربیعی، علی میرشکار، محمد احراری سربی پیروزی ابوطالب.

تهران جوان: داود گلکار (دروازبان)، داود تاجیکی، محمد شهیندی، مرتضی پور اقم، سید نصرالله سجادی، محمد رضا خالقی، یونس فرجی، منصور هاشمی نژاد، محمد نور، اکبر رزاقی، و جعفر نور، مری جهشید وطن دوست.

تهران جوان خیلی زود مقصود رسید در دقیقه ۳ بود که خالقی، باقرار سریع خود دفاع بوتان را غافلگیر کرد و دروازه را فرو

ریخت. پس از گل بازی و میدان بدست بوتان افتاد و تهران جوان مجبور شد تا با بیشتر قوای خود در حفظ دروازه بکوشد. حملات پیردی بوتان هر لحظه بیروقت تاگل تلافی را بهتر رساند اما شتاب در کار مهاجمان و تلاش سرسختانه خط دفاعی و دروازه بان تهران جوان کسب گل را سیرر نمیگرد. نیمه اول با حملات فراوان بوتان و گل برتری تهران جوان به پایان رسید.

در وقت دوم مهاجمان بوتان با حالتی تهاجمی میدان راه دست گرفت و با همکاری بیشتر و اهنگی بهتر بدنبال گل مساوی تلاش نمود. درست در دقیقه سوم، بود کتهران جوان گل مساوی را در دروازه خود دید، این گل روی توپ بلندی که از نقطه کرنر میامد با ضربه سر عظیمی، مدافع چپ بوتان وارد دروازه تهران جوان شد.

تهران جوان از این گل پخشم آمد و بترانش خود افزود که این موجب برقراری تعادل گردید ولی باز بوتان، در دقایق آخر دروازه حریف کوئید و برای گل پیروزی چند فرصت خوب بدست آورد که به بخت خوشیا تهران جوان بود و امتیازها به تساوی تقسیم شد.

خانواده محترم تسلیم غرض نموده، بقای عمر جنابعلی و خانواده محترم را از درگاه بار تعالی آرزو نمیدیم.

از طرف ورزشکاران مرکز آموزش ماشین سازی اراک - عباس عباسی دوستان ارجمند آقایان کامبیز و کیوان جمالی ضایعه اسفناک فوت ابوی محترم را تسلیت گفته بقای عمر و سلامت دودمان شریف شما را از خداوند بزرگ مسئلت داریم. نادرانشار و روزگوزنه کانی بیوک جدی کار - دکتر فریدون مهدیون - علی سیادت رضا زینی - بهرام مهرزاد - نیروداستواری - عنایت اله جانابور - جلای

برگزیدگان کشتی آزاد و فرنگی جوانان

را در سه دقیقه نخست ضربه فنی کرد و راه به نیمه ملی یافت. ترکیب تیم آزاد جوانان از این قرار بود.

چهره های برگزیده
۴۸ کیلو: محمود اسماعیل پور تهران.
۵۲ کیلو: محمد یعقوب زاده مازندران.
۵۷ کیلو: رسول حسینی مازندران.
۶۲ کیلو: محمد رضائی تهران.
۶۸ کیلو: رسول کلهر خوزستان.
۷۲ کیلو: برنده مبارزه عفتدار و حکیم جواد.

۷۲ کیلو: برنده مبارزه عفتدار و حکیم جواد.
۸۲ کیلو: محبی کرمانشاه.
۹۰ کیلو: علی رضا سلیمانی تهران.
در کشتی فرنگی تنها دو مبارزه روشنگر سرنوشته بود که در ۷۴ کیلو انجام شد. در حالیکه بخاطر ترسیدن منتظری بوزن کشتی اسماعیلی از لرستان بدون مبارزه انتخاب گردید.

حسین شاکری قهرمان جوانان ایران در بابل در اولین مبارزه مقابل محمد بناء از تهران با ضربه فنی شکست خورد، چهره مغلوب قبل از خاندن ۷۸- عقبه بود. در حالیکه در بابل بناء مغلوب شاکری شد. مبارزه نهائی را بناء با فریدون عشق پرست انجام داد. عشق پرست که بیماری چند روزه سبب نزولش شده بود، علیرغم اینکه در سه دقیقه نخست ۱۰-۲ مغلوب بناء بود در پایان بلفظ اشتباهات بی دردی حریف ۱۷-۱۸ صاحب پیروزی شد و باین ترتیب تیم ملی کشتی فرنگی جوانان انتخاب شد.

۴۸ کیلو: ناصر اسماعیلی لرستان.
۵۲ کیلو: بهروز دانش تهران.
۵۷ کیلو: فریدون عشق پرست تهران.
۶۲ کیلو: غلامرضا قصاب خوزستان.
۶۸ کیلو: جعفر علیزاده تهران.
۷۴ کیلو: داود خاتمی زاده تهران.
۹۰ کیلو: هاشم کلاهی تهران.

۱۰۰ کیلو: محمد رضا عربی زاده خوزستان. فراسیون کشتی همینجور در نظر دارد در صورتیکه یوسف آبادی عضو تیم ملی در ۸۲ کیلو از نقطه نظر شرایط سنی حضور در تیم جوانان با اشکالی رو برو نشود با نظری قهرمان مسابقات انتخابی مبارزه کند که چهره فاتح همین عضو تیم کشتی فرنگی خواهد کرد.

در غیر اینصورت هاشم کلاهی در ۸۲ کیلو و عربی زاده در ۹۰ کیلو مبارزه خواهند کرد.

تیم های جوانان ایران ۱۷ مرداد راهی خاسخو، شهر مرز تریک بیلارستان خواهند شد و مسابقات از روز ۲۰ مرداد در رشته کشتی فرنگی آغاز خواهد گردید. که سه روز کشتی فرنگی و ۳ روز کشتی آزاد ادامه خواهد داشت.

برگزاری ۸ مبارزه سرنوشته تیم های ملی آزاد و فرنگی کشتی جوانان ایران، اعزامی بسایقات جهانی بلغارستان را روشن ساخت، هر چند که همراه بودن خدابخش عفتدار در تیم اعزامی به کابل ابهام ۷۴ کیلو کشتی آزاد را برطرف ساخته ولی باشناخت موجودیت عفتدار و حریف او محمد رضا حکیم جواد بخت و شانس گزینش کشتی گیر خراسانی در تیم ملی آزاد جوانان تردید ناپذیر نشان میدهد.

فدراسیون کشتی که برای گزینش تیم های ملی جوانان در هر دو رشته در های تپرا بروی همگان گشوده بود، از هیچ آزمایشی و گردان نبود و بخاطر اینکه بهترین ها در تیم جای گیرند از آزمایش چندبار مدعیان نیز سرباز نزد و باین خصوصیات بهترین های موجود را برای دو تیم ملی جوانان انتخاب کرد.

در جریان مسابقات انتخابی برخی وزنها بخاطر حضور همه قدرتهای قابل بحث آن وزن سرنوشتن زود معلوم شد ولی در بعضی از اوزان بخاطر نزدیکی قدرتها و وجود برخی نارسائیاها و چند غایب نتیجه نهائی را بمبارزات بعدی موکول نمودند.

بهین خاطر ابتدا در جریان مسابقات فرنگی برخی از مدعیان به آزمایش کشیده شدند و برخی دیگر طول هفته گذشته در سالن امجدیه مبارزات آخرین را انجام دادند.

در کشتی آزاد ۶ مبارزه در وزنه های ۵۲-۶۸-۸۲ و ۹۰ کیلو برگزار گردید که محمد یعقوب زاده از مازندران محمد رضائی از تهران - کلهر از خوزستان - محبی از کرمانشاه و سلیمانی از تهران برای تیم ملی انتخاب شدند.

در مبارزه نخست محمد یعقوب زاده و ستارده مازندران در یک دیدار یکطرفه با نتیجه ۲۲-۱ برترشیمی قهرمان مسابقات انتخابی غلبه کرد و بخاطر پیروزی قبلی مقابل امیدوار و رشید فرهادی صاحب پیراهن ملی شد.

رضائی که در دیدار انتخابی ۹-۸ مغلوب گرشاسبی شده بود، اینبار بتلافی آنرا کاشی ۱۴-۷ پیروز شد.
۶۸ کیلو کلهر بار دیگر برتری خود را مقابل امتصای تکرار کرد ۲-۱۳ بر امتصای غلبه نمود.
کشتی های ۸۲ کیلو بایک شکستی همراه بود، عادل بلند اقبال کشتی گیر کرمانشاهی ابتدا در یک مبارزه قابل افتخار برجیلیان از خوزستان غلبه کر و ولی در مصاف با جعبی مغلوب بود از ادامه مبارزه خودداری کرد.

عامل اصلی ناگامی بلند اقبال کم کردن تجبیلی وزن او بود که در فاصله ای اندک باترینات فشرده و رژیعی غیر معمول چندین بار از وزن خود کاست و بهین خاطر مغلوب گردید.

ابراهیمی قهرمان ۹۰ کیلو ی مسابقات انتخابی

نوائی به آلمان شرقی نمیرود

شب گذشته طی تماسی با محمد علی صنعتکاران، سرمربی تیم ملی کشتی آزاد ایران اطلاع یافتیم محمد رضا نوائی، چهره برگزیده وزن ۶۲ کیلو تیم ملی کشتی برای سفر به آلمان شرقی و شرکت در تورنمنت لایپزیگ، بملت کشتی دیدگی دست قادر به همراهی تیم نیست.

عدم آمادگی نوائی، با ناراحتی او در آخرین تمرینات هفته پیش مسجل گردید که تحت این شرایط تلاش میشود چهره دیگری بجای او انتخاب گردد که با توجه بهفرصت کم باقیمانده (نیم ایران-مشنه تهران را ترک میکند) در صورت امکان اینکار عملی خواهد شد.

شرح عکس روی جلد

از چپ بر است: اسماعیل حاجی رجیب پور - حمید شهبازی و - دستجردی آتویچی خط حمله تیم فوتبال امید ایران که با گل های خود ایران را تا یکبار نیلان دومین دوره مسابقات حاد اماد، پیش بردند.

تبریکات

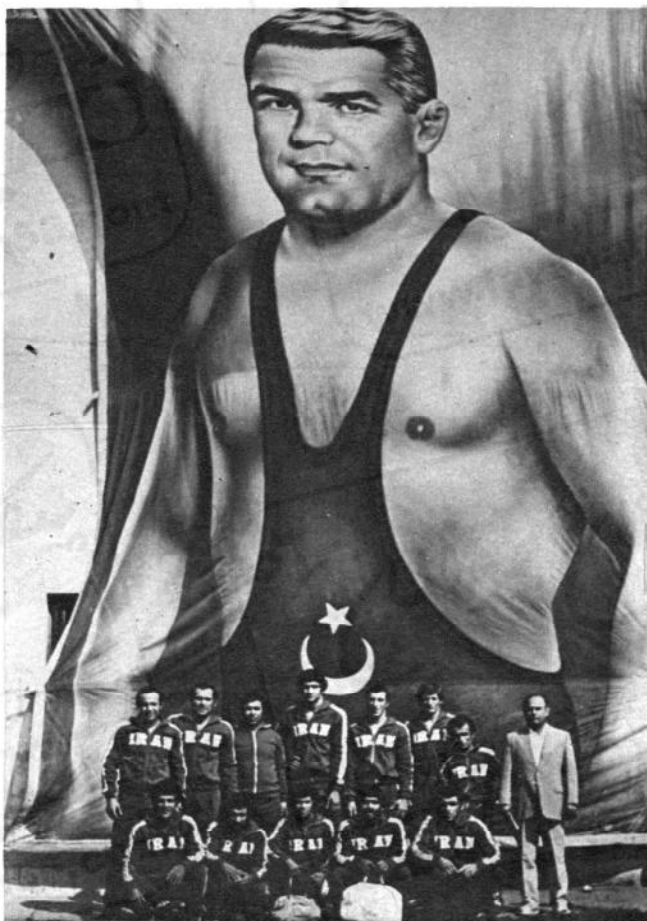
یوسف آبادی عزیز
انتخاب سکومند جنابعلی را به عضویت تیم ملی کشتی تبریک میگویم.
حمید شهبازی عزیز
بازی فرودست در مسابقات جام ایران و گل زیا و حساست را در مقابل شوروی تبریک میگوریم.
گنجسار - مهندس فرهاد صفی خانی و فوتبالیستهای تیم پرسپولیس

شریفی و نوراللهی عزیز و سرداران جوانان جم گجساران

میروزینان را در برابر جوانان برسولیس گجساران تبریک میگوریم.
گجساران - فولادی - شاهین خصال

ایران با ۶ مدال طلا - نقره و برنز سوم شد!

لهستان در حضور شوروی - ایران - بلغارستان با سه مدال طلا صاحب عنوان دوم شد



کشتی‌گیران ایرانی در پای تصویر یاشاردوغو قهرمان فقید ترکیه

شهر ساحلی و زیبای سامسون «زادگاه» یاشاردوغو (قهرمان نامدار و قنبد ترکیه که مدال طلای المپیک ۱۹۴۸ لندن را بر گریز اویخت) طی سه روز شاهد مبارزه برگزیدگان کشتی آزاد تیمهای شوروی - ایران - بلغارستان - رومانی - لهستان و ترکیه برای فتح جام یاشاردوغو بود. که این افتخار همانند سال گذشته نصیب کشور میزبان گردید. در حالیکه درخشش لهستانها خیره کننده بود. مسابقات سه روزه جام یاشاردوغو با حضور ۷۰ شرکت کننده از کشورهای ایران (۱۰) - لهستان (۱۰) - بلغارستان (۸) - شوروی (۵) - رومانی (۵) و ترکیه (۳۲) آغاز شد. ایران که سال گذشته با تیمی برتر از باین مسابقات قدم گذارده و بیشترین مدال طلا را (۵) فتح کرده بود بازم از آغاز هدف ترکها بودند، چرا که لهستانها علیرغم در خدمت داشتن ۱۰ کشتی گیر باخاطر سوابق گذشته آنچنان تهدید کننده نمایش نمیدادند و با توجه به ناقص بودن تیم های شوروی - رومانی و جوانی تیم بلغارستان ایران بعنوان رقیب بزرگ برای کشور میزبان متصور بود. در حالیکه علیرغم این تصور ترکها، ضعف کیفی تیم ایران نسبت بسال گذشته عملا ایران را مقابل ۳۲ کشتی گیر ترک بدون سانس جلوه میداد و دیدیم که این تیم در پایان صاحب عنوان سوم شد. یعنی یک مله باین تر از دیدارهای سال گذشته.

در تیم ایران توجه به جهره هانی جون سبحان روحی - عبدالله حاج احمدی - محمدرضا طاهری و علی دقت پور بود که در این جمع حاج احمدی نیز بعزت بیماری نتوانست موجودیت حقیقی خود را ارائه دهد.

۶ تن دیگر برخی بعزت جوانی و گروهی برغم سابقه گذشته نمی توانستند آنچنان امید بخش ظاهر شوند و فدراسیون کشتی تنها بصرف تشویق تیمهای شهرستانی و ارزش پختنیدن به مسابقات قهرمانی ایران اقدام به اعزام آنها نمود. که هر چند این تشویق در این زمان و در آستانه مسابقات جهانی بی مورد مینمود ولی بهر شکل قهرمانان ایران به ترکیه رفتند.

در کنار نزول تیم ایران، ترکها واقعا در این یک سال گذشته پیشرفتی چشم گیر داشته اند. بطوریکه در صحنه اروپا در نزد قدرتهای بزرگ شوروی و بلغارستان نمایشی امیدوار کننده داشته اند و بهین خاطر این بار پیروزی ترکها قابل پیش بینی بود ولی آسیب دیدگی و خودداری تنی چند از بزرگان نظیر آلن علیرضا برنده مدال نقره ۵۲ کیلو جی، مهمت اوزون صاحب عنوان دوم جهان در ۸۲ کیلو و بلبل گونگول صاحب مدال برنز ۹۰ کیلو تا حدی از قدرت تیم میزبان کاسته بود. و باین ترتیب بود که در وزنهای بالا کشتی‌گیران شوروی - لهستان درخشیدند.

پیروزی دو روستی

در جمع تیمهای شرکت کننده سواى ترکها تنها یک برنده مدال جهانی از رومانی حاضر بود. واسیلی بورگا جهره برسانیه ۸۲ کیلو رومانی که از سال ۱۹۷۰ باین طرف از سکوهاى افتخار جهان صعود می کند این بار نتوانست پیروزی فرابورگ را تکرار کند و در برابر آراچیلوف قهرمان تازه نفس روسی مغلوب و بمقام دوم قناعت کرد.

سواى آراچیلوف باید از بارشکوف کشتی گیر فوق سنگین روسی نیز یاد کرد که براحتی صاحب مدال طلا شد. بارشکوف دو دوره درجاء نفلیس مدال طلا برده بود. با این خصوصیات کارنامه کشتی‌گیران ایران را ورق میزنیم. ۲۸ کیلو: سیحان روحی با برتری کامل و با گذشتن از سد سه ترک صاحب مدال طلا شد.

از دو امتیاز مسلم او ترکها بی تفاوت گذشتند و طاهری با یک اختلاف امتیاز مغلوب شد. طاهری قبل از این ناکامی حریفان بلغار و دو ترک را شکست داده بود.

بیژن زرافشانی نتوانست برآورنده انتظاراتی باشد که از او میرفت، او در مقابل دو پیروزی سه شکست داشت که سواى ناکامی از آراچیلوف روسی و بورگا از رومانی مغلوب جمال‌الدین نوف دیگر کشتی گیر روسی شد.

آراچیلوف با ۴ پیروزی در صدر ایستاد. در ۹۰ کیلو سه کشور ایران - لهستان - ترکیه هر یک با ۲ کشتی گیر بمیدان آمده بودند که لهستانها بلطف پاول کورچفسکی برنده مدال نقره سال ۱۹۷۱ صوبیه برتر از همگان بودند و عنوانین اول و دوم را تصاحب کردند. دقت پور که مدال برنز نصیبش شد، دو شکست و یک پیروزی برابر علی رضا سلیمانی موطن خود داشت و با همین یک پیروزی صاحب عنوان سوم گشت.

سلیمانی در دیدار نخست مغلوب داوران شد و پس از پیروزی ضربه فنی بر شرکت کننده رومانی مقابل دقت پور سه اخطار شد. در وزنهای ۱۰۰ و فوق سنگین قهرمانان لهستانی و روسی قهرمان شدند و باین ترتیب تیم ایران با ۶ مدال طلا - نقره و برنز بمقام سوم رسید. رده بندی کلی از این قرار است.

رده بندی حقیقی

۴۸ کیلو: ۱- سیحان روحی ایران ۲- علی یلمساز ترکیه ۳- مهمت گانیاز ترکیه ۴- عمرساکسی ترکیه ۵- عثمان دمیرسی ترکیه ۵۲ کیلو: ۱- آندزف کولدسکی لهستان ۲- فمسی ساری ترکیه ۳- محمد مصطفی اوف بلغارستان ۴- فوزی گوگدوگان ترکیه ۵- کرامت زرنک ایران و کاظم کوبان ترکیه مشترکا. ۵۷ کیلو: ۱- مین سیمسکت ترکیه ۲- هریستومانیوف بلغارستان ۳- ناصر نصیری ایران ۴- بلدریم ترکیه ۵- فیکرناپاز ترکیه ۶۲ کیلو: ۱- پیتروکومان رومانی ۲- ژدزیکى لهستان ۳- تیموفیل شوروی ۴- خسرو زمانی ایران ۵- ابراهیم بلغارستان ۶- فاهیرسارایباک ترکیه

۶۸ کیلو: ۱- مهمت ساری ترکیه ۲- وهبی آکداک ترکیه ۳- کاهی اهیکالی اوگلو ترکیه ۴- علی شاهین ترکیه ۵- عبدالله حاج احمدی ایران ۶- کازدیف شوروی

۷۴ کیلو: ۱- ثروت آیدمیر ترکیه ۲- محمدرضا طاهری ایران ۳- یعقوب پوپوز ترکیه ۴- رشید کاراباکاک ترکیه ۵- عثمان علی عثمان اوف بلغارستان و سونیتران ترکیه مشترکا ۸۲ کیلو: ۱- ویکتور آراچیلوف شوروی ۲- واسیلی بورگا رومانی ۳- بیژن زرافشانی ایران ۴- هنریک مازور لهستان ۵- احمد کلک ترکیه ۶- هارایلات ترکیه.

۹۰ کیلو: ۱- پاول کورچفسکی لهستان ۲- سفان از لهستان ۳- آبهان تاسکین از ترکیه ۴- علی دقت پور ایران ۵- اسماعیل تمیز ترکیه ۶- علی رضا سلیمانی

۱۰۰ کیلو: ۱- ماریان لهستان ۲- اناج دناهی رومانی ۳- سوت لوگانی بلغارستان ۴- اودارد لهستان ۵- حسین کوکال ترکیه ۱۰۰ کیلو بالا: ۱- پارشکوف شوروی ۲- کتان آگ ترکیه ۳- علاء‌الدین ایلدریم ترکیه ۴- هریستویوردان بلغارستان

باین ترتیب با توجه به احتساب امتیاز یک شرکت کننده از هر کشور ترکیه با ۲۰ امتیا بمقام قهرمانی رسید و تیم کشتی لهستان با ۱۸ امتیاز صاحب عنوان دوم، ایران با ۱۴ امتیاز بمقام سوم، شوروی و رومانی با ۱۳ امتیاز در جای چهارم و بلغارستان با ۱۰ امتیاز پنجم رسیدند.

مسای کرد و ۵ پیروزی بلطف تجربه فراوان خود قهرمان شد.

در ۶۸ کیلو ایران با دو کشتی گیر بمیدان آمده بود که امیدها در جهره حاج احمدی جستجو میشد که حاج احمدی علیرغم درخشش در اولین مبارزه مقابل وهبی آکداک صاحب دو مدال نقره و برنز المپیک و جهان در روز بعد دچار بیماری شد و باخاطر بیماری مغلوب قهرمانان ترک شد.

در این وزن علی دقتان علیرغم اینکه نخستین بار حضور در مسابقات بین‌المللی را آغاز میکرد، با توجه بموجودیت خود با روحیه و جنگنده بود.

پیروزی بر قهرمان لهستانی و دو شکست از کشتی‌گیران ترک و شوروی سبب حذف او شد.

درخشش طاهری

محمدرضا طاهری که با آمادگی کافی به این مسابقات قدم گذارده بود در سد داوران از مدال طلا دور شد. او براستی بهترین مبارزات خود را در ترکیه انجام داد و در شرایطی که میرفت مقابل ثروت آیدمیر ملی پوش ترکیه صاحب پیروزی شود،

علی یلمساز علیرغم اینکه ۲۲ امتیاز از کف داد ضربه فنی شد ولی دوتن دیگر با ضربه فنی مغلوب شدند. کرامت زرنک قهرمان ۵۲ کیلو برخلاف مسابقات همدان هیچ فروغی نداشت و دو شکست پی‌درپی برابر قهرمانان ترک و لهستان سبب حذف او شد. در این وزن مصطفی اوف از بلغارستان برتر از همه بود ولی باخاطر آسیب دیدگی در برابر فمسی ساری نتوانست برحله های نهانی راه یابد.

کودلنکی لهستانی که در کشور خود نیز باخاطر وجود «استیک» دور از عنوان قهرمانی است با ۴ پیروزی صاحب مدال طلای ۵۲ کیلو شد.

در ۵۷ کیلو ناصر نصیری علیرغم پیروزی برکشتی‌گیر بلغاری با شکستی که در مقابل کشتی‌گیر ترک نصیبش شد در جای سوم قرار گرفت در حالیکه مارینوف بلغاری جهره پیروز مقابل نصیری را مغلوب ساخت.

خسرو زمانی نماینده ایران در ۶۲ کیلو بود که با سه پیروزی و ۲ شکست بمقام چهارم رسید. ناکامی های قهرمانی ایرانی برابر قهرمان روسی و پیتروکومان رومانی بود. در حالیکه زمانی در سه مبارزه دیگر درخشش چشم‌گیری داشت. کومان قهرمان رومانی همان کشتی‌گیری است که در سال ۱۹۶۷ در اولین دوره با سید عباسی

با آرامش سفر کنید

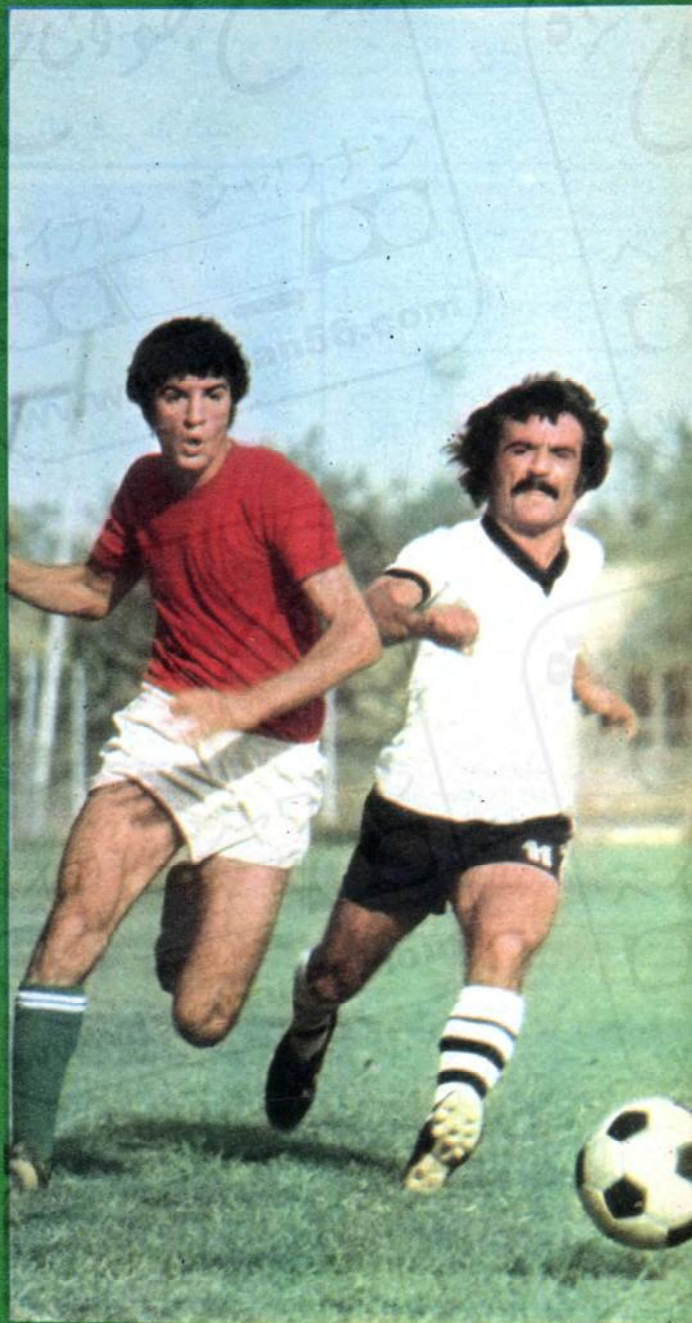


حساب پس انداز در گردش بانک ملی ایران
آرامش خاطر شما را در مسافرت تأمین میکند

صندوق پس انداز بانک ملی ایران



اکبر مالکی دروازه بان تیم اقبال



مصطفی صدری مهاجم سریع
شهباز در دیدار باشهر بانی

قهرمانی آموزشگاههای ایران پایتخت نشینها حاکم دوگانه

**بسکتبال : تهران و مشهد دو «جام» را
تقسیم کردند**

فوتبال : تبریز در جدال پنهانی قهرمان شد



* در گروه دختران تهران یکبار دیگر پیروزی خود را تکرار کرد، عکس مهره های اسامیل تیم تهران را که با پیروزی بر چهار محال قهرمان شدند نشان میدهد.

حال بیرونی ارزشمند برای آنها بشمار میآید، بازی سرنوشت گویی شناسایی برتری تهران و نسکست را بذریعه بودند.

گیم اول بازی با پیروزی ۱۵-۲ تهران همراه بود و گیم دوم نیز با نسکست ۱۵-۱۱ چهار محال بیاپان برده شد.

دیدار رده بندی نیکار شمال و جنوب بر سر تصاحب مکان سوم بود که سرانجام شمالیا این جدال را بردند. گیلان که در مرحله نیمه نهایی مغلوب تهران گردیده بود با نسکست ۱۵-۴ خوزستان عنوان سوم را از آن خود کرد.

اسمال ۲۱ تیم در مسابقات دختران شرکت داشتند که ابتدا: در چهار گروه دیدارهای مقدماتی را برگزار کردند و سپس نیمهای اول و دوم هر گروه برای انجام بازیهای مقابل نیمه نهایی باین صورت در ۲ گروه قرار گرفتند.

گروه اول: چهار محال بختیاری - تبریز - تهران - اسمان مرکز
گروه دوم: گیلان - سیراز - خوزستان - مازندران.

تهران و چهارمحال بختیاری مکانهای اول و دوم گروه اول را بدست آوردند که دیدار ایندو با پیروزی ۲۰-۰ تهرانها همراه بود. درگروهم دوم عنوان قهرمانی نصیب خوزستان شد و گیلان بمقام دوم رسید.

چهار محال در نیمه نهایی س از سه گیم ۱۵-۱۲، ۱۵-۷، ۱۵-۴ خوزستان را مغلوب کرد و تهران نیز ۱۵-۱۰ و ۱۵-۶ گیلان را ست سرگردار. دوشنبه بعد از ظهر که مراسم اختتام بازیها در سالن دستان فردوسی انجام گرفت: جوایز تیمها و بازیکنان پیروز در مسابقات والیبال - هندبال و دوجرخه سواری که دیدارهای در تهران برگزار گردید، توزیع شد.

و نکته جالب توجه اینکه «فریده فرازم» مربی تیم دختران تهران، بخاطر درخشش دختران چهار محال جام قهرمانی را که به تهران داده شده بود به چهارمحالها هدیه کرد.

اسامی تیمهای قهرمان

پسران تهران: منوچهر اخسین ناصر نظامت
دوست - حسین روضه‌ای - یوسف اسکندری
محمد میرانی نژاد - جاوید نجفی. مربی: زابنده رودی.

دختران تهران: فروزان عبیدی - مهناز آقائی
زاده - لیون بیت‌ملک - افتخار روحانی زاده - سهیلا صمدزاده - آیدال‌نوسی - سیمین رضوی - بروش وکیلی - سوادبه مرادی - مینو روغنجی. مربی: فریده فرازم.

کرمان نیز نظیر تهران یکی از دو نص منتخب ورزش آموزشگاهها طول روزهای گذشته بود که میزبانی برگزیدگان چند رشته را بر عهده داشت.

دیدارهای بسکتبال و فوتبال که همزمان با مسابقات برگزاری در تهران آغاز گردیده بود، هفته گذشته به پایان برده شد ضمن اینکه فوتبال‌بستهای تبریز - دختران تهران و پسران مشهد در بسکتبال عنوانهای قهرمانی را تصاحب کردند.

در بسکتبال پسران حکومت از آن مشهدیها شد که با نسکست ۴۱-۵۳ تهران در پیکار فینال به «جام» دست یافتند.

در گروه دختران «تهران» دراج نشست و این بلطف پیروزی ۳۲-۲۹ برابر اصفهان در فینال بود.

جدال نهایی مسابقات فوتبال را تبریز و یزد برگزار کردند که نتیجه پس از رفتهای قانونی اضافه بدون گل مساوی بود و باین ترتیب برای تعیین سرنوشت‌کاریمپانته‌نژدن کشیده‌شدیمکه تبریز ۵-۶ به پیروزی دست یافت.

رده‌بندی کلی در پایان مسابقات فوتبال و بسکتبال باین شکل میبایند.

بسکتبال

پسران: ۱- مشهد ۲- تهران ۳- اصفهان ۴- مازندران ۵- کرمانشاه ۶- کرمان.

دختران: ۱- تهران ۲- اصفهان ۳- تبریز ۴- مازندران ۵- کرگان ۶- رضائیه فوتبال

۱- تبریز ۲- یزد ۳- کرمانشاه ۴- کهکیلویه ۵- همدان ۶- یوشهر.

نقطه پایان بر دیدارهای والیبال: در کادر بیست و یکمین دوره بازیهای قهرمانی آموزشگاههای ایران ضمن خلق یک شکستی گذارده شد، و شکست آفرینان این بار برخلاف همیشه: تهرانها بودند که با پیروزی دور از انتظار بر «استان مرکز» عنوان قهرمانی مسابقات پسران را تصاحب کردند.

تهران که در جدالهای مقابل نیمه نهایی قدرت برتر حریف را پذیرفته بود، در پیکار فینال در عین ناباوری پیروزمندانه انهم با حساب ۲۰-۰ کار را به آخر برد.

برای «استان مرکز» که با چهره هانی چون چیت‌گرم، موسیوند - کوهستانی و شاه‌حسینی از آغاز بازی شانس بزرگ فتح «جام» بشمار میآمد و پس از نسکست ۲۰-۱ تهران پیش از راه یافتن به نیمه نهایی: بیشتر از هر زمانی به حکومت بر والیبال پسران آموزشگاهها امید داشت، در نبرد سرنوشت همه چیز نقش ای طوفانی‌لایوهرکردنی و دردم کوبیده را گرفته بود و مرکزها هنگامی از بند این حوادث رهائی یافتند که تهران جام را برده بود.

برخلاف پسران: در جناح دختران فینال همانطور انجام شد که از قبل انتظارش میرفت و تهران با نسکست «چهار محال بختیاری» در فینال یکبار دیگر در مکان اوج نشست.

دختران چهار محال

دختران چهار محال بختیاری اگر چه در بازی فینال اسامیل از آنجا انتظارش میرفت باخت را برابر تهران پذیرفتند ولی در راه رسیدن به فینال بازیهای خوبی ارائه کردند ضمن اینکه فینالست شدن چهار محالیا را بایستی شکستی مسابقات اسمال دختران حساب آورد.

سال پیش دیدارهای والیبال آموزشگاهها در دو مرحله جداگانه انجام شد، باین ترتیب که ابتدا تیمها در ۵ منطقه بازیهای مقدماتی را انجام دادند و سپس تیمهای برگزیده مناطق در اصفهان برای تصاحب عنوانها به رقابت پرداختند. حسن برگزاری مسابقات بدین صورت در اینست که بخاطر قدرت نزدیک تیمها، بازیها از کیفیت قابل توجه‌ای برخوردار است.

ولی اسمال دیدارها در اجتماع کلی در تهران انجام گرفت که تحت این شرایط بازیهای خوب در لابلای دیدارها تقسیم گردیده بود و مربوط به جدال تیمهای برگزیده میشد.

شکست استان مرکز

مسابقات پسران را ۲۶ تیم از استانها و فرمانداریهایی کل با جای گرفتن در ۲ گروه برای انجام دیدارهای مقدماتی آغاز کردند که در پایان گروه بود ۲۱ تیم مرکز خاتمه یافت. در گروه نیمه نهایی انتخاب شدند و باین ترتیب دو گروه تازه را تشکیل دادند.

گروه اول: اصفهان - استان مرکز - مشهد - تهران.

گروه دوم: مازندران - تبریز - همدان - رضائیه.

در پایان بازیهای این مرحله در گروه اول استان مرکز مکان اول را تصاحب کرد و تهران دوم شد. جدال ایندو که سرنوشت ساز قهرمانی گروه بود ۲۱-۱۴ مرکز گیم اول را ۱۶-۱۴ بود خود دوم تبریز عنوان قهرمانی را برد و مازندران صاحب مکان دوم شد.

در مرحله نیمه نهایی تهران با ۲ گیم پیروزی ۱۵-۱۰ و ۱۵-۱۱، با حساب کلی ۲۰-۰ از سد تبریز گذشت و استان مرکز نیز ۲۰-۰ مازندران را شکست داد. مرکز گیم اول را ۱۴-۱۶ بود خود پایان داد ولی در گیم بعد با آسودگی فراوان ۱۵-۲ پیروز زمین را ترک گفت.

پیش از دیدار فینال بین استان مرکز و تهران: همه چیز بر اطراف پیروزی استان مرکز دور میزد و مرکزها خود را برای فتح جام آماده میکردند ولی عاقبت این جدال خلاف آنچه بود که تصورش وجود داشت.

پیکار در گیم اول سخت سنگین بود و رقابت شانه به شانه دو حریف در آخر به پیروزی ۱۵-۱۷ تهران انجامید، در گیم دوم نیز

شکست آسان

پیروزی دختران تهران در دیدار فینال مقابل چهار محال بختیاری، فتح باینخت نشینها در مسابقات والیبال را دوگانه کرد. «چهارمحالها» که راه یافتن به فینال برایشان یک شکستی و در عین تحت چنین شرایطی صاحب شد.

ضمن اینکه جدال بر سر تصاحب امتیازهایی امان بود ولی تهران این بار با دشواری کمتر موفق به برد شد و ۱۵-۱۳ مرکز را مغلوب کرد. باین صورت تهران که سال پیش در دیدارهای منطقه‌ای حذف شد؛ اسمال جام را تحت چنین شرایطی صاحب شد.

گزارش هدایت بهبهانی فرستاده دنیای ورزش از کابل

اصفهان در مکان دوم جام استقلال

دوم ۴ بار دروازه‌ها گشوده شد که «حسن‌آف» و «یونگین» زندگان ۲ گل شوری بودند و «حیدرآفری» نیز ۲ گل برای ایران بشمر رساند.

اصفهان دومین پیروزی خود را مقابل تیم جوانان کابل صاحب شد که این برد با نتیجه ۳-۰ بدست آمد.

حیدر آفری در دقیقه ۴۶ و علیرضا رحیمی در دقیقه ۵۵ دویار دروازه کابلی‌ها را سه سقوت گذاشتند.

آخرین دیدار نماینده ایران برابر «اردواسیرت» ترکیه بود که ۱-۱ خاتمه پذیرفت. درحالیکه انتظار پیروزی تیم اصفهان میرفت.

«ارول» در دقیقه ۴۸ گل اول بازی را نصیب اردواسیرت کرد و در دقیقه ۶۵ محسن یزدخواستی گل مساوی اصفهان را در دروازه ترکهاشتاند.

باین ترتیب «یامیر» با ۱۷ امتیاز از سه پیروزی (۴-۰ بر اردواسیرت) (۳-۰ بر متخب کابل) (۲-۰ بر جوانان کابل) و

ترکهاشتاند ۲۰ مساوی ۲-۲ با اصفهان قهرمان شد و اصفهان بمقام دوم رسید.

تیم فوتبال منتخب اصفهان که بعنوان نماینده ایران که در بازیهای جام استقلال افغانستان شرکت کرده بود، باینست آوردن عنوان دوم مسابقات «بندبال» «یامیر» از تاجیکستان شوری، بذرش بیاپان داد.

«یامیر» که سال گذشته نیز جام قهرمانی این بازیها را باینست سرگداردن «منتخب نفت آبادان» نماینده ایران تصاحب کرده بود، باینست پیروزی یکم مساوی در بازیهای یکبار دیگر قهرمان شد، ضمن اینکه تنها مساوی این تیم مقابل اصفهان بود.

اصفهانها در دیدار برگزاری صاحب ۲ پیروزی و ۲ مساوی شدند که با جمع ۶ امتیاز آنها را در مکان دوم قراردرد.

تیم منتخب کابل اولین حریف ایران بود که بایک گل از منطقه پنهانی به شکست خورد، این پنهانی در دقیقه ۶۶ با ضربه «محسن یزدخواستی» بشمر رسید.

در مسابقه بعد برای «یامیر» که در عین حال میوانست دیدار سرنوشت‌ساز بازیها بحساب آید، اصفهان به نتیجه مساوی ۲-۲ دست یافت. وقت اول مسابقه بدون گل بود و طولونیمه

د رتھای بزرگ کشتی ایران در آخرین آزمایش

علیدوستی قهرمان آسیا و آزمایش ژرافتشی در ترکیه و نتایج ضعیف او از اعزام کشتی گیر ۸۲ کیلو خودداری شد.

درمورد ۹۰ کیلو سلیمانی که در خدمت تیم جوانان به بلغارستان مرود و هم چنین دقت نور در جام یاساردوغو جالب توجه مبارزه نکرد و بخاطر اینکه دیگر امیدها در شرایط نیکو قرار دارند در این وزن هم ایران فاقد شرکت کننده خواهد بود. در عوض بخاطر نزدیکی در نهایی کشتی گیران وزنه‌های ۵۲ و ۵۷ کیلو و با توجه به شرایط تیم ایران که امیدهایش در وزنه‌های سبک جستجو میشود خدر - فروه‌سی در ۵۷ کیلو و داریوش واعظی و قدیر نخودچی در ۵۲ کیلو به آلمان سفری اعزام میشود. برای سنایستی بیشتر گروه اعزامی به بازگورکن افتخارات و نمودارهای آنها می پردازیم.

۴۸ کیلو: سبحان روحی: قهرمان جامهای آرماهر - عراق - یاساردوغو و برنده مدالهای نقره جام جهانی لاس‌الماس - جام تفلیس و بازیهای آسیائی تهران ۵۲ کیلو: داریوش واعظی - قهرمان ارزنشاهی جهان - جام یاساردوغو - رومانی ۵۲ کیلو: قدیر نخودچی: دارنده مدال نقره دانتسجوان جهان - قهرمان جام فرایبورگ.

۵۷ کیلو: محسن فروه‌سی - قهرمان جهان در سال ۱۹۷۳. قهرمان آسیا در سال ۱۹۷۴ و برنده مدال های طلای جام آرماهر - جام عراق - جام رومانی - جام روزه کولن و برنده مدال های نقره دانتسجوان جهان - جام جهانی لاس‌الماس و فرایبورگ.

۵۷ کیلو: رمضان خدر - نفر دوم مسابقات جهانی ۱۹۷۴ استانبول و قهرمان مسابقات جام آرماهر - تفلیس - درنگولف - فرایبورگ و یاساردوغو.

۶۲ کیلو: محمدرضا نوائی - قهرمان جام جهانی لاس‌الماس و آرماهر و برنده مدال های نقره جهان در سال ۱۹۷۳ و برنز آسیا در سال ۱۹۷۴ و فاتح جامهای عراق - فرایبورگ و برنده مدال نقره دانتسجوان جهان.

۶۸ کیلو: محمد خرمی - ستاره و قهرمان مسابقات جام جهانی لاس‌الماس - قهرمان ارزنشاهی - جام آرماهر و برنده مدال های نقره جامهای لاکولف - رومانی فرایبورگ و مدال برنز تفلیس.

۷۴ کیلو: منصور برزگر - قهرمان جهان در سال ۱۹۷۳ و قهرمان بازیهای آسیائی تهران در سال ۱۹۷۴ و برنده مدال های طلای جام آرماهر - عراق - رومانی - مدوید - فرایبورگ و مدال نقره جام جهانی لاس‌الماس.

۱۰۰ کیلو: رضا سوخته سرائی - برنده مدال نقره آسیا در سال ۱۹۷۴ قهرمان جام فرایبورگ و برنده مدال های نقره جامهای رومانی - عراق و آرماهر.

۱۰۰ کیلو: داود ایوب - برنده مدال برنز جام آرماهر - نقره جام فرایبورگ. بهرام این تیم سرمربی تیم ملی کشتی محمد علی صنعت کاران قهرمان بینین ایران و جهان (سرسرست) محمدرضا خجسته نور (مربی) و ابراهیم نیک سرست (داور) خواهند بود.

اداره شیشه این هفته تیم کشتی برگزیده ایران برای شرکت در مسابقات بین المللی آلمان شرقی از طریق مسکو - برلین راهی «لابیزیک» مکان برگزاری مسابقات خواهد شد.

گروه ۱۳ نفره کشتی ایران که متشکل از ۱۰ کشتی گیر، یک سرپرست، یک مربی و یک داور میباشد عبارتند از: سبحان روحی - قدیر نخودچی - داریوش واعظی - محسن فروه‌سی - رمضان خدر - محمدرضا نوائی - محمدرضا - منصور برزگر - رضا سوخته سرائی و داود ایوب، در این دوره تیم ایران در وزنه‌های ۸۲ و ۹۰ کیلو فاقد شرکت کننده است.

تیم ایران که برای نخستین بار راهی این مسابقات میگردد در حقیقت همه سرمایه های قابل بحث ایران در کشتی می باشد که برای آخرین آزمایش و اندازه گیری موجودیت خود در فاصله ۴۰ روز به آغاز مسابقات جهانی «مینسک» به آلمان شرقی میرود تا در برخورد با قدرتهای شناخته شدهی شوروی - بلغارستان - مغولستان - ترکیه - آلمان شرقی بیازشناسی نیروهای برتر خود بپردازد.

در فهرست کشورهای شرکت کننده اگر همه تیم های دعوت شده در لابیژیک حاضر باشند، می توان امید داشت مسابقاتی در سطح عالی جریان پیدا کند ولی آنچه که از هم اکنون قابل مینسک به آلمان شرقی میرود تا در برخورد با قدرتهای شناخته شدهی شوروی - بلغارستان - مغولستان - ترکیه - آلمان شرقی بیازشناسی نیروهای برتر خود بپردازد.

بهر شکل این میدان برای کشتی ایران نهایت ارزنده و سودمند خواهد بود، چرا که دوری یکساله از صحنه های بین المللی علیرغم حضور در جامهای فرایبورگ و یاساردوغو هنوز آن کمبود را برطرف نکرده است و بالاخص مقررات تازه شکلی است که هر اندازه امیدهای ما بتوانند خود را با آن وفق دهند، در نتیجه نهائی بیشتر موثر خواهد شد.

سوی این نکات با تکیه بر کیفیت کشتی گیران میزبان که حالا یکی از بزرگان نواخته کشتی جهان هستند، نموداری راستین از قدرت آنها بدست خواهیم آورد، چرا که حالا در جهان کشتی تنها شوروی بلغارستان مدعی و رقیب و همواره ما نیستند، چرا که آلمان شرقی - ترکیه - لهستان - رومانی در کنار ژان مغولستان نیز برابر ما سب آرائی خواهند کرد.

فدراسیون کشتی با توجه به کیفیت مسابقات آلمان شرقی و موقعیت کشتی ایران ۱۰ تن را برای این مبارزات نامزد کرد که بنابندلیلی از اعزام کشتی گیران وزنه‌های ۸۲ و ۹۰ کیلو این بار خودداری شد.

دلایل اقامه شده از سوی کمیته فنی برای حفظ وزن دو کشتی گیر ۸۲ و ۹۰ کیلو و بدست گرفتن ۴ کشتی گیر وزنه‌های ۵۲ و ۵۷ کیلو از این قرار بود.

درمورد ۸۲ کیلو بخاطر آسیب دیدگی حمید

مسابقات شنا ، شیرجه و واترپلو قهرمانی سال ۱۹۷۵ شنا: جنگ آمریکا و آلمان شرقی واترپلو: ایران و چهار باخت

آخر مبارزه کردند و بالاخره واندنر ، زودتر به آخر خط رسید . نتایج دیگر مسابقات از اینقرار است . ۱۰۰ متر قورباغه مردان: آسیدویدولکی (انگلستان) با ۱:۰۴:۲۶ دقیقه ۲- نوبوگوتاناگوشی (ژاپن) با ۱:۰۵:۰۴ دقیقه ۳- لایس (انگلستان) با ۱:۰۵:۳۲ دقیقه .

۴۰۰ متر تیمی زنان : ۱- آلمان شرقی با ۱۶:۴۷ دقیقه ۲- آمریکا با ۱۷:۰۰ دقیقه ۳- هلند با ۱۷:۰۲ دقیقه ۴- ۲۰۰ متر مختلط زنان : ۱- اکتی‌هدی (آمریکا) با ۲:۱۹:۰۸ دقیقه ۲- اولریک‌تاویر (آلمان شرقی) با ۲:۲۰:۰۶ امتیاز ۳- آنجلافرانکه (آلمان شرقی) با ۲:۲۰:۸۱ دقیقه .

واترپلو : ایران ، در میان سه رشته مسابقات برگزاری آنها در « واترلو » شرکت دارد که دیدار های خود در مرحله مقدماتی را با شکست پشت سر گذارد .

جمعا ۱۶ تیم بازیهای مقدماتی را آغاز کردند که ایران همراهم شوروی (قهرمان المپیک مونخ) آمریکا و اسپانیا در گروه سوم قرار گرفت .

اسپانیا اولین تیم بیروز مقابل ایران بود که ۲-۱۲ به این برد دست یافت ۲ گل ایران را حسین شمیم داریوش موحیدی بنمردسانند . در دومین بازی شوروی با حساب ۲-۱۳ بر ایران غلبه کرد و بالاخره نماینده اسپا در مسابقه سوم خود به شکست ۱-۱۴ مقابل آمریکا تن درداد .

پس از مسابقات مقدماتی ایران با آمریکا - اسپانیا و کانادا برای دیدارهای رده بندی بر سر میزهای نیم تا شانزدهم در یک گروه قرار گرفت که در اولین دیدار این مرحله ۴-۱ از کانادا شکست خورد .

در بازیهای واترپلو شوروی و آمریکا و یوگسلاوی از امیدهای بزرگ تصاحب قهرمانی بشمار می آیند .

مسابقات شنا ، شیرجه و واترپلو قهرمانی سال ۱۹۷۵ جهان که از هفته گذشته در شهر وکالی ، کلمبیا آغاز شده است ، صحنه نبردی سهمگین میان امریکائی‌ها و آلمان شرقیهایی‌ها جنگ آوردن مدالهاست که این جدال بنفروز به او چندینک میگردد .

ولی علیرغم این جنگ آبی بین امریکاو آلمان شرقی که نظرها در رقابتهای ماینونام دوخته میشود ، اولین مدال طلای مسابقات جهانی امسال را یک دختر روس برد این فاتح مدال طلای اول و ایرینا کالینینا بود که در شیرجه از سکوی ۳ متر با ۰۸۹:۴۸ امتیاز قهرمان شد .

ماتانایا و لوبکیا ، از شوروی با ۰۳۷:۴۷ امتیاز و « کریستین لوگ » از آمریکا با ۰۸۲:۴۶ امتیاز در کمپهای دوم و سوم ایستادند .

« نیمناو » شناگر بزرگ امریکائی در ۲۰۰ متر آزاد مردان ضمن تصاحب مدال طلا اولین رکورد جهانی برای این مسابقات را هم خلق کرد .

« شاو » این مسافت را در مدت ۰۱:۰۵:۱۰ دقیقه بپیود و رکورد جهان ۰۱:۰۵:۱۰ ثانیه شکست بدستل « شاو » فورینس شناگر دیگر امریکائی با ۰۳:۳۵ - دقیقه و برینگی از انگلستان با ۰۳:۵۶ - دقیقه مدال های نقره و برنز گرفتند .

در جمیع آلمان شرقیها « رولاند مائیس » درخشانترین چهره را داشته که در شنا ۱۰۰ متری پشت مردان با حد نصاب ۰۸:۱۵ ثانیه مدال طلا را از آن خرد کرد. در حالیکه جان مورفی امریکائی با ۰۸:۳۴ ثانیه مدال نقره گرفت و یک امریکائی دیگر بنام « ملش » با ۰۸:۳۸ ثانیه در رده سوم ایستاد .

از مسابقات جالبی صاحب مدال نقره ۱۰۰ متر قورباغه نوسپ « تاگوشی » ژاپنی بود ، او در بازیهای آسیائی تهران نیز حاضر بود و مدال طلا گرفت و تخته دیگر جدال گرتلیناند و شرلی با شوشوف ۲ ستاره شنای آلمان شرقی و آمریکا در ۴۰۰ متر تیمی زنان بود که در ۱۰۰ متر

شطرنج قهرمانی منطقه غرب آسیا (تهران)

«شریف» در راه قهرمانی گام برمیدارد

بیکار هفتم «شریف» برابر «سورسوک» از لبنان بود که با پیروزی دیگر برای بزرگ ایرانی پایان گرفت .

این مسابقات را ۱۲ شطرنج باز از کشور های ایران - لبنان - پاکستان - سوریه - هند - اردن عراق در کتایخانه مرکزی دانشگاه تهران بصورت دوره ای آغاز کرده اند که هر کشور ۲ شرکت کننده حاضر در بازیها دارد و تنها عراق یک نماینده دارد .

«شریف» که اکنون پیشتر بازیهای میوان گفت دیدار های دشواری را پشت سر گذارده است و گذشته از پیروزی بر هندی ، با غلبه بر «آثرون» چهره بزرگ هندی و مساوی با «موانلی» لبنانی گامهای بلندی در رسیدن به قهرمانی برداشته است .

«شریف» پیش از دیدار با هندی و «آثرون» هندی ، ستاره از پاکستان راشکست داد و سپس با «موانلی» مساوی کرد . «مبارکه» از عراق حریف مغلوب شریف در دور ششم بود و بالاخره در دور هفتم «سورسوک» لبنان را شکست داد .

رده بندی تا پایان مرحله هفتم باین ترتیب است :

۱- مهر شاد شریف (ایران) با ۶ امتیاز ۲- خسرو هندی (ایران) با ۵ امتیاز (هنری) ۶ بازی انجام داده است ۳- آثرون (هند) و قوایش (لبنان) با ۵ امتیاز



مبارزات برگزیدگان ۷ کشور در شطرنج قهرمانی منطقه غرب آسیا در حالی در تهران دنبال میشود که معرشتاد شریف، شطرنج باز ارزنده ایران با فرغی تحسین انگیز برای تصاحب عنوان قهرمانی پیش میرود .

«شریف» که در اولین بازی خسرو هندی، رقیب هموطنش را مغلوب کرد، در پایان مرحله هفتم صاحب ۵ امتیاز است که یک امتیاز از دست رفته نیز بدلیل تساوی با «موانلی» از لبنان میباشد .

اطلاعیه سندیکای نویسندگان و خبر نگاران درباره رفتار غیر اصولی پرویز قلیچ خانی

هفته گذشته سندیکای نویسندگان و خبرنگاران ایران اطلاعیه ای در باره رفتار غیر اصولی پرویز قلیچ خانی با خبرنگاران مطبوعات صادر کرد که متأسفانه بعلم آنکه خیلی دیر بدفتر مجله رسید و کاصحفاً بندهی مجله بعلم نبون مسابقات پایان هفته زودتر از معمول به پایان رسیده بود نتوانستیم چاپ کنیم که ضمن پوزش از سندیکا هفته آینده عینا چاپ خواهیم کرد.

وستندواج

مشهورترین ساعت در خاورمیانه



ساخت سوئیس

اتوماتیک - تقویم دار - واترپروف

ضد مغناطیس - ضد ضربه

